

سوره سینما

ماهنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری - شماره هفتم شهریور ۱۳۹۶

اجتماع بزرگ خانواده سینما و موسیقی
در پاسداشت باشکوه مجید انتظامی
بازدید هیئت سوری از حوزه هنری
سفر مشترک مدیران حوزه هنری
به سواحل مکران

پخش ۹ فیلم توسط

موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز



کارگر ساده نیازمندیم

تهیه کننده: منوچهر هادی
کارگردان: منوچهر هادی
نویسنده: پدram کریمی
بازیگران: آتیلا پسیانی، یکتا ناصر، سحر
قریشی، سیامک صفری، بهرام افشاری، سیروس
همتی، مجید اصغری، مهرن احمدی، مهدی محرابی



بیست و یک روز بعد

تهیه کننده: محمدرضا شفا
کارگردان: سید محمدرضا خردمندان
نویسنده: سید محمدرضا خردمندان
احسان تقفی
بازیگران: ساره بیات، حمیدرضا آذرنگ، امیرحسین
صدیق، سینا رازانی، جلال فاطمی، مهدی
قربانی، حسین شریفی



زیر سقف دودی

تهیه کننده: پوران درخشنده
کارگردان: پوران درخشنده
نویسنده: پوران درخشنده
بازیگران: فرهاد اصلانی، مریلا زارعی، بهنوش
طباطبایی، شهرام حقیقت دوست، حسام نواب
صفوی، آریتا حاجیان، ابوالفضل میری، لاله مرزبان



فیلشاه

تهیه کننده: حامد جعفری
کارگردان: هادی محمدیان



فیلم های سینمایی «زیر سقف دودی»، «کارگر ساده نیازمندیم»، «بیست و یک روز بعد»، «قهرمان کوچک»، «فصل نرگس»، «پری دریایی»، «فیلشاه»، «شهری که نمی خوابد» و «رهایی از بهشت» امسال توسط موسسه بهمن سبز عرضه و اکران می شوند

با ما همراه باشید

 bahmansabz_ir

 Bahmansabz_ir

وَاللَّهُ

فهرست

رویدادها ۴

گزارش ۱۰

بازتاب ۲۶

بزرگداشت مجید انتظامی ۳۳

استان‌ها ۴۹

سوره سینما

خبرنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره هفتم شهریور ماه ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیرمسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرش رمضانیان

تحریریه: ابوالفضل ذوالفقاری، امید عشیره .
راجله خدای. نرگس ساجد

صفحه آرایی: مانی گرافیک
عکس: سحر قریب . بهادر زارع

با سپاس از فاطمه پزشکی. حامد نیکومرام.
محمد علی حیدری.

تلفن: ۸۸۸۰۹۵۰۷-۸۸۹۱۸۱۲۸

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:
www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
[@sourehcinema](https://www.instagram.com/sourehcinema)

کانال تلگرام روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری
[@sourehcinema_com](https://www.t.me/sourehcinema)

«کانال تلگرام «سوره سینما»
[@sourehcinema](https://www.t.me/sourehcinema)



سخن نخست

زمان ایستاده بود
آنگاه که تو استوار
به سوی مسلخ خونبار
قدم میزدی.

یک تکه از زمان اینجا، منجمد شده است. یک تکه از نمایش سهمناک خشونت، یک تکه از روایت ایثار و از خود گذشتگی.... یک تکه از داستان مردی که استوار به مسلخ می‌رود.
عکس ما را با خود در گیر می‌کند. همه ما را که با اندیشه‌های متفاوت، مردی را که می‌دانیم چندی بعد سر به سودای ایمان داده است، قضاوت می‌کنیم.
پدری که از کودک دو ساله‌اش گذشته است. مردی که همسر جوانش را به امید بازگشت، به خدا سپرده است. فرزندی که هنگام وداع به پای مادر بوسه داده است، برادری که خواهران را در برگرفته و گریسته است. و مردی که پای آنچه به درستی‌اش ایمان داشته است، سر داده است.
او را قضاوت میکنیم، هر کدام با معیارهای روزمره‌مان. تا به جواب سوالی که ذهن‌هامان را به خود مشغول کرده است، دست یابیم.

چگونه می‌شود، کسی اینچنین بی‌محابا، به قلب سلاخان خونریز بتازد، انسان که او تاخته است؟
چگونه ممکن است، کسی نهراسد اینچنین از دهشت خنجر و گلو و سر دادن؟
به چشمانش خیره می‌شویم، تا نشانه‌ای بیابیم از آنچه بر او گذشته است، در واپسین قدم‌هایش، نفس‌هایش و افکارش. نه ترسی نمایان است، نه واژه‌ای. تنها نگاهی ست خیره به جایی خارج از عکس، که شاید قربانگاه آخرینش باشد. آنجا که استواری هر مردی را در هم می‌شکند.
در دل شهادتش را تحسین می‌کنیم، در همان حالی که از جلادی که با صورت زخم‌خورده و خنجر بدست، او را به قربانگاه میراند، احساس انزجار و نفرت می‌کنیم. سلاخی که عزیزی از ما را به قربانگاه می‌برد.
کجاست یاری‌ری که یاریش کند....

نفرت و خشم در چشمان جلاد موج می‌زند. گویی که مدت‌ها به انتظار چنین لحظه‌ای روزگار گذرانده است، لحظه‌ای که انگار هیولایی، فرشته‌ای را به مسلخ می‌برد و بالهایش را بدست گرفته و به خون فشانده از گلویش، سرخگون میکند.
دل‌مان در تلاطم است، قلبمان فشرده....

در پس زمینه عکس حجم بزرگی از دود از چادرهای علم شده، برمی‌خیزد. چادرهایی که شاید خیمه آسودن سربازانی بوده، که اینک به خاک و خون غنوده‌اند.
راستی چرا تصویر خیمه‌های سوزان و دود و مسلخ و غروب این اندازه برای‌مان آشناست؟ پاسخ را تنها به قلب‌هایمان وامی‌گذارم.

در عصر روز هجدهم مرداد، یک مرد، استوار و راسخ، پای عقیده‌ای که به جان، بدان ایمان دارد، سر می‌بازد. همان عصری که کیلومترها کیلومتر، اینسوتر، ما آسوده در روزمرگی‌هایمان سر می‌گردیم. بی‌آنکه بدانیم و بشناسیم، همه مردانی از جنس محسن حججی را.
نامش جاوید. راهش پر رهرو.

پیام تبریک رئیس حوزه هنری به سید عباس صالحی

به گزارش سوره سینما، متن پیام تبریک محسن مومنی شریف، رئیس حوزه هنری، خطاب به سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به شرح زیر است:

«جناب آقای دکتر سید عباس صالحی

وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی

انتصاب شایسته حضرت عالی را به عنوان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از طرف رئیس جمهور محترم که خوشبختانه با رأی اعتماد قاطع نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی نیز همراه شد از طرف خود و همکارانم در حوزه هنری صمیمانه تبریک عرض می‌کنم.

بر خوراری جناب عالی از جایگاه ارزشمند علمی و فرهنگی، همچنین بهره‌مندی از تعهد، تخصص و تجربه ارزشمند در عرصه مدیریت فرهنگی، و نیز اتکای شما به تفکر فرهنگی و بی‌اعتنایی به حواشی سیاسی، موجبات شادمانی و امیدواری اهالی فرهنگ و هنر را فراهم آورده و افق روشن را پیش روی فعالان این عرصه پدیدار کرده است.

امید است حضور گرانبه‌دارتان در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، همان‌گونه که انتظار می‌رود به پیشرفت و تعالی وضعیت فرهنگ و هنر ایران اسلامی منجر شود. از درگاه پروردگار متعال برای شما توفیق در طی کردن این طریق دشوار و پیشبرد اهداف مقدس‌تان را مسئلت دارم.

و من الله التوفیق

محسن مومنی شریف



فراخوان روزرسانی اطلاعات سینماگران در سایت بانک جامع اطلاعات سینمای ایران

و نوجوان، جشن خانه سینما، جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، جشنواره بین‌المللی فیلم رشد در این بانک گردآوری شده و پرونده فیلم‌های سینمایی به تفکیک سال تولید از ۱۳۰۹ تاکنون در آن ارائه شده است.

دسترسی به اطلاعات شرکت‌های تولید و پخش از دیگر خدمات این مرجع اطلاعاتی سینمای کشور است و فهرست کاملی از معرفی شرکت‌ها به همراه آدرس و شرح فعالیت‌ها در آن ارائه شده است. همچنین، اطلاعات مربوط به اعضای صنوف مختلف سینمایی در آن تهیه شده به عنوان مثال: آمار و اطلاعات تعداد چهار هزار و ۲۷ نویسنده، چهار و هفت هزار و ۵۲۲ بازیگر، سه هزار و ۸۱۴ تهیه‌کننده سینما قرار گرفته و آمار بقیه صنوف مثل صداپردار، منشی صحنه، تدوین و... نیز ارائه شده است.

حوزه هنری در راستای بسط و گسترش فرهنگ سینمایی کشور در سال ۱۳۸۲ اقدام به سازمان‌دهی و احداث بانک جامع اطلاعات سینمای ایران «سوره سینما» نموده که خوشبختانه علاوه بر ایجاد محیطی سالم و مفید گامی بلند در این عرصه حساس و مهم فرهنگی برداشته و قطعاً، تقویت و توسعه بانک اطلاعاتی سازمان سینمایی حوزه هنری به عنوان بزرگ‌ترین مرجع اطلاعاتی سینمای کشور و تامین‌کننده بسیاری از نیازها و ضرورت‌های پژوهشی و اطلاعاتی مستلزم تعامل و همکاری و مساعدت همه سینماگران کشور است.

همچنین اطلاعات مربوط به ۷۶۵ شرکت و فیلم‌های تولید شده آن معرفی شده است. محتوای این بانک شامل: تاریخچه سینمای ایران، معرفی فیلم‌های ساخته شده ایرانی به همراه کلیه اطلاعات مربوط به آنها (عوامل فیلم، مشخصات فنی، خلاصه فیلم، بیوگرافی و سوابق هنری سینماگران ایرانی) از سال



در آستانه روز ملی سینما، سایت بانک جامع اطلاعات سینمای ایران «سوره سینما» دور جدید روزرسانی اطلاعات هنرمندان را آغاز کرد. به گزارش سوره سینما؛ این روزرسانی شامل پرونده افراد، موسسات سینمایی، جشنواره و فیلم‌ها است که تمامی صنوف سینمایی می‌توانند با مراجعه به آدرس:

www.sourehcinema.com/Default.aspx و تکمیل فرم فراخوان اطلاعات خود را تکمیل کنند.

سایت بانک اطلاعات سینمای ایران «سوره سینما» تنها بانک جامع اطلاعاتی سینماگران است که پرونده فیلم‌های تاریخ سینمای ایران از ابتدا تاکنون به همراه کلیه اطلاعات مربوط به آنها (عوامل فیلم، مشخصات فنی، خلاصه فیلم، بیوگرافی و سوابق هنری سینماگران ایرانی)، بزرگ‌ترین گالری عکس سینمایی (شامل عکس‌های صحنه، پشت صحنه

و پوستر) برای فیلم‌ها، همچنین پرونده کامل جشنواره‌ها (شامل قوانین و مقررات، فیلم‌ها، جوایز، تصاویر و...) مانند: جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان، جشن خانه سینما، جشنواره بین‌المللی فیلم مقاومت، جشنواره بین‌المللی فیلم رشد و... در این بانک گردآوری شده و پرونده فیلم‌های سینمایی به تفکیک سال تولید از ۱۳۰۹ تاکنون در آن ارائه شده است.

علاوه بر اطلاعات مربوط به ۳۲ هزار و ۴۳۹ سینماگر از سال ۱۳۰۹ در این بانک، سه هزار و ۵۰۷ پرونده فیلم شامل آلبوم عکس‌ها، خلاصه داستان و تیتراژ،

۱۳۰۹ تا کنون است، بزرگ‌ترین گالری عکس سینمایی (شامل عکس‌های صحنه، پشت صحنه و پوستر) برای فیلم‌ها، افراد و جشنواره‌ها، گزارش کامل از نتایج جشنواره‌های داخلی و بین‌المللی و رویدادهای روز آن، امکان دسترسی به اطلاعات روز سینماهای تهران به طور کامل، بخش آرشیو عکس شامل عکس فیلم، پشت صحنه فیلم و هنرمندان می‌شود. همچنین، پرونده کامل (شامل قوانین و مقررات، فیلم‌ها، جوایز، تصاویر و...) از اطلاعات مربوط به جشنواره‌های مهم سینمایی کشور مانند: جشنواره بین‌المللی فیلم فجر، جشنواره بین‌المللی فیلم کودک

اکران فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» در ۱۰ شهر کشور آلمان



فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» به کارگردانی پوران درخشنده در روزهای ۹ و ۱۰ مهرماه همزمان در ۱۰ شهر کشور آلمان به روی پرده خواهد رفت. به گزارش سوره سینما، فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» آخرین ساخته پوران درخشنده در روزهای ۹ و ۱۰ مهرماه سال جاری ساعت ۲۰:۳۰، همزمان در ۱۰ شهر فرانکفورت، بن، برلین، مونیخ، کلن، کبلنز، دارمشتات، گبین، کارلسروهه و ورنهایم در کشور آلمان و در سینماهای زنجیره‌ای «کینوپولیس» اکران خواهد شد. بخش سینمایی این فیلم در کشور آلمان را «فیلمیران اروپا» به نمایندگی وحید شمشادیان بر عهده دارد.

«زیر سقف دودی» در سی و پنجمین جشنواره فجر به نمایش در آمد و توانست در شش بخش نامزد دریافت جایزه شود و مریلا زارعی به عنوان بهترین بازیگر نقش اول زن و ایمان امیدواری به عنوان بهترین طراح گریم سیمرغ بلورین این دوره جشنواره را برای این فیلم دریافت کردند.

این فیلم روایتگر زندگی مشترکی است که بن بست رسیده و تلاشی برای برون رفت از این بحران خانوادگی که طلاق عاطفی است. در فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» فرهاد اصلانی، مریلا زارعی، بهنوش طباطبایی، هوشنگ توکلی، مریم یو، هادی مرزبان، فریا متخص، شهرام حقیقت دوست، رسول نجفیان، نفیسه روشن، آزیتا حاجیان، حسام نواب صفوی، فرشید زارعی فرد و با معرفی ابوالفضل میری و لاله مرزبان به ایفای نقش می پردازند. بخش بین المللی فیلم سینمایی «زیر سقف دودی» به عهده سازمان سینمایی حوزه هنری است.



ملاقلی پور با مستند «راه طی شده» در راه جشنواره سینماحقیقت

دینی، سیاستمدار و نخست‌وزیر دولت موقت ایران در سال ۵۷ پرداخته است. عنوان فیلم هم از یکی از کتاب‌های مهم و تاثیرگذار مهندس بازرگان گرفته شده است. گفتنی است که عوامل تولید این فیلم مستند عبارتند از: نویسندگان و کارگردان: علی ملاقلی پور، پژوهشگر: حامد تقی‌زاده، فیلمبردار: رضا تیموری، صدابردار: علی ذوالفقاری، تدوینگر: شهاب بشیری، آهنگساز: فرید سعادت‌مند، گوینده متن: علی ملاقلی پور، عکاس: سمیه میری، تهیه‌کننده: محمدامین نوروزی، تهیه شده در: مرکز مستند سوره حوزه هنری.

علی ملاقلی پور با فیلم «راه طی شده» محصول مرکز مستند سوره وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری، متقاضی شرکت در یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت شد. به گزارش سوره سینما، فیلم مستند «راه طی شده» به مدت زمان ۷۵ دقیقه، در سال ۱۳۹۶ ساخته شده و برای اولین نمایش عمومی به دبیرخانه جشنواره سینماحقیقت ارائه شده است.

ملاقلی پور در مستند «راه طی شده»، به بررسی افکار و اندیشه‌های مهندس مهدی بازرگان به عنوان روشنفکر



«سرو زیر آب» در راه جشنواره فیلم فجر

پور، حسن نجاریان، حسین فلاح و امیر دلفانی نقش آفرینی می‌کنند. «سرو زیر آب» در تهران، میبد، روستای مزرعه کلانتر یزد، روستای سپید دشت لرستان و دزفول فیلمبرداری شده است.

سایر عوامل فیلم عبارتند از: کارگردان: محمد علی باشه‌آهنگر، تهیه‌کننده: سید حامد حسینی، نویسندگان: محمد علی باشه‌آهنگر - حامد باشه‌آهنگر، صدابردار: عباس رستگار پور، طراح گریم: محسن بابائی، تدوین: حامد باشه‌آهنگر، جلوه‌های ویژه: میدانی: محسن روزبهانی، جلوه‌های ویژه رایانه‌ای: اوژن سید اشرفی - ماکان خاکزاد، عکاس: علی نیک رفتار، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز: حسین فلاح، مدیر تولید: طاهر امانی، مشاور رسانه‌ای: مریم نراقی.



بهبودی، مینا ساداتی، همایون ارشادی، مهتاب نصیر پور، هومن برق‌نورد، ستاره اسکندری، شهرام حقیقت دوست، فرخ نعمتی، هادی قمیشی، سیاوش چراغی

تدوین فیلم سینمایی «سرو زیر آب» به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگر مراحل پایانی را سپری می‌کند. به گزارش سوره سینما، صداگذاری این فیلم که با مشارکت سازمان سینمایی حوزه هنری، بنیاد سینمایی فارابی و موسسه تصویر شهر (شهرداری تهران) در ژانر دفاع مقدس تولید شده است، بلافاصله پس از پایان تدوین آغاز می‌شود.

در خلاصه داستان «سرو زیر آب» که فیلمنامه آن توسط محمد علی باشه‌آهنگر و حامد باشه‌آهنگر نوشته شده، آمده است: راز جهان‌بخش کرامت فاش می‌شود؟ این راز خواب چیست، ماهرو، گودرز، بهرام، جهانگیر و سرگرد پوشیاس را آشفته خواهد کرد. جهان‌بخش برای اثبات بی‌گناهی و بازگشت آرامش سفر بلندی را آغاز می‌کند؛ سفری که پایانش زندگی بسیاری از آنها را تغییر می‌دهد...

در این فیلم بابک حمیدیان، مسعود رایگان، رضا

نمایش «برگ‌های پاییزی» در جشنواره «One Reel» آمریکا



فیلم کوتاه «برگ‌های پاییزی» محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در جشنواره بین‌المللی فیلم «One Reel» آمریکا به نمایش درآمد.

به گزارش سوره سینما، فیلم کوتاه «برگ‌های پاییزی» به کارگردانی سامان حسین پور محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در بیست و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «One Reel» در شهر سیاتل آمریکا به نمایش درآمد. این جشنواره که بخش سینمایی جشنواره هنر و موسیقی «بامبرشوت» می‌باشد در مدت سه روز، بهترین فیلم‌های کوتاه از سرتاسر جهان را به نمایش می‌گذارد. جشنواره «بامبرشوت» نزدیک به نیم قرن قدمت دارد و یکی از بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین جشنواره‌های معاصر در آمریکای شمالی است.

بیست و دومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم «One Reel» از ۱۰ الی ۱۲ شهریورماه در شهر سیاتل آمریکا برگزار شد.

اختتامیه دومین جشنواره فیلم سلامت برگزار شد

آیین اختتامیه دومین جشنواره ملی فیلم سلامت یکشنبه ۵ شهریور با معرفی برگزیدگان در تالار وحدت برگزار شد. به گزارش سوره سینما، برگزیدگان دومین جشنواره ملی فیلم سلامت یکشنبه ۵ شهریور در آیین اختتامیه این رویداد معرفی شدند.



محمدرضا خردمندان بعد از دریافت جایزه خود در بخش سینمایی گفت: من از آقای وزیر در این فرصت تشکر می‌کنم که ۱۶ سال پیش چشم من را عمل کردند و ۱۶ سال است لذت زندگی بدون عینک را می‌چشم. همچنین، فیلم «زیر سقف دودی» به کارگردانی و تهیه‌کنندگی پوران درخشنده، جایزه بهترین فیلم سینمایی این جشنواره را دریافت کرد. پوران درخشنده نیز بعد از دریافت جایزه خود برای فیلم «زیر سقف دودی» خطاب به مخاطبان بیان کرد: شما هستید که فیلم می‌سازم و فیلم‌سازی را با عشق به مردم با محوریت بحث پیشگیری ادامه می‌دهم. مدتی ناراحت بودم از این که طرح فیلمی ارائه کردم و رد شد. اما وزیر بهداشت اولویت اول خود را پیشگیری اعلام کردند و قرار است فیلم «هیس پسرها» گریه نمی‌کنند» نیز ساخته شود.

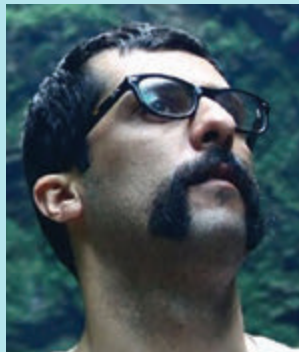


در بخش مسابقه فیلم‌های سینمایی این جشنواره، دو فیلم «بیست و یک روز بعد» محصول سازمان سینمایی حوزه هنری و «زیر سقف دودی» که پخش آن بر عهده بهمن سبز از موسسات تابع سازمان سینمایی حوزه هنری است، حضور داشته و موفق به دریافت جایزه شدند. دیپلم افتخار بخش سینمایی به «بیست و یک روز بعد» به کارگردانی محمدرضا خردمندان رسید.

فیلمنامه؛ پاشنه آشیل انیمیشن در ایران

محمد رضا نجفی امامی و امیر رضا مافی از صاحب نظران و فعالان حوزه انیمیشن به بررسی ضعف فیلمنامه‌های انیمیشن در ایران پرداختند.

به گزارش سوره سینما، مرکز مطالعات تلویزیونی و انیمیشن سوره از مراکز وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری در اقدامی قابل تحسین با مشارکت متخصصان و انیماتوران نام آشنا به ارزیابی و بررسی ضعف فیلمنامه‌های انیمیشن در ایران پرداخته است و با طرح سوال «چرا فیلمنامه انیمیشن‌ها در ایران از استانداردهای بالایی برخوردار نیست و مخاطب را جذب نمی‌کند؟» با صاحب نظران و فعالان این حوزه به گفتگو نشست است.



امیر رضا مافی، طی یادداشتی در رابطه با دوری انیمیشن ایران از تخیل و خیال پردازی در فیلمنامه‌ها از زاویه دیگری به موضوع نگاه می‌کند. وی معتقد است در انیمیشن، شخصیت‌ها کمتر واجد عمق روحی‌اند و بیشتر تیپ‌اند و وقایع و حوادث در آشکارترین وجه خود رخ می‌دهند و عمدتاً پیچیدگی‌های روایی ندارند. انیمیشن باید در خیال آسوده مخاطب بنشیند و با گره‌های فرمی بیش از حد یا محتوایی سخت مخاطب را مشوش ننماید. انیمیشن بستر خیال است و خیال تا ناکجا آباد بال پرواز دارد.

مافی بر این باور است امروز اما در ایران انیمیشن‌ها کمتر خیال پردازی دارند انیمیشن‌ها را نویسندگان فیلم‌های رئال می‌نویسند و نمی‌توانند به طور مداوم خود را از فضای فیلمنامه‌ها و شخصیت‌های واقعی منفک کنند. همین است که ما می‌بینیم انیمیشن‌ها یا خیلی واقعی‌اند و فیلمنامه‌هایشان را می‌توان در وضعیت رئال همان گونه که هست ساخت یا بسیار انتزاعی و پیچیده‌اند و مخاطب نمی‌فهمد که چه محتوایی را دریافت می‌کند. خیال در انیمیشن ما کمتر وجود دارد. یا همه چیز مصور کردن همان واقعیاتی است که هر روز با چشم‌های خودمان پیرامون‌مان می‌بینیم یا چنان سخت است که انگار باید برای واکاوی معنایش به کندن لایه‌های سمبولیک بپردازیم. ذهن ما از خیال تهی شده و این خیال‌گریزی دلایل مختلفی دارد.

محمد رضا نجفی امامی کارگردان فیلم «مبارک» در خصوص فیلمنامه‌های ضعیف انیمیشن‌های ایرانی معتقد است اولین ویژگی یک فیلمنامه خوب این است که اکت زیادی داشته باشد. فیلمنامه‌های ما بیشتر دیالوگ محور هستند صحنه‌های اکشن و اصطلاحاً بازاری کمی دارند. دومین ویژگی نیز در کنار فیلمنامه‌نویس‌ها به انیماتورها مرتبط می‌شود. یعنی ممکن است نویسنده در فیلمنامه تیک‌های رفتاری و بدنی یک کاراکتر را نوشته یا ننوشته باشد، انیماتور باید با دقت زیادی سعی در تعریف تیک‌های شخصیتی باشد تا بتواند یک کاراکتر کم‌دی را به خوبی به تصویر بکشد. مسلماً از یک انیمیشن توقع اثری جدی و رئال نمی‌رود و هر اثری باید ته مایه‌های کم‌دی داشته باشد.

وی می‌گوید: خیلی از فیلمنامه‌نویس‌های ما خلاق هستند ولی بهای کمی به انیمیشن می‌دهند. فیلمنامه‌های انیمیشن خیلی سخت‌تر از آثار رئال است و نویسندگان این آثار ترجیح می‌دهند به جای اینکه شش ماه وقت بگذارند و با وجود تمام ریزه کاری‌ها، اثرشان دیده نشود، یک کار رئال بنویسند و در عرض یک ماه کار را جمع کنند و با استقبال انبوهی از مخاطب هم روبرو شوند. باید این را قبول کنیم که تا زمانی که اکران و توزیع موفقی در زمینه انیمیشن وجود نداشته باشد، فیلمنامه‌نویس‌ها نیز نمی‌توانند از تمام انرژی‌شان برای این آثار استفاده کنند، بالاخره برای هر اثر هنری یک انگیزه مورد نیاز است و به نظر من در زمینه انیمیشن مسئولان و مدیران این حوزه باید آن را برای هنرمندان به وجود بیاورند.

پویا افضلی نویسنده و کارگردان «دراکولا» از دلایل عدم موفقیت انیمیشن‌سازها در زمینه فیلمنامه‌نویسی می‌گوید: با توجه به این نکته که چرخه‌ی صنعتی انیمیشن در ایران هنوز کامل نشده است، و مثلاً نویسنده و کارگردان انیمیشن ایرانی‌ای که می‌خواهد فیلم سینمایی انیمیشن تولید کند هنوز به معنای حقیقی‌اش تجربه‌ی اکران در کنار مردمش را ندارد، رک و روراست باید گفت چنین هنرمندی توان روایت بدون نقص ندارد. غیر از آن که در دورانی زندگی می‌کنیم که حتی در سینمای ایران هم که این تجربه سال‌هاست آزموده شده است، مشکل روایت بسیار پررنگ است.

وی می‌افزاید: به نظر می‌رسد جریان انیمیشن ایران به طور کلی در مسیر اشتباهی قرار گرفته است. در سال‌های اخیر فرمی که در انیمیشن ایران بسیار مورد توجه قرار گرفته، فرم انیمیشن هالیوودی است. به طوری که همه سعی می‌کنند به آن نزدیک شوند و شبیه به آن بسازند. اما در همین سال‌ها اگر به تولیداتی که مورد استقبال عموم مردم قرار گرفته است نگاهی بیاندازیم (کارهای سروش رضایی، مجموعه دیرین دیرین، شکرستان و...) متوجه می‌شویم، که پسند مخاطب ایرانی صرفاً پسندی هالیوودی نیست. هنرمندان انیمیشن ایران به این دلیل که خودشان نتوانسته‌اند فرم خلق کنند، محتوا را هم به سمت محتوای هالیوودی کشانده‌اند، در حالی که مخاطب کودک امروز و پدر مادرهایشان، که اکثراً متولد دهه شصت هستند، همه نوع انیمیشنی از ژاپن گرفته تا اروپا دیده‌اند.

احیای ضارزش‌های سینمای فارسی از نبایدهاست

احترام به سینمای مطلوب

برای رسیدن به ایده‌آل‌های نظام جمهوری اسلامی، برای همه شعبه‌های فرهنگ به خصوص سینما در حد کارایی آنها به عنوان یک وسیله برتر ارزش فراوان قائلیم؛ البته برای آن سینمایی که مقصود مورد تصدیق و تایید اسلام و انقلاب را حاصل می‌کند احترام قائلیم؛ و برای آن سینمایی که در جهت ضد این مقصود حرکت می‌کند هیچ ارزشی قائل نیستیم. و در مورد فیلم‌های به اصطلاح خنثی باید گفت چون کمتر می‌شود فرض کرد که یک فیلم هیچ پیامی نداشته باشد -ولو به صورت غیرمستقیم- آن هم حکمش همان است که عرض شد. بنابراین سینما اگر سینمای مطلوب باشد، خیلی برایش ارزش قائلیم.

محتوای جذاب

جاذبه در فیلم یک عنصر اصلی است؛ اگر فرض کنیم فیلمی برترین پیام‌ها را داشته باشد، اما جاذبه لازم را نداشته باشد، گویی هیچ کار انجام نشده است.

منتهی یک اشتباه در ذهن عده‌ای وجود دارد که خوب است این اشتباه را برطرف کنیم. بعضی خیال می‌کنند اگر قرار شد پیام - در اینجا

اگر می‌خواهید سینما رشد کند باید دو چیز را در نظر بگیرید: یکی میدان دادن به عناصر با استعداد و نسبت به کشور و انقلاب؛ دوم ایجاد یک تحول؛ بیننده را سوق بدهید در فیلم یک هنر حقیقی را دنبال کند و دنبال یک پیام حقیقی و دلنشین بگردد.

در آستانه روز ملی سینما با توجه به اهمیت ادبیات و هنر نزد رهبر معظم انقلاب اسلامی، بر آن شدیم تا فرازهایی از بیانات رهبر معظم انقلاب در سال ۱۳۶۴ پیرامون مسایل هنر سینما در ایران آن زمان را باز نشر کنیم. نکات مطرح‌شده در این مصاحبه نشان از دغدغه‌هایی دارد که هنوز هم گریبان‌گیر فضای فرهنگی کشور است. از جمله این دغدغه‌ها، وضعیت فضای جشنواره ایده‌آل انقلاب اسلامی برای پاسداشت ارزش‌های

مردم این سرزمین به عنوان بستری برای حضور جوانان انقلابی در عرصه هنر و معرفی الگوهای قابل اتکا به منظور نیل به اهداف والای انقلاب اسلامی است.



مقصود ما و آنچه به نظر ما محترم و ارزشمند است، پیام انقلاب اسلامی است - در یک فیلم باشد، این فیلم باید به همان اندازه پیه بی‌جاذبگی را به تنش بمالد! خیال کرده‌اند که جاذبه داشتن یک فیلم و پیام داشتن آن منافات دارد. یعنی اگر اسلامی و انقلابی نبود، حتماً با جاذبه است! این معادله درستی نیست. گاهی خود پیام جاذبه می‌بخشد؛ یعنی محتوا، تکنیک را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ یک محتوای خیلی خوب، ضعف تکنیک فیلم را هم گاهی اوقات می‌پوشاند و بیننده حرفی را که دوست می‌دارد و چیزی را که برایش دلنشین است می‌گیرد و آنقدر برایش جالب و جاذب است که حتی ضعف تکنیک را هم متوجه نیست.

بنابراین، آنچه در فیلم و سینما برای ما اصل، پیام است. یعنی شما به عنوان یک فرد انقلابی اصلاً چرا برای سینما کار می‌کنید؟ اگر چنانچه قرار باشد این سینما محتوای انقلابی یا محتوای اسلامی نداشته باشد، باز هم برای سینما کار خواهید کرد؟ روشن است که نه. پس کسی که با انقلاب همساز و همدل است، سینما را برای محتوایی می‌خواهد که از این انقلاب الهام گرفته است. در این شکی نیست. منتهی می‌دانیم اگر این سینما بخواهد این پیام را هم برساند، لازم است که یک جاذبه‌ای داشته باشد. اگر چنانچه بهترین مضامین در یک شعر بد ریخته شود، اثر مطلوب را نخواهد داشت؛ اما مضمون در درجه اول است. منتهی مضمون خوب، بدون تکنیک خوب شعری، فایده‌ای ندارد.

فیلم خوب و فیلم بد

اگر ما «باید»های فیلم را بدانیم، «نباید»ها برای ما روشن می‌شود. و در مورد «نباید»ها می‌توانم همین اندازه بگویم هر چیزی که ضارزش‌های سینمای فارسی گذشته را احیا کند یا تشدید کند، یکی از نبایدهاست. هر فیلمی که به معارضة با ارزش‌های اسلامی برخیزد، یک فیلم بد به حساب می‌آید. پس معارضة با ارزش‌های اسلامی، فطرت سالم انسانی و ارزش‌هایی که برای مردم و تکامل آنها مفید و لازم است، از منفی‌ترین خصوصیات یک سینماست و چنین سینمایی را ما قبول نداریم. از اینها که بگذرد ما به هر فیلمی یک نمره موافق می‌دهیم؛ منتهی نگاه می‌کنیم که در چه مرحله‌ای قرار دارد، نمره را با آن حساب می‌کنیم.



نظر بگیرد: یکی میدان دادن به عناصر با استعداد و نسبت به کشور و انقلاب حقیقتا خودی، و نه غریبه؛ دوم ایجاد یک تحول؛ بیننده را سوق بدهید در فیلم یک هنر حقیقی را دنبال کند و دنبال یک پیام حقیقی و دلنشین بگردد. اگر این کار انجام گرفت، تحول حقیقی در سینما انجام شده است. سینما متعلق به تماشاگر است و شکی

برای آینده بهتر

مهمتر از همه مسایل، میدان دادن به عناصر جوان و جدید و انقلابی و کسانی که فکر می کنند انقلاب، قدرت این را پیدا کرده است که حتی سینما را هم متحول کند. این ها میدان پیدا کنند و بیايند تا ما آینده بهتری داشته باشیم.

نقش دولت

دولت باید در مسایل مربوط به سینما حضور فعال داشته باشد. این به معنای چند چیز است؛ اول به معنای تشویق حقیقی هنرمند انقلابی است؛ کمک کند و امکانات در اختیارش بگذارد. برای آموزش او از هر امکان مفیدی استفاده کند. برای رشدش صحنه را از عناصری که مانع رشد او می شوند خالی کند. همچنین در مقابل آن کسانی که از فیلم و سینما ابزاری علیه جمهوری اسلامی می توانند بسازند، هوشمندانه برخورد کند و مانع شود و نگذارد. این نمی شود که ما سینما را بدهیم دست کسانی که با انقلاب آشتی نیستند. یعنی ایمان عمومی مردم که برایش حاضرند جانشان را فدا کنند و انقلابی که بر اساس مترقی ترین هدفها در دنیای امروز شکل گرفته، اختیار بخش عظیم و برجسته ای از تغذیه فرهنگی مردمش را به دست کسانی بدهند که این ایده آل ها را قبول ندارند. این مردم و این انقلاب را قبول ندارند. دولت بایستی در این زمینه حضور داشته باشد. البته این بدین معنی نیست که همه سرمایه گذاری های سینما را باید دولت کند.

فیلم ایرانی یا فیلم خارجی

ما با فیلم خارجی خوب مخالفتی نداریم؛ هر چه فیلم خارجی خوب هست بیاورید؛ اشکالی ندارد. اما فیلم خارجی خوب چقدر هست؟ «خوب» با معیارهای انقلاب چقدر دارید؟ آن فیلمی که توی آن بدآموزی نباشد و از نظر محتوا و ارزش های اسلامی فیلمی باشد که قابل قبول باشد، چقدر در اختیار شماست؟ هر چقدر دارید بیاورید و مطرح کنید و نشان بدهید! اما بدانید که اگر همه فیلم های خوب آنچنانی را بیاورید باز شما خلاءای خواهید داشت که باید آن خلاء را با فیلم ایرانی پر کنید. در مورد فیلم ایرانی ایده آل هایمان، یعنی مطلوب ایده آل هایمان را در حد بالاتر قرار بدهیم. البته با توجه به واقعیت هایی که وجود دارد توقعات کنونی را کم کنیم. یعنی فیلم ایرانی که محتوای خوب و مطلوبی دارد و لو تکنیک ضعیفی هم دارد، ما این را رد نکنیم.

برای رشد سینما

اگر می خواهید سینما رشد کند باید دو چیز را در

فیلمی نماز

خواندن را نشان می دهد، ولی بازیگران فیلم با رفتارشان و با وضع نامناسب نگاهشان یک ضدارزش اسلامی را در حقیقت متجلی می کنند. این نکته هم قدر نکته اول اهمیت دارد. یعنی محتوا و حاشیه محتوا هر دو باید اسلامی باشد.

جشنواره سینمایی مطلوب

جشنواره ها می توانند خیلی خوب باشند. البته بیشتر تابع این است که چه ارزش هایی را بر این جشنواره حاکم کنید و چگونه آن را اداره کنید. اما می تواند خیلی خوب باشد. اگر در این جشنواره ها راهی بیابیم برای تشویق هنرمندان مستعد، یا راهی پیدا کنیم برای همکاری و تکمیل اطلاعات یکدیگر به وسیله هنرمندان ایرانی، یا وسیله ای پیدا کنیم برای آموختن شگردهای فیلمسازی به عناصر علاقمند و تازه کار و جوان، یا مطرح کردن و معرفی کردن عناصری که می توان به آنها تکیه کرد خیلی خوب است. اگر چنانچه چنین آثاری داشته باشد، این جشنواره طبعاً نتایج خوب خودش را داشته و به نظر من مفید بوده است. در برخورد با اداره این جشنواره ها، بی شک باید هوشمندانه عمل کرد. یعنی گاهی ممکن است یک نفر را بخواهیم در همین جشنواره چهره کنیم و معروف کنیم که اصلاً بر طبق معیارهای جمهوری اسلامی - جایز نباشد. ●

منبع: ماهنامه فرهنگی تحلیلی راه شماره ۶۰

نیست که نمی تواند خودش را از تماشاچی جدا و منقطع کند. اما ضمناً نباید فراموش کرد که نقش هدایتگر هم دارد؛ مثل همه کسانی که مستمع می دارند و وجودشان برای مستمع است. پس نمی توانند نظر مستمع را ندیده بگیرند. اما فلسفه وجود آنها هدایت مستمع است. بین این دو یک، خط مستقیم وجود دارد که می توان با ظرافت آن خط را تعقیب کرد.

هم محتوا و هم حاشیه محتوا

همه موضوعات می تواند اسلامی و غیر اسلامی باشد. حتی فیلم محمد(ص)؛ یعنی شرح زندگی پیغمبر می تواند جوری ساخته شود که ضداسلامی باشد. پس نام فیلم محمد(ص) و نقش اول داشتن محمد(ص) در یک فیلم هرگز به معنای اسلامی بودن آن نیست. همه موضوعات می توانند اسلامی روایت شوند. ما در مورد اسلامی بودن یک فیلم دو چیز را می خواهیم؛ یکی اینکه ارزش هایی که فیلم تلقین می کند اسلامی باشد. ارزش های اسلامی یک عرض عریضی دارد. البته تعلیم دادن نماز از ارزش های اسلامی است، اما تعلیم دادن راستی و درستکاری و شجاعت و مقاومت هم از جمله ارزش های اسلامی است. پس هر چیزی که این ارزش ها را آموزش دهد در حقیقت یک محتوای اسلامی را آموزش داده است. جهت دوم اینکه فیلم با نمودارها و نمادهای غیراسلامی همراه نباشد. گاهی



سفر مشترک مدیران حوزه هنری و دوتن از فرماندهان دفاع مقدس به سواحل مکران

مقدس و از پیشگامان نیروی دریایی و دفاع مقدس، امیر دریادار دوم علی اکبر اخگر از دانشمندان و پیشکسوتان نیروی دریایی، امین بهرامی نماینده معاونت فاوا، بهزاد تشکر مدیر حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس نیروی دریایی، مهندس شهرام رشدی مدیر نرم افزار معاونت فاوا و محمدناصر مرادی از کارشناسان دایره عقیدتی نیروی دریایی این هیات را همراهی می‌کردند.

بر پایه این خبر، قرار است حوزه هنری و نیروی دریایی جمهوری اسلامی در راستای معرفی و تبیین جایگاه و اهمیت دریا و ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی، توریستی و بین‌المللی آن دست به تولید مشترک محصولات فرهنگی و سینمایی بزنند. ■

مرکز انتشارات سوره مهر، هادی مولوی دوست مدیر کل روابط عمومی حوزه، سیدصادق رضایی مدیر حوزه هنری کودک و نوجوان، علی کاشفی پور مدیر مرکز حوزه هنری دیجیتال، احسان کاوه مدیر مرکز تلویزیون و انیمیشن سوره، سیدمحمد حسینی مدیر مرکز تولید متن، محسن یزدی مدیر مرکز مستند سوره، یزدان عشیری مدیر روابط عمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری، محمدرضا رضاپور مدیر انتشارات و سردبیر نقد سینما، احسان کریم‌خانی مشاور فن آوری‌های نوین سازمان، جعفر حسنی مدیر امور استان‌های سازمان سینمایی و ... از جمله مدیران اعزامی حوزه هنری بودند.

همچنین، چهره‌هایی چون ناخدا یکم هوشنگ صمدی فرمانده گردان تکاوران دریایی دوران دفاع

سازمان سینمایی حوزه هنری با مشارکت فراگیر معاونت فاوا نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران جمعی از مدیران این سازمان را به سواحل مکران اعزام کرد.

به گزارش سوره سینما، سفر این هیات در راستای پیگیری مفاد تفاهم نامه فیما بین سازمان سینمایی حوزه هنری و نیروی دریایی صورت گرفته و در این سفر ۲۵ تن از مدیران و کارشناسان حوزه هنری و معاونت فاوا به منظور ظرفیت شناسی و آشنایی ملموس‌تر با فضای منطقه و شرایط ساحلی خلیج فارس و جغرافیای ممتاز سواحل مکران به این منطقه اعزام شدند.

بر پایه این خبر، محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری، عبدالحمید قره‌داغی مدیر



کنکاشی ۷۰۰ کیلومتری از بندرعباس تا شرقی ترین نقطه جنوب کشور؛

وقت پیوند خوردن سینما با خلیج فارس و دریادلانش

یزدان عشیری

دریا، فرهنگ دریایی و ظرفیت ها و مزایایی بی شمار موقعیت خلیج فارس و دریای عمان و سواحل مکران تاکید و تمرکز داشته اند. بدون شک، در این نوشته حق مطلب در روایت و تبیین عظمت و اهمیت این خطه ژئوپلتیکی و استراتژیکی میهن عزیزمان ادا نمی شود و صرفاً، نگاه و اشاره ای دارد به یک ضرورت اجتناب ناپذیر مغفول مانده. همین.

سفری از بندرعباس یکی از مهم ترین و استراتژیک ترین نقاط کشور تا شرقی ترین نقطه جنوب.

کنکاش در قلب زمین و گرانیگاه تحولات منطقه و جهان و استمرار سفر در طول نوار مرزهای دریایی تا زاویه تلاقی شرق و جنوب و مرز پاکستان- مسیری که قرن ها، تحولات تاریخی و تمدن ها و فرهنگ ها در آن رقم خورده است.

چشم انداز مکران، ساحل آب های گرم و نیل گون دریای عمان و خلیج فارس، رویشگاه جاذبه

وقت آن است که سینما با خلیج فارس، با دریا و دریادلانش گره بخورد و افقی جدید در این فضا گشوده شود و عظمت، اقتدار، زیبایی، یکدلی و غرور و سربلندی ایران به نمایش گذاشته شود.

در هفته ای که گذشت همراه با هیات مشترک مدیران حوزه هنری و دو تن از فرماندهان دفاع مقدس و از پیشکسوتان نیروی دریایی کشور موفق شدم سفری چهار روزه ای را به سواحل مکران داشته باشم. مکران و سواحل آن برایم ناشناخته بود و بی تردید، برای بسیاری دیگر هم ناشناخته است. ان چه در این سفر چند روزه استنباط کردم عمق نگاه استراتژیک رهبری انقلاب بود که در چند ساله اخیر به صراحت بر اهمیت



های منحصر به فرد و چشم نواز با جنگل های بی همتای حرا و زادگاه مرغوب ترین مروارید جهان.

چشم اندازی بکر و متفاوت از امواج غران دریا آن گاه که بر موج شکن ها می کوبند، شنای گروهی دسته های فراوان ماهی و رمه های پرندگان زیبای دریایی/ و البته، صدای پاهای مرتعش و لرزان اما تهدیدگر ناوهای بیگانه و دشمنی که «کفتاروار» به سنت سلف شان که به این نقطه طمع ورزیده بودند اینک نیز، از آن سوی باختربساط شان را بر گستره غنی ترین گنجینه های اقتصادی، سیاسی و ترانزیتی منطقه پهن کرده اند.

اما در نقطه مقابل جبهه قدرتمند اقتدار، آگاهی، ایمان و شور انقلابی با تکنولوژی های مدرن، امکانات و تجهیزات نظامی و فراتر از همه، با قامت های استوار و قلب های بزرگشان ایستاده است. دریادلان دلیر نیروی دریایی که ذره ذره خاطره هایشان سرشار از شگفتی و غافلگیری دراماتیکی است که سینمای ایران اساسا، به دلیل ابتلا به مرض آپارتمان زدگی و طاعون ابتذال از آن ها سال هاست که دور مانده است.

سواحل مکران از «بندر عباس» تا «جاسک» و «کنارک» و تا «چاه بهار» و «پسابندر» مسیری دل انگیز، غرور آفرین و فراموش نشدنی رقم می خورد. وقتی به منظره حیرت انگیز برخورد موج و صخره و ارتفاع آب ها که گاه، تا ۵ متر پس از برخورد با صخره های بلند، اوج می گیرند، نظاره می کنید به عظمت حماسه هایی که لحظه لحظه با ناوها و شناورها، یگان ها و تیپ ها، با آزمودگی، آگاهی و روح بلند و حماسی مردان دریا که دیگر آوازه شان تا اقصی نقاط جهان هم پیچیده و پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی تا بندر «عدن» و «باب المندوب» هم به اهتزاز در آمده است و دزدان دریایی از تصور نام شان

وحشت زده می شوند پی می برید.

این ها بخشی از همه صحنه ها و جذابیت هایی است که در آئینه پژمرده و تیره سینمای ما نشانی از آن ها نیست.

راه رفتن روی «مریخ» و تماشای مسیر جاده چابهار به گواتر و کوه های زیبا و منحصر به فرد مینیاتوری یا مریخی که در هر پلان آن منظره بدیع و دل پذیر شکوه و زیبایی خداوند متجلی است و در کنار آن تماشای آثار متعدد از چاه ها، حفره های کوچک و بزرگ، پی ها و معماری ها، صخره ها و تخته سنگ های تراشیده شده به دست معمار طبیعت، باد، شن، رمل و طوفان.

به راستی چرا سینمای ما از این همه افتخار تهی شده است؟ از قهرمانان و اسطوره های دریا و ... مانور اقتدار در دریای عمان، حضور گسترده در آب های آزاد، حضور موفق ناو گروه های ایران در مقابله با دزدان دریایی در خلیج عدن، عبور از کانال سوئز و حضور در مدیترانه برای نخستین بار، جولان زیردریایی های ایران در دریای سرخ، تمرین و قدرت نمایی در شمال اقیانوس هند، هدف قراردادن هواپیماهای بدون سرنشین آمریکایی مهاجم به حریم دریایی و پرواز هواپیماهای شناسایی بر فراز ناوهای آمریکایی، و ده ها شاخصه و فاکتور دیگر که ایران را به قدرت نظامی اول منطقه تبدیل کرده است چرا در تصاویر و محصولات هنری ما نشانی از آن نیست؟

پس بی دلیل نیست که رهبری معظم انقلاب تاکید می فرماید: «به سواحل جنوب شرقی کشور اهتمام کنید و اهمیت بدهید.»

سواحل مکران، گنجی که به دلیل دورافتادگی و مغفول ماندن، تاکنون چندان که باید مورد استفاده قرار نگرفته است.

تماشای اسکله ها، کشتی ها و قایق های صیادی، صیادان و انواع ماهی ها و شاه میگوها

گویی اینجا زمین در جوش و خروش است - تپه های گل افشان و فواره های گلی

برایند این سفر و این سلوک و کنکاش ۹۶ ساعته هیات هنرمندان اعزامی به سواحل مکران این است که سپید پوشان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران و دلیر مردان یگان های شناور، هوا دریا، تکاوران و تفنگداران دریایی، با رصد کامل تحرکات متجاوزین در طول بیش از دو هزار کیلومتر سواحل جنوبی، از چابهار در شرقی ترین بخش این سواحل تا منتهی الیه شمال غربی خلیج فارس همچون دوران طلایی دفاع مقدس خوش می درخشند و چون نگینی درخشنده بر عرشه کشتی افتخار و صلابت خویش استوار ایستاده است و هر ماموریت شان استمرار سلسله عملیات برق آسا و غافل گیرانه اشکان، شهید صفری، مروارید، رعد، مرجان، تکسا ۱ و ۲ و نظایر آن است و با تأسف این همه شکوه، عظمت و شگفتی جایش در سینمای ما، در آثار مستند و کوتاه و تله فیلم های ما خالی است و نسل های جوان و نوجوان از این همه پشتگرمی و اقتدار بهره مند نیستند.

وقت آن است که سینما با خلیج فارس، با دریا و دریادانش گره بخورد و افقی جدید در این فضا گشوده شود و از طریق تولید مستند، برنامه های تلویزیونی، بازی های رایانه ای، آثار پویانمایی و فیلم های سینمایی بیش از همیشه عظمت، اقتدار، زیبایی، یکدلی و غرور و سربلندی ایران در خلیج فارس و دریای عمان به نمایش گذاشته شود. ➡➡





اخلاق و رفتار آزادگان را در سینما بازگو کنیم

جمال شورجه، حسن برزیده و احمد کاوری درباره پرداختن به موضوع آزادگان در حوزه فیلم و سریال سازی به گفتگو پرداختند.

مقابل حمله‌های گسترده مقاومت کردند و در نهایت دشمن را از کشورمان بیرون کردند. ۸ سال مردم با گوشت و پوست و تمام هستی خودشان از کشور دفاع کردند، پس به همان نسبت هم باید به این بحث اهمیت داده شود.

او در همین راستا ادامه داد: به عنوان مثال نهادهایی مثل بسیج، سپاه و ... که شاید خیلی وظیفه سازمانی نداشته باشند اما ما می‌بینیم که وارد این حوزه شدند ولی جا دارد که بیش از این‌ها به موضوعی مثل آزادگان و دفاع مقدس توجه شود. حداقل ما باید در سال ۱۰ فیلم سینمایی در همین زمینه‌ها داشته باشیم، البته کار خوب و فاخر نه اینکه سطحی و نازل به موضوع بپردازیم تا مخاطب بتواند ارتباط خوبی با کار برقرار کند. به اعتقاد من ما نسبت به این افراد بزرگ غفلت داریم. ما بیشترین گنجینه‌ها را در حوزه دفاع مقدس در همین حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی داریم که اتفاقاً بیشترین کتاب‌ها را چاپ کرده است. همین گنجینه‌ها می‌توانند منابع محکم و با

نهادهای ذی‌ربط و همین طور سازمان صداوسیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز آن طور که شایسته این حوزه بوده به آن نپرداخته‌اند که البته این امر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد که شاید آن‌ها هم خیلی مقصر نباشند.

این تهیه‌کننده و کارگردان سینما و تلویزیون سپس تاکید کرد: این نوع سوژه‌ها مضامین ملی و عزت نظام هستند و خود نظام جمهوری اسلامی و مجلس محترم باید بیشتر به آن توجه کند و بودجه‌های ویژه برای ساخت آثاری با موضوع دفاع مقدس و آزادگان اختصاص بدهند تا برای تهیه‌کنندگان خصوصی که با سرمایه‌های اندک به حوزه فیلم‌سازی ورود پیدا می‌کنند کمک‌کننده باشد. دولت باید برای پرداختن به مباحثی چون دفاع مقدس، مقاومت اسلامی، آزادگان و ... بودجه بیشتری اختصاص بدهد و همین نداشتن بودجه مشکل جدی ماست. آزادگان کشورمان ۸ سال درگیر جنگ بودند و در آن مدت بود که دفاع مقدس شکل گرفت و طی این سالها در

به گزارش سوره سینما، تهیه‌کننده فیلم سینمایی «نفوذی» در گفت‌وگویی با تاکید بر اینکه سینما و تلویزیون برای آزادگان ارزش و اهمیت بیشتری قائل باشد، خاطرنشان کرد: این مسئله یک اعتراف تلخ است که سینما و تلویزیون کشورمان طی این سال‌ها آن طور که باید و شاید به موضوع آزادگان دلیر سلحشورمان نپرداخته است؛ در حالی که این بزرگان گنجینه‌های گران‌بهای برایمان هستند.

جمال شورجه درباره علت کم پرداختن به موضوع آزادگان در حوزه فیلم و سریال سازی تلویزیون تصریح کرد: متأسفانه سینما و سینما طی این سال‌ها آن طور که شایسته آزادگان دلیرمان است به این موضوع توجه نکرده است و آن طور که باید و شاید از اطلاعات زمان اسارت آزادگان ما درست استفاده نشده است. بحث آزادگان علی‌رغم اینکه از سوژه‌های بسیار جذابی برای ماست و ما می‌توانیم گنجینه‌های گران‌قیمتی در این عرصه پیدا کنیم، متأسفانه هم از سوی سینما و هم سینمای کشورمان کم توجهی شده است و از طرفی



ارزشی برای تولید فیلم و سریال باشند. در واقع برای تولید آثار این چنینی باید امر اقتباس صورت بگیرد و خاطره‌ها را به فیلم و سریال تبدیل کرد. این کار هم از دیگر غفلت‌های ما محسوب می‌شود.

وی در پاسخ به اینکه با توجه به فقر سینمای امروز ایران، آیا آزادگان شاخصه‌های قهرمان سینما شدن را دارند و اگر دارند چرا خیلی به آن‌ها پرداخته نمی‌شود؟ خاطرنشان کرد: اساساً این موضوعات و مضامین بسیار سینمایی هستند. ما می‌توانیم از موضوعاتی چون قهرمان بودن آزادگان، دوران اسارت‌شان و ... استفاده کنیم. درواقع اسارت آزادگان بود که آن‌ها را به قهرمان تبدیل کرد اما متأسفانه عمدتاً فیلم و سریال‌های ما در این زمینه قصه و شخصیت محوری و الگویی ندارند که این مسئله به نویسندگان ما برمی‌گردد که چه شخصیت‌هایی را سفارش می‌دهند. نمونه بارز آن مرحوم ابوترابی که شاید بتوان گفت شهید ابوترابی؛ چراکه ایشان یکبار شهید شدند و سپس مرحوم شدند. این گونه شخصیت‌های بزرگ باید سوژه و مضمون فیلم‌نامه‌نویسان ما باشند تا الگویی هم برای نوجوانان و جوانان کشور باشند. کارگردان آثاری چون «عملیات کرکوک»، «عبور از خط سرخ»، «سی و سه روز» و ... در پایان صحبت‌هایش درباره اینکه آیا موضوع آزادگان در سینما می‌تواند مسئله امید در جامعه را تزریق کند، اظهار کرد: اتفاقاً امید یکی از محورهای اصلی دوران اسارت است؛ یعنی امید به رهایی و آزادی.

همان طور که ما کماکان منتظر ظهور حضرت مهدی (عج) هستیم، آزادگان مسان نیز در زمان اسارت این حس را واقعاً درک و لمس کرده‌اند. بنابراین خاطرات و اطلاعات این بزرگان از زمان اسارت می‌تواند دست‌مایه کارهای خوب سینمایی و تلویزیونی قرار بگیرد. به نوعی نویسندگان ما باید ماهی‌ها و گوهرهای گران‌بها را از دریا بیرون آورند و آن‌ها را به داستان‌های تصویری تبدیل کنند و در کلام آخر فرهنگ ایثار و شهادت و آزادی‌گی باید تا همیشه زنده نگه داشته شود.

حسن برزیده با اعتقاد براینکه داستان اسارت آزادگان قطعاً برای همه ما جذاب است، بیان کرد: آنچه که آزادگان کشورمان را به قهرمانان واقعی تبدیل کرد، اخلاق و رفتارشان بود؛ بنابراین ما نباید در فیلم و سریال‌هایمان فقط کتک خوردن و زخمی شدن آن‌ها را نشان بدهیم بلکه ایثار و از خودگذشتگی و اتفاقات عجیبی که برایشان رخ داد را بازگو کنیم.

کارگردان آثاری چون «مزار شریف»، «پرواز خاموش»، «دولت مخفی» و ... به مناسبت سالروز آزادگان به میهن اسلامی درباره اینکه چرا علی‌رغم اینکه تجربیات تلخ آزادگان کشورمان می‌تواند برای نسل امروزمان راهگشا باشد، در حوزه فیلم و سریال‌سازی به آزادگان کم پرداخته می‌شود، توضیح داد: انگیزه برای ساخت فیلم و سریال‌هایی با موضوع آزادگان، شهدا و جانبازان نباید صرفاً فقط به این دلیل باشد که آنها سختی کشیده‌اند و حالا ما با ساخت آثاری از این دست از آن‌ها قدردانی کنیم، بلکه موضوع خیلی فراتر از این چیزهاست که بخواهیم این گونه فکر کنیم، البته اتفاق قشنگی است که از آن‌ها تجلیل کنیم. اتفاقاً به نظرم اتفاقاتی که برای آزادگان ما در زندان‌های عراق افتاد خیلی جذاب است و هم در عین حال آموزنده است به جهت اینکه آن‌ها یک موقعیت ویژه‌ای داشتند تا خودشان را در آن شرایط و با آن امکانات ناچیز حفظ کنند و در عین حال رشد کنند. به اعتقاد من برای تمام دنیا این شرایط جذاب است، به همین دلیل می‌تواند سوژه جذابی برای فیلم و سریال‌های ما باشد.

وی افزود: وقتی چنین امکاناتی برای ما در حوزه فیلم و سریال‌سازی وجود دارد و الگوهایی که می‌شود از آن‌ها به بهترین شکل استفاده کرد، سهل‌انگاری کردن در این زمینه قاعدتاً خسارت‌هایی دارد و من فکر می‌کنم سینما و تلویزیون هر دو که از متولیان این امر هستند به این موضوع کم‌توجهی می‌کنند؛ البته شاید هم خیلی مقصر نباشند؛ چراکه آنقدر درگیر روزمرگی شده‌اند که خیلی به سمت این گونه سوژه‌ها نمی‌روند. از طرفی دیگر هزینه‌های ساخت این گونه آثار چه در سینما و چه در تلویزیون بسیار بالاست و هم اینکه مشتریانش کم است، یعنی درواقع یک‌سری مخاطبان خاص این گونه آثار را دوست دارند. بنابراین در مجموع من فکر می‌کنم این سوال مبنی بر اینکه چرا به مسئله آزادگان کم پرداخته می‌شود، باید

از مدیران پرسیده شود. ساخت فیلم‌هایی با موضوع دفاع مقدس شاید جزو تخصص و علاقه شخصی برخی فیلم‌سازان نباشد ولی به نظر می‌رسد همکارانی هم که علاقه‌مند به ساخت این گونه آثار هستند شاید پیشنهادهای خوبی به آن‌ها نشده است. ناگفته نماند که ساخت این گونه فیلم و سریال‌ها نه فقط به دلیل مسائل مالی کار را برای عوامل دشوار می‌کند، بلکه بعضاً به دلیل امکانات موجود مثل فضا، لوکیشن، ماشین و لباس‌های مربوط به آن زمان که خیلی با جامعه امروزمان هماهنگ نیست و ما آن امکانات را در اختیار نداریم کار را دشوار می‌کند و هزینه‌ها را بالا می‌برد.

این کارگردان سینما و تلویزیون در ادامه در پاسخ به اینکه با توجه به فقر قهرمان در سینمای کشورمان، آیا آزادگان شاخصه‌های قهرمان شدن در سینما را دارند، خاطرنشان کرد: مجدداً تأکید می‌کنم قطعاً آن‌ها جذاب هستند و موقعیت‌شان جذاب است. متأسفانه در برخی کارها که با موضوع اسرا همراه است ما فقط شاهد کتک خوردن و زخمی شدن اسرا هستیم تا اینکه بخواهیم در جریان اتفاقات شگفت‌زده آن‌ها در دوران اسارت قرار بگیریم. ما می‌توانیم در این گونه کارها خیلی ساده و ابتدایی رفتار کنیم و مثل برخی کارها این گونه رفتار کنیم و فقط صحنه‌های خشن کتک خوردن‌ها را نشان بدهیم؛ این در حالی است که اسرای ما اتفاقات عجیب و غریبی هم داشته‌اند که قطعاً جذاب‌تر است؛ آن‌ها هم آن زمان برای خودشان دولت و رئیس جمهور داشتند و رشد می‌کردند و در عین حال دغدغه آزادی داشتند؛ چون باید رشد می‌کردند. برخی از آزادگان ما واقعاً باسواد بودند و با زبان‌های مختلف در دوران اسارت‌شان آشنا شدند و همچنین در زمینه‌های ورزشی خیلی رشد کردند و با وجود کمبودهایی که داشتند افراد باسوادی بودند. به عنوان مثال خاطره‌ای شنیده‌ام از یکی از آزادگان که تعریف می‌کرد خانواده‌اش برایش مقداری پسته آورده بود که او تمام پسته‌ها را بین اسرای دیگر تقسیم می‌کرد و برخی حتی همان دو سه پسته را نمی‌خوردند و آن‌ها را برای هم‌بندی‌هایشان نگه می‌داشتند تا هنگامی که همدیگر را می‌دیدند از آن‌ها پذیرایی کنند. درواقع همین اخلاق و رفتار آزادگان بود که آن‌ها را به قهرمان تبدیل کرد. بنابراین ما باید به این ابعاد از اتفاقات اسرا بپردازیم که با کم و کاستی‌هایی که داشتند اما چه کارهای عجیب و غریبی می‌کردند.

برزیده همچنین درباره اینکه آیا موضوع آزادگان در سینما می‌تواند مسئله امید را در جامعه تزریق کند، تصریح کرد: حتماً همین طور است. البته آدم‌ها همه در یک سطح نیستند. به عنوان مثال ما آزاد‌های داشتیم که دست به خودکشی زده بود ولی در مقابل افرادی بودند که نه تنها خودکشی نمی‌کردند بلکه در آن شرایط رشد هم می‌کردند و همین مسئله یعنی امید دارند و به آزادی و رهایی فکر می‌کنند. به نظرم این اعتقادات است که ما را

انجام بدهم و خیالم راحت باشد. فعلا درگیر آماده‌سازی سریالی با عنوان «پرواز در ارتفاع» برای شبکه اول هستم که مراحل تدوین به تازگی به پایان رسیده است و احتمالا تا ۲۰ شهریورماه آماده پخش شود.

احمد کاوری، کارگردان، نویسنده و بازیگر سینما و تلویزیون، گفت: چند سالی است که با تغییر رویکرد فرهنگی کشور، احساس می‌شود موضوعات زیادی برای پرداخت به فراموشی سپرده شده است که بحث آزادگان نیز از جمله

برای ادامه زندگی امیدوار می‌کند. وی در پایان درباره اینکه آیا قصد دارد در آینده کار جدیدی با موضوع دفاع مقدس و آزادگان داشته باشد، گفت: فعلا برنامه‌ای در این زمینه ندارم چون واقعا برای کاری که در تلویزیون با عنوان «دولت مخفی» داشتم اذیت شدم و دیگر به این موضوع فکر نکردم. علی‌رغم اینکه به لحاظ موضوعی برایم خیلی جذاب است و به نوعی وظیفه است اما شرایط خیلی باید ایدئال باشد تا بتوانم کاری در این زمینه

همین موضوعاتی است که خیلی به آن پرداخته نشده است. کارگردان فیلم سینمایی «نفوذی» درباره اینکه چرا علی‌رغم اینکه تجربیات تلخ آزادگان بازگشته به میهن می‌تواند برای نسل امروز کشورمان بسیار راهگشا بوده و سوژه‌های جذابی برای تهیه فیلم و سریال باشد، ولی در حوزه فیلم‌سازی خیلی به این موضوع پرداخته نمی‌شود، خاطر نشان کرد: اصولا فیلم‌سازی و انتخاب موضوع و مضمون از دو مسئله نشئت می‌گیرد که یکی نیاز درونی هنرمند است که باید موضوعی را انتخاب کند و دوم اینکه درواقع سیاست‌گذاری مراکز فرهنگی است و براساس همین سیاست‌گذاری‌ها روندی دنبال می‌شود. طی این سال‌ها به صورت جسسته و گریخته ما آثاری در حوزه آزادگان در سینما و تلویزیون داشتیم. سال‌های گذشته این گونه بود. به عنوان مثال، نهاد یا سازمانی موضوعاتی در همین زمینه انتخاب می‌کردند و روی آن‌ها کار می‌شد که نمونه‌هایش را هم دیده‌ایم. اما اکنون چند سالی است که احساس می‌شود با



در سینمای ایران، آیا آزادگان شاخصه‌های قهرمان شدن در سینما را دارند، توضیح داد: صدرصد همین‌طور است و می‌توان آن‌ها را قهرمان معرفی کرد. می‌توان نمونه‌های این کار را در آثار ایرانی و حتی خارجی هم دید که زندان‌ها همیشه قهرمانانی برای خود داشته‌اند. البته نگاه‌ها متفاوت است و شاید در برخی آثار قهرمان به آن منظور که در ذهن مردم باشد، محسوب نشود بلکه منظور از قهرمان انجام یک کار خارق‌العاده که بیشتر نفع عموم برایشان اهمیت داشته باشد، است. گرایش سینمای کشورمان در حال حاضر بیشتر اجتماعی است و همین موضوع نیز قهرمانانی دارد ولی چهره‌شان فرق کرده و از یک منظر دیگر به قهرمان بودن می‌پردازد.

این فیلم‌ساز همچنین درباره این مسئله که آیا موضوع آزادگان در سینما می‌تواند مسئله امید را در جامعه تزریق

تغییر رویکرد فرهنگی کشورمان خیلی مباحث من جمله بحث آزادگان و دفاع مقدس به فراموشی سپرده شده است.

وی ادامه داد: بحث آزادگان بازگشته به میهن به اسلامی هم درواقع زیرمجموعه‌ای از بخش بزرگ‌تری از کشور است که در آن ۸ سال دفاع مقدس داشتیم. در مجموع به نظرم به این موضوعات طی این سال‌ها در سینما و تلویزیون پرداخت کمی شده است و از طرفی حرکت خیلی جدی هم از لحاظ حمایت در این‌گونه موضوعات نمی‌بینیم. با این صحبت‌ها من نوعی شخصاً نمی‌گویم این اتفاق خوب است یا بد؛ چون نمی‌خواهم قضاوت کنم اما می‌خواهم بگویم موضوع جنگ طی این سال‌ها خیلی مورد توجه کسی نبوده است.

کاوری سپس در پاسخ به اینکه با توجه به فقر قهرمان

کند، گفت: به نظرم هر موضوعی در هر مکانی می‌تواند هر هدفی را دنبال کند و امکان هر اتفاقی هم وجود دارد؛ بحث امید هم شامل آن می‌شود و حتی می‌تواند گاهی ناامیدی و یاس را نیز دنبال کند که این دیگر به رویکرد و نگاه افراد برمی‌گردد. به عنوان مثال، ما آثار خیلی خوب و فاخری داشتیم اما در عین حال در آن‌ها ناامیدی و یاس موج می‌زد. بنابراین امکان هر اتفاقی وجود دارد اما اینکه صرفاً امید یا ناامیدی باشد این‌طور نیست و می‌توان در کارهایی مثل بحث آزادگان به موضوعاتی چون ایثار، از خودگذشتگی و مقاومت اشاره کرد و یا در دیگر ژانرها هر موضوعی را در فضای نمایش مطرح کرد. در مجموع دنیای نمایش بسیار وسیع و عجیب و غریب است.

نویسنده مجموعه «قفسی برای پرواز» با موضوع آزادگان، در پایان درباره کار جدیدش و اینکه آیا قصد دارد در آینده کاری در رابطه با آزادگان در سینما و تلویزیون داشته باشد، اعلام کرد: در حال حاضر احساس می‌کنم موضوع و مضمونی که بتوانم در این زمینه داشته باشم، در برنامه‌ام وجود ندارد اما این اتفاق به شرایط بیرونی و پیشنهادهایی که می‌شود، بستگی دارد. برنامه امسال یک فیلم سینمایی است که در مرحله پیش تولید قرار دارد و برای سال آینده نیز فیلمی دیگر دارم که مشغول طراحی آن هستم. □



در بازدید هیئت سوری از حوزه هنری مطرح شد

درویش: هر گاه زبان هنر مطرح باشد مرزهایی معنا می شوند

دستیابی به پرسش‌های خود در مورد سینما هستیم. که امیدوارم در طول مدتی که شما در ایران هستید این فرصت فراهم شود.

پس از انعقاد بیانات افخمی یکی از هنرمندان نویسنده سوری در واکنش به سخنان وی گفت: کودکان سوری در وقایع تروریستی سال‌های گذشته در سوریه اصلی‌ترین قربانیان این حملات بوده‌اند. با توجه به تفرقه‌های طایفه‌ای که در میان مردم وجود دارد، اختلافات و مشکلات کشور سوریه را بیشتر کرده است و به آتش افروخته شده دشمن دامن می‌زند. چگونه می‌توانیم کودکان خود را از گزند جنگ نجات دهیم. ما واقعا نمی‌دانیم که با چه ترفندی کودکان خود را در برابر این وقایع حفظ کنیم. ما به دنبال یافتن راهی فرهنگی برای رفع این مشکل هستیم. بعد از ایجاد ثبات در سوریه و استقرار امنیت در سوریه باید آینده‌ای غیر از شرایطی که الان هست را داشته باشیم. ما با کار هنری و سینما می‌توانیم بسیاری از مردم و به خصوص کودکان را از دام‌هایی که برایشان در نظر گرفته‌اند مطلع سازیم و از آسیب‌های اجتماعی جلوگیری کنیم.

افخمی نیز در ادامه افزود: ما انتظار داریم تا افسانه‌ها و داستان‌هایی که می‌تواند میان کودکان عرب و

جمعی از فعالان صلح از سرتاسر دنیا به سوریه سفر کردیم. در آنجا از شهرهای دمشق، حمص و لاذقیه دیدن کردیم. به دلیل مسائل امنیتی نیروهایی برای محافظت از ما در نظر گرفته بودند. نهایتاً توانستیم از دست محافظان خود فرار کنیم و در بازار، شهر و قهوه‌خانه‌های دمشق و لاذقیه با خیال راحت قدم بزنیم و با مردم از نزدیک آشنا شویم. با اینکه صدای بمب و انفجار از هر سو هر لحظه به گوش می‌رسید اما زندگی عادی مردم در جریان بود.

وی افزود: در آن روزهایی که در سوریه حضور داشتیم فرصت ملاقات و آشنایی با فعالان هنری به‌ویژه هنرمندان سینمایی سوریه فراهم نشد و الان بسیار خوشحالم که این فرصت نصیب ما شده است. امیدوارم در همین فرصت راهنمایی‌هایی از شما هنرمندان سینمایی سوریه در راستای ساخت فیلم‌های مشترک بگیریم. همچنین پیشنهاد شما برای اینکه در چه زمینه و با چه مخاطبی باید فعالیت کنیم. به نظر من ما باید کودکان دنیای عرب را همانند کودکان ایرانی خودمان در نظر بگیریم و برای آن‌ها فیلم بسازیم. به نظر می‌رسد که این موضوع زمینه‌ای است که جای کار بیشتری دارد. بیشتر از اینکه به صحبت در مورد خودم علاقه داشته باشم، خواهان

هیئتی متشکل از هنرمندان فعال سینما و تئاتر کشور سوریه از حوزه هنری بازدید کردند و با مسئولان و مدیران این نهاد انقلابی به همراه جمعی از هنرمندان سینمای ایران به مباحثه و تبادل نظر پرداختند.

به گزارش سوره سینما، هیئتی متشکل از هنرمندان فعال سینما و تئاتر کشور سوریه از حوزه هنری بازدید و نشست با جمعی از مسئولان حوزه هنری و سینماگران ایران در حوزه هنری ترتیب دادند. این نشست با حضور محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری، هادی مولوی دوست مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل حوزه هنری، محمد حمزه‌زاده قائم مقام رئیس و مدیرعامل موسسه سوره سینمایی حوزه هنری، احمد رضا درویش نویسنده و کارگردان فیلم سینمایی «رستاخیز»، بهروز افخمی نویسنده و کارگردان فیلم سینمایی «فرزند صبح» و شهریار بحرانی نویسنده و کارگردان سریال «مریم مقدس» و جمعی از مسئولان و مدیران حوزه هنری برگزار شد.

* بهروز افخمی: سینمای سوریه آینده‌ساز مردم سوریه است

افخمی کارگردان، برجسته سینمای ایران، در این نشست با بیان خاطره‌ای از سفر خود به سوریه گفت: حدود سه سال پیش همراه با آقای مومنی شریف و

گرفتند. درست شبیه به جنگی که میان کشور ما با عراق رخ داده بود. در آن شرایط کشور شما از مردم و کشور ما پشتیبانی کرده است.

وی ادامه داد: من اصلاً نمی‌خواهم بحث سیاسی کنم. بلکه می‌خواهم به ایران دوران جنگ اشاره کنم. همچنین به نقش هنرمندان به خصوص سینماگران اشاره کنم. هنگامی که جنگ ایران و حزب بعث آغاز شد، مدت زیادی از انقلاب نگذشته بود. در این شرایط نقش سینماگران در هشت سال تجاوز حزب بعث علیه مردم و خاک ایران بسیار برجسته و مهم بود. توسعه و شکل‌گیری سینمای ایران مدیون سینمای دفاع مقدس است. یکی از بهترین آثار سینمای ایران مربوط به دوران جنگ است. چه در زمینه فیلم‌های داستانی و چه در زمینه فیلم‌های مستند بهترین آثار مربوط به دوران جنگ است. از آقای حمزه‌زاده و مدیران سینمایی حوزه هنری خواهشمندم تا مجموعه‌ای از آثار شهید آوینی را به عنوان هدیه به این دوستان هنرمند سوری بدهند. اگر هنرمندان عزیزی که نمونه آن‌ها از کشور سوریه در میان ما حضور دارند، در انعکاس وقایع امروزی جنگ در کشور سوریه و ثبت آن اقدام کنند، می‌توان به آینده سینمای سوریه امیدوار بود. در کشور شما حوادثی در حال رخ دادن است که موضوعات بسیار مهمی برای ثبت شدن دارند. این شرایط در سوریه شرایط تاریخی مهمی است. اگر هنرمندان در این عرصه به وظایف خود به خوبی عمل کنند حتماً می‌توانند در آینده مردم سوریه و سینمای آن بسیار موثر باشند. سینمای ایران در دوران جنگ وضعیت خوبی نداشت. اما آثار ارزشمند و قدرتمندی در آن دوران ساخته شد. هنوز سه چهار سال از جنگ عراق با ایران نگذشته بود که سینمای ایران در مورد مقاومت و فلسطین یک فیلم عظیم و مهم ساخت. فیلمی به نام «بازمانده» که در خاک سوریه توسط مرحوم «سیف‌الله داد» ساخته شد. بخش‌های مهمی از این فیلم در شهر لاذقیه ساخته شد. آقای سیف‌الله داد گوهر برخاسته سینمای جنگ است که در تولید آثار دفاع مقدس در سینمای ایران رشد پیدا کرد.

درویش با اشاره به «ابراهیم حاتمی‌کیا» به عنوان یکی از کارگردان‌های ایرانی در ژانر مقاومت و پایداری گفت: در حال حاضر فیلمی در حال ساخت است. عنوان این فیلم «پرواز به وقت شام» است که توسط یکی از کارگردان‌های خوب کشورمان به نام ابراهیم حاتمی‌کیا در حال ساخت است. این فیلم در مورد مقاومت ساخته شده و قصه آن در سوریه روی خواهد داد.

وی در پایان تأکید کرد: آنجایی که زبان هنر مطرح باشد اشتراکات مطرح است و مرزها دیگر معنا ندارد. مرزهای سیاسی گسترش پیدا می‌کنند. هنر گرافیک نقاشی این‌ها زبان بین‌المللی است. باید احساس‌های خود را به هم نزدیک کنیم و نباید دیگر مرزی با هم داشته باشیم.

*شهریار بحرانی: برای ورود به حیطه مقدس هنر باید خود را کنار بگذاریم

یکدیگر و تأکید بر نقاط مشترک میان مردم ایران و سوریه گفت: لازم است برای شناخت بهتر از یکدیگر، من کمی خود را بیشتر برای شما معرفی کنم. آخرین ساخته من در سینما در مورد واقعه «عاشورا» است. این فیلم تولید مشترک میان ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس به همراه کویت است. سرمایه این فیلم توسط سرمایه‌گذاران ایرانی و خارجی تأمین شده است. همچنین حوزه هنری مسئولیت توزیع این فیلم را بر عهده داشت. لازم است بدانید که چهار هنرپیشه به نام‌های «جامل سلیمان»، «طلحت حمدي»، «فواز سرور» و «رضوان عقيلي» سوری در این فیلم ایفای نقش کردند. همچنین «جواد الشکرچی» از کشور عراق و «فادی ابراهیم» از لبنان در این فیلم ایفای نقش کردند. این فیلم یک تولید مشترک در بازیگری و مسائل فنی نیز هست. وی در ادامه گفت: برای ساخت فیلم «القریان» من حدود شش ماه در سوریه زندگی کردم و بیش از ده‌هزار قطعه عکاسی از تمامی شهرهای سوریه انجام دادم. در میان هنرمندان و فیلم‌سازان ایرانی می‌توانم بگویم که من سوریه را همانند ایران به خوبی می‌شناسم. قرار بر این بود تا صحنه‌هایی از فیلم «القریان» در سوریه تصویربرداری شود. اما حملات جنگی به سوریه از این کار جلوگیری کرد. این فیلم به زبان عربی ساخته شده است. ان‌شاءالله در فرصتی برای شما نمایش داده شود.

درویش با اشاره به نزدیکی ملت ایران با سوریه گفت: ما در بسیاری از مسائل با کشور شما مشترک هستیم. به لحاظ تاریخ، تمدن و سبک زندگی شباهت‌های بسیاری به یکدیگر داریم. نقش تمدن، هویت و تاریخ سوریه در جهان عرب نقشی برجسته است. همان‌طور که ایران و تمدن ما در جهان نقشی برجسته دارد. اما در اینجا باید از حالت تبلیغات خارج شویم و کمتر از همدیگر تعریف کنیم. بهتر است از این فرصت استفاده کنیم و به آنچه که در حال حاضر با آن روبه‌رو هستیم بپردازیم. ما در یک موضوع با هم مشترک هستیم. بخش مهمی از کشور ما نیز توسط متجاوزین اشغال شده بود. ما هم با یک جنگ نیابتی روبه‌رو بودیم. چرا که با ۳۶ کشور دنیا در حال جنگیدن بودیم. گواه این موضوع گرفتن اسیر از ۳۶ کشور جهان در جنگ با حزب بعث عراق بود. الان هم اگر به زندان‌های سوریه توجه داشته باشیم می‌بینیم که از کشورهای بسیاری از جهان اسیر گرفته شده است. شما با معارضینی مواجه هستید که در کشور سوریه سلاح به دست



ایرانی تماس برقرار می‌کند به وسیله شما نگاشته شود تا برای ساخت انیمیشن و فیلم‌های کودک مورد استفاده قرار گیرد. دیدگاه من این است که داستان‌های انتخاب شده برای فیلم‌سازی کودکان کمتر به مسائل روز پرداخته شود. چرا که مسائل روز موجب اختلاف میان آن‌ها می‌شود. داستان‌ها و افسانه‌هایی که مشترک میان مردم ایران و جهان عرب باشد و سنت‌ها، فرهنگ و تاریخ آن‌ها را یادآوری کند. یکی از هنرمندان سوری پس از پایان سخنان افخمی گفت: میان ایران و سوریه شباهت‌هایی است. رنج و دردها و آرزوهایی که ما امروزه در سوریه داریم جزو نقاط مشترکی است که در ایران هم به نوعی تجربه شده است. هنر از رحم دردها و رنج‌هایی که بر ما وارد می‌شود متولد و زاده می‌شود.

وی افزود: زنان و مردان و کودکان بسیاری در حوادث سال‌های اخیر علیه مردم سوریه قربانی شدند. اما آنچه بیش از هر چیز آسیب و صدمه دید قشر آینده‌ساز سوریه است. با توجه به توانایی‌های سینمای ایران و امکاناتی که در اختیار دارد چرا سینماگران ایرانی و سینمای ایران در فضای واقعی سوریه حضور فعال ندارد تا از آن برای ساخت فیلم استفاده کند و کاری مشترک را با ما در سوریه آغاز کنند؟

*احمد رضا درویش: هرگاه زبان هنر مطرح باشد مرزها دیگر معنا ندارند

درویش با اشاره به سخن یکی از هنرمندان سوری در مورد ناشناس بودن هنرمندان ایرانی و سوری برای



سوریه در این نشست ضمن اشاره به دومین سفر خود به ایران گفت: در خیابان‌های ایران و معماری ساختمان‌ها و زیباسازی شهری آن مطالب زیادی را دریافتیم. اینکه هنرمندان ایرانی توانستند به خوبی از دو متریل رایج که سیمان و آهن است در معماری استفاده کرده و با فضاهای بی‌استفاده شهر را با زیباسازی فضای سبز دوباره زنده کنند. همچنین در زیر پل‌ها و در میان میدان‌های شهر از نقاشی‌های مینیاتوری ایرانی به شکل‌های مختلف استفاده شده است. ما تصور می‌کردیم که در ایران تندیس و سردیس نگاری وجود ندارد اما من شاهد استفاده صحیح و خوب از آن در فضاهای مختلف هستم. در کنار همه آن‌ها می‌توان به استفاده از وسایل دورریختنی و بازیافتی در راستای زیباسازی شهری اشاره کرد. به عنوان مثال اتومبیلی را دیدم که بسیار قدیمی و فرسوده بود اما با تبدیل آن به گلدان کاربردی دوباره و جانی تازه به آن بخشیده شده بود.

هنرمندان ایرانی در بیان احساسات خود آزادی کامل دارند

هنرمند دیگری از کشور سوریه در این نشست گفت: هنرمندان ایرانی در بیان احساسات خود آزادی کامل دارند. این را در یک نگاه از آثار هنرمندان ایرانی می‌توان دریافت. چرا که تلفیقی از هنر کلاسیک و هنر انتزاعی را شاهد هستیم. این تلاشی برای پیوند دادن هنر قدیم و هنر معاصر از سوی هنرمندان ایرانی است. امیدوارم ما بتوانیم ارتباط بیشتری با هنرمندان ایرانی برقرار کنیم تا از تجربه‌های آن‌ها در زمینه‌های مختلف هنری بهره ببریم.

معاون موسسه سینمایی سوریه نیز که در این

یک کلمه باید بتواند امید به آینده و امید به خداوند را به جامعه تزریق کند. دستیابی به این مهم یک راه حل بیشتر ندارد؛ هنگامی هنرمند موفق خواهد بود که خود را کنار بگذارد و مجرایی باشد تا انوار الهی را در کار خود وارد کند. در این شرایط باید بر نفس خود غلبه کند و اجازه دهد تا خدا با هنر خود به نورافشانی بپردازد. این کار بزرگ ترین وظیفه‌ای است که هنرمند بر عهده دارد؛ یعنی مبارزه با خودش و نفس خودش تا انوار الهی بتواند خود را بروز دهند. چه در جنگ یا صلح باشیم و چه در آرامش و یا در سختی باشیم، اول از همه انسان باید خود را کنار بگذارد. چرا که می‌خواهیم وارد حیطه مقدس هنر شویم.

*هنرمندان سوریه نیز در این نشست به بیان مطالب و دیدگاه‌های خود پرداختند

یکی از هنرمندان سوریه حاضر در این نشست با انتقاد از ارتباط کم هنرمندان ایرانی با هنرمندان سوریه گفت: متأسفانه اطلاعات کمی از سینمای ایران و هنرمندان آن در میان هنرمندان و سینماگران سوریه وجود دارد. اما آنچه در این دیدار متوجه آن شدیم، صداقت و احترام متقابل میان سینماگران و مردم کشور ایران است. همچنین مراکز سینمایی و فرهنگی هنری بسیاری در ایران در حال فعالیت هستند که از اهمیت بسیاری برخوردار است. فیلم‌هایی که از هنرمندان ایرانی در این چند روز دیدیم بیانگر فکر و عقل هنرمندان ایران است. از نتایج و دستاوردهای شما در ایران بسیار خرسندم و ان شاء الله همان‌طور که کشورتان را از دست دشمنان نجات دادید آینده‌ای درخشان خواهید داشت.

همچنین یکی از هنرمندان هنرهای زیبای

بحرانی، کارگردان سریال «مریم مقدس»، در این نشست گفت: دوستان سوریه حاضر در این جلسه از درد و رنج جنگ صحبت کردند. اما این مسائل تنها مختص به یک کشور جنگ زده‌ای مثل سوریه نیست. مشکل انسان در عصر حاضر حیرت و سرگشتگی است و به شدت از این ماجرا رنج می‌برد. در کشوری که جنگ زده است که ما خود نیز جنگ را تجربه کرده ایم، این مسائل بشری نمای بیشتری دارد. این درد و رنج در قلب انسان معاصر دیده می‌شود. از آنجایی که سینما آیینه روح انسان است، می‌تواند این دردها و رنج‌ها را به عرصه تصویر بکشانند.

وی در ادامه گفت: در پاسخ به یکی از دوستان سوریه حاضر در جلسه که در پی یافتن پاسخی برای پیام دادن به کودکان است، باید بگویم که این مشکل همه ماست؛ اینکه چگونه با نسل بعدی خود ارتباط برقرار کنیم و با آن‌ها چه بگوئیم و چگونه صحبت کنیم که در آن رشد و تعالی نهفته باشد. سینما موثرترین زبان هنری دنیاست و بهترین روشی است که می‌شود با آن امید به رحمت خدا را منتقل کرد. اگر انسانی به رحمت خداوند ایمان نداشته باشد و به آن توجه نداشته باشد، امید در زندگی اش وجود نخواهد داشت و مدام تاریکی و مشکلات برایش پیش خواهد آمد. مردم از ما هنرمندان انتظار دارند که بتوانیم این امید را در فیلم‌های خود به نسل‌های بعدی منتقل کنیم.

بحرانی افزود: احتمالاً همه دوستان حاضر در این جلسه از تکنیک‌های سینما باخبر هستند. اما تنها تکنیک سینما برای بیان نکات مورد نیاز جامعه ما کافی نیست. سینما باید بسیار فراتر از سطح فنی و تکنیکی قدم بردارد. باید بتواند مفاهیم و معانی و راه حل‌های نجات بخش را به مردم ارائه دهد. در



باشد در سوریه وجود ندارد. این موضوع در مورد فیلم سینمایی هم هست. فیلم‌های ایرانی باید در تلویزیون سوریه نشان داده شود تا هم دسترسی به آن آسان تر باشد و هم مردم حضور بیشتری از این فیلم‌ها را شاهد باشند. از طرفی هم در سوریه دیگر سالن سینمایی باقی نمانده است که بخواهد فیلم‌ها را نمایش دهد!

هنرمند دیگری از سوریه در این نشست گفت: نکات جالب توجه من از حضور در ایران، احترامی است که مردم آن برای خود در نظر دارند. همچنین در تمامی کارهای خود صداقت دارند. از دیدگاه من در ایران انسان حقیقی وجود دارد. ما علاقه‌مند به شنیدن تجربیات کارگردان‌های ایرانی هستم. همچنین از هنرمندان ایرانی در سریال‌هایی که ترجمه شده‌اند یک شناخت نسبی دارم. از سینمای ایران اطلاعات زیادی ندارم. اما می‌دانم که در ساخت و تولید سریال بسیار پیشرفت کرده‌اند. این پیشرفت‌ها در ایران نشان می‌دهد که دین و اسلام هیچ تعارضی با اختراع و نوآوری ندارد بلکه به آن کمک می‌کند.

گفتنی است این هیئت سوریه که متشکل از فعالان سینمایی و تئاتری کشور سوریه بودند دوشنبه ۱۶ مردادماه بعد از ادای احترام به مقام شهادی گمنام در حوزه هنری، از بخش‌های مختلف حوزه هنری همچون کتابخانه جنگ، گالری ابوالفضل عالی، گالری خانه عکاسان ایران، گنجینه هنرهای تجسمی حوزه هنری، فروشگاه کتاب حوزه هنری و همچنین سینمای آزادی متعلق به حوزه هنری دیدن کردند و با آثار و دستاوردهای هنری این نهاد انقلابی آشنا شدند. ➔

زیادی در سوریه برگزار می‌کنیم. البته جنگ از ادامه کار جلوگیری کرد و ان‌شاءالله به زودی با ثباتی که مجدداً در کشور ایجاد شده کار این جشنواره‌ها هم از سر گرفته شود و از شما دعوت می‌کنیم در این جشنواره‌ها حضور داشته باشید. همچنین در این دیدار شاهد اجراهای خوب تئاتر سوریه باشید و با هنرمندان و مسئولان هنری ما بیشتر آشنا شوید.

نماینده نویسندگان سوریه در این نشست با اشاره به سینمای ایران گفت: سینمای ایران الگوی بسیار خوبی در میان کشورهای جهان سوم ارائه کرده است. در سینمای جهان، سینمای هالیوود در حال ساخت فیلم‌هایی با بودجه‌های کلان است. من در سوریه فیلم‌نامه‌ای را نگاشتم که ساخت آن هزینه‌ای کمتر از یک دقیقه از ساخت فیلم‌های هالیوود است. ما می‌خواهیم بیانگر زیبایی‌های درون سوریه باشیم.

وی ادامه داد: در روزهای گذشته مقاله‌ای در مورد سینمای ایران نوشتم که در آن گفته شده سینما بیانگر روح خود است و سینمای ایران در میان نخبگان سینمای جهان شناخته شده است. اما باز هم در مقابل سینمای گسترده جهان که به نوعی توسط انحصارطلبان تصاحب شده است، دیده نمی‌شود. پس باید این انحصار را بشکنیم.

وی همچنین اضافه کرد: در حال حاضر نمایشگاه کتابی در سوریه برپاست. در حالی که رایزن فرهنگی ایران هم در آنجا حضور دارد، اما هیچ کتابی در نمایشگاه مذکور وجود ندارد. من به عنوان یک نویسنده خواستار آشنایی با نویسندگان ایرانی هستم. اما هیچ آثاری که به زبان عربی ترجمه شده باشد و نوشته نویسندگان ایرانی

نشست حضور داشت با اشاره به خرسندی از دیدار با هنرمندان ایرانی گفت: وجود مرکزی همچون حوزه هنری که توانسته همه هنرها را در یک جا جمع کند و به همه آن‌ها به خوبی بپردازد از اهمیت زیادی برخوردار است. مردم و هنرمندان سوریه پیگیر سینمای ایران هستند و جایگاه مهمی در آنجا دارد. من یک سوال و درخواستی از مسئولان حوزه هنری در این نشست دارم. اول اینکه آیا گرافیک و انیمیشنی که در فیلم‌های سینمایی ساخته این مرکز استفاده شده است در همین سازمان انجام می‌شود؟ چرا که از کیفیت خوبی برخوردار بوده و جلوه خاصی به تصاویر داده است. ما در سوریه جشنواره‌ای به نام «جشنواره فیلم سوریه» داریم که به تولیدات جوانان می‌پردازد. از شما درخواست دارم تا در این جشنواره شرکت کنید و فیلم‌های ساخته شده در حوزه هنری را در این جشنواره شرکت دهید. ان‌شاءالله این دیدارها نتیجه خوبی در آینده داشته باشد.

یکی از هنرمندان سوریه حاضر در این نشست نیز با تأکید بر شگفت‌زدگی خود در پیشرفت هنری ایران گفت: توجه ویژه‌ای از سوی حوزه هنری به بحث «هنر» شده است. این اتفاق خوب و مهمی است. ما علاقه‌مندیم تا اطلاعات بیشتری در مورد تئاتر در ایران دریافت کنیم. ضمن اینکه مطلع هستم در حال حاضر هم جشنواره تئاتری در حوزه هنری برگزار می‌شود.

مدیرکل تئاتر و موسیقی سوریه که در جمع هیئت بازدیدکننده از حوزه هنری حضور داشت گفت: مرکز تئاتر و موسیقی سوریه از سال ۱۹۶۳ کار خود را آغاز کرده است و در سطح کشوری و بین‌المللی در حال فعالیت است. ما جشنواره‌های

توجه به سینماسازی در مناطق محروم



محمود کاظمی

کارنامه حوزه هنری و عملکرد موسسه بهمن سبز در سال‌های اخیر گویای یک اتفاق ویژه است. توجه به سینماسازی و تجهیز سالن‌ها در همه مناطق ایران، گرایش به تغییر و تحول در ناوگان سینمایی حوزه هنری تنها به تهران یا شهرهای بزرگ محدود نشده است. بازسازی سینما در آبادان و راه‌اندازی سینما آزادی این شهر و بازگشایی سینما آزادی بیجار بخشی از این برنامه است. شهر یورماه برای ما با افتتاح سینما آزادی بیجار شروع شد. شهرستانی زیبا با طبیعتی بکر و جوانانی شایسته که سال‌ها از داشتن یک سینما به مفهوم واقعی آن محروم بوده است. حاصل شش ماه تلاش و همت دوستان و همکارانم در موسسه و در شهرستان بیجار، تجهیز، بهسازی و ارتقای کیفیت فنی این سالن و تبدیل آن به یک سینمای مجهز و مناسب بوده است. خوشبختانه به لطف خداوند و همراهی حوزه هنری و تلاش همکارانم، نتیجه‌ای که محقق شده امیدوارکننده است و می‌تواند الگویی مناسب برای اجرا در شهرستان‌های دیگر باشد. در سال گذشته، قدم‌هایی جدی برداشتیم تا در مراغه هم پردیس بسازیم. برنامه‌ریزی، مشاوره‌ها، رایزنی و گفت‌وگو با مدیران و مسئولان شهری تا امروز ادامه داشته و به نظر می‌رسد دیگر به مرحله اجرا بسیار نزدیک شده‌ایم تا این شهر صاحب یک پردیس مدرن و مجهز و مناسب حال شهروندان شود.

در این بین یک نکته بسیار اهمیت می‌یابد مدیران امور سینمایی در استان‌ها و مدیران سینماها، همچنین مدیران محترم حوزه هنری می‌توانند گامی بزرگ برای تحقق اهداف موسسه بهمن سبز بردارند و از طریق رایزنی‌ها، گفت‌وگوهای کارشناسی و استفاده از بضاعت‌های فرهنگی و اقتصادی هر شهر و استان، زمینه ساخت سینماهای جدید و تجهیز و بهسازی سالن‌های قدیمی را فراهم کنند. سینماهای حوزه هنری در بعضی شهرهای بزرگ و شهرستان‌ها شایسته این نهاد و مردم خوب این مناطق نیست، اما متأسفانه مسئولان استانی و مدیران شهری اهتمام لازم برای ساخت یا بازسازی سینماهای این شهرها ندارند و این موضوع باعث شده برنامه‌های موسسه بهمن سبز در این نقاط، عملی نشود. ارتباط با مسئولان و ترغیب آنها به اهتمام برای سینماسازی و گسترش فضاهای فرهنگی جمعی، می‌تواند حرکت ناوگان سینمایی حوزه هنری را به سمت تغییر و نوسازی با سرعت

ببخشد.

لزوم توجه به اعتلای فرهنگ و اخلاق در مقابله با عوام فریبی و ابتذال

امیر ارزنده



قادر است تابع استراتژی بلندمدت و راهبردهای محکم تری باشد و مانند بسیاری از دستگاه‌های فرهنگی که به بدنه دولت متصل هستند و با چرخش و گردش مدیران جا به جا می‌شوند و بیشتر با سیاست و سیاسی کاری دست و پنجه نرم می‌کنند نیست طبق اساسنامه و اولویت‌هایش این حق را دارد تا در سالن‌های سینمایی که از سوی رهبری انقلاب به این نهاد واگذار شد و در یکی دو سال اخیر هم به تعداد سینماهای حوزه به حکم رهبری افزوده هم شده دغدغه‌آثاری را داشته باشد که در ایجاد تعالی و نشاط سالم و امنیت و آسایش خانواده‌ها و تقویت مناسبات اخلاقی حرکت کند و به فیلم‌های هنجارشکن که از گلوگاه ارشاد با رانت، فشار و سیاسی کاری عبور کرده اند با ملاحظه و تأمل بنگرد.

وقتی هر سینماداری به دلخواه در قالب مرادوه با شرکت‌های پخش اقدام به اکران فیلم‌ها می‌کند این حق برای حوزه هنری هم هست که با توجه به ضرورت‌های فرهنگی-اخلاقی و روانی جامعه و بر محور گفتمان کلان انقلاب فیلم‌ها را انتخاب و نمایش دهد. اگر چه نمی‌توان از این تحلیل عبور کرد که رونق سینما و وضعیت متنزل آن در داخل آن چنان است که فیلمسازان بدبختانه؛ شهرت و محبوبیت خود را در پرداخت به چنین اظهارات «عوام فریبی» و جوسازی و شعاربازی می‌بینند.

ایا بهتر نیست به جای اینکه سینما از طریق موج سواری و عوام فریبی و با پناه بردن به مظاهر ابتذال و کمدهای سخیف و اهانت بار رونق بگیرد هم سو با دغدغه‌ها و مطالبه‌های نهادهایی، چون حوزه هنری در مسیر رشد و اعتلای فرهنگ و اخلاق و نیازهای واقعی جامعه گام بردارد و از جایگاه رسانه‌ای حرکت آفرین و آگاهی بخش و پیشبرنده نزول نکند؟

منبع: خبرگزاری دانشجوی

ماجرای کاملاً بدیهی و قانونی بود به دلایل متعددی تعبیر به تحریم فیلم از سوی حوزه هنری شد و عده‌ای با توجه به اینکه منفعت خود را در پرداخت چنین واژه‌ای می‌دانستند در موضع اپوزیسیون قرار گرفته و بار این واژه را بر دوش کشیدند و بر طبل آن مدام می‌دمند. لازم به توضیح است که تشویش مخاطبین با استفاده از واژه تحریم و توقیف و... چه بسا موفق‌تر از تلاش در جهت متن است. از این رو سعی کردند تا به استفاده از رسانه‌ها و شبکه‌های در اختیار بدیهی‌ترین اصول اخلاقی را زیر پا بگذارند و چپ و راست حوزه هنری را آماج حملات شان قرار دهند.

نباید از داخل زمین سینما به مشکلات مان بنگریم؛ این کار همانند عادت است که خودمان را فقط با خودمان بسنجیم؛ در صورتی که وقتی از دور تر و با فاصله به مشکلات و نارسایی‌ها نگاه کنیم متوجه می‌شویم که زمین سینمای ایران فاقد قدرت مولد در شرایط فعلی است و برای رونق و رشد توجه کردن به تجارب کشورهای دیگر مفید به فایده است. بپذیریم که قواعد سینما در حوزه توزیع و نمایش در همه جای دنیا مبتنی بر به رسمیت شناختن حق «حیات طبیعی» این فعالیت است و متأسفانه در سینمای ایران این حق طبیعی سال‌هاست که توسط انحصار داخلی «سلب» شده است.

متأسفانه برخی از شبه سینماگران، چون توانمندی خود را در لمپن‌بازی و تشویش اذهان عمومی می‌بینند بنابراین تمام توان و وقت خود را صرف مجرای پس از تولید می‌کنند.

اگر نگاهی به تاریخ سینمای ایران ببندازیم متوجه خواهیم شد که سینما دار برحسب سلیقه و نگاه شخصی خود فیلم مورد نظرش را در سینمایش نمایش می‌دهد و طبیعی است حوزه هنری به عنوان بزرگترین پایگاه هنری انقلاب اسلامی که به دلیل نسبت ارگانی و سازمانی آن با سازمان تبلیغات اسلامی

اظهار نظر صریح ابراهیم داروغه زاده در حمایت از اقدام قانونمند حوزه هنری در نحوه اکران فیلم‌های سینمایی بواقع، نقطه پایانی است بر همه شبه افکنی‌ها و هجمه‌های رسانه‌ای به نهاد انقلابی حوزه هنری. شکی نیست که سازمان سینمایی حوزه هنری بزرگ‌ترین و مهم‌ترین نهاد در حمایت از رونق و اعتلای سینمای فرهنگی و اجتماعی کشور است و نقش مؤثر آن در توسعه زیرساخت‌های سینمایی و حمایت از محصولات فرهنگی و به اصطلاح ارزشی بر کسی پوشیده نیست.

با این حال جریانی در چند ساله اخیر به دلیل زیاده خواهی، منافع و بیشتر، مطامع شخصی با سرمایه گذاری جدی سعی کرده تا عملکرد این نهاد انقلابی را زیر سوال ببرد و خدشه دار سازد. اگر چه بخش مهم و طیف وسیع افکار عمومی و قاطبه هنرمندان و سینماگران با توجه به شیب خطرناک و نگران کننده سینمای ایران به سمت ابتذال و فیلمفارسی در سال‌های اخیر، کنار مواضع و افق نگاه این نهاد قرار داشته‌اند با این حال این پرسش همواره مطرح بوده است که آیا اقدام‌های حوزه هنری در پیش گرفتن سیاست و رویه «کیفی گرای» و «به گزینی» اکران مغایر با قانون است یا خبر؟ اگر چه بارها این موضوع از سوی کارشناسان و مدیران حوزه هنری به صراحت تشریح و تبیین شده است، ولی حتی، برخی تشکل‌های صنفی مانند: شورای عالی تهیه کنندگان و کانون کارگردانان هم بعضاً، دچار لغزش در قضاوت شده‌اند و حرکت قانونمند سازمان سینمایی حوزه هنری را فراقانونی جلوه داده و در برابر آن موضع گیری کرده‌اند.

خوشبختانه، به تازگی عالی‌ترین مقام ارزشیابی و نظارت سینمای ایران به ضرس قاطع، از مواضع و عملکرد حوزه هنری دفاع کرده و بر خلاف حجم پرفشار جوسازی رسانه‌ای و بیانیه نویسی‌ها از سوی افراد معلوم الحال و منفعت جو آب پاکی را روی دست کاسبکاران قیل و قال پرست ریخت و اعلام کرد که سیاست اکران سازمان سینمایی حوزه هنری قانونی است: «حوزه هنری فیلمی را تحریم نکرده است. طبق قانون، سینماها مختارند که فیلم‌های مورد نظر خود را انتخاب کنند و اگر حوزه هنری برخی فیلم‌ها را نمایش ندهد، نام تحریم نمی‌گیرد. بر اساس قوانین شورای صنفی، سینماها می‌توانند انتخاب کنند که چه فیلم‌هایی را اکران کنند.»

در اذهان عمومی و سینماگران اینگونه رایج شده است که اگر فیلمی دارای مجوز نمایش است تمامی سالن‌های سینمایی موظف و یا به تعبیری مکلف به اکران آن هستند. جالب است بدانیم هیچ قانونی در وزارت ارشاد وجود ندارد که سینما دار مکلف به اکران فیلمی باشد. در سال‌های اخیر با توجه به اتفاقاتی که در حوزه سینما رخ داد حوزه هنری از اکران برخی فیلم‌ها که از دیدگاه مسئولان حوزه هنری مغایر با اهداف و سیاست‌های کلان فرهنگی نظام و متعزز به هنجارها و اخلاقیات جامعه بوده صرف نظر کرد. این

رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری تاکید کرد:

لزوم کشف استعداد، حمایت از تولید و استمرار اقدامات فرهنگی

شورای سیاستگذاری جشنواره ملی فیلم و عکس بيطار و مدیران سازمان دامپزشکی کشور در راستای برگزاری بهتر این رویداد سینمایی و اجتماعی با محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری دیدار و گفتگو کردند.

به گزارش سوره سینما، در این نشست که با حضور دکتر خالد خداوردی معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی سازمان دامپزشکی، دکتر ناصر رسولی بیرامی معاون دفتر سازمان‌های تخصصی و امور بین‌الملل دامپزشکی کشور، دکتر فاطمه زارعان مدیر کل روابط عمومی سازمان دامپزشکی، ناصر باکیده دبیر جشنواره، حسین سبطی عضو شورای سیاستگذاری جشنواره بيطار و یزدان عشیری مدیر روابط عمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری صورت گرفت، محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری گفت: عملکرد حوزه هنری تنها به سینما معطوف نیست و



بخش‌های مختلفی از جمله موسیقی، ادبیات، عکس، هنرهای تجسمی و نمایش را هم شامل می‌شود و به نظر می‌رسد تمام این بخش‌ها می‌تواند به قوت بخشیدن حرکت‌های مثبت فرهنگی و جشنواره شما کمک کند. وی با اشاره به اهمیت بهره‌گیری از شاخه‌های مختلف هنری برای پربار شدن جشنواره ادامه داد: در این زمینه جشنواره‌هایی مثل جشنواره فیلم‌های صد ثانیه‌ای با کارکرد داخلی و بین‌المللی و جشنواره فیلم رویش می‌توانند کمک کنند.

رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری با بیان اینکه برگزاری جشنواره به مثابه نوافکن است خاطر نشان ساخت: جشنواره‌ها باید روی موضوعاتی که در جامعه مغفول مانده با هدف الگوسازی، هدایت و حمایت برگزار شوند.

وی شرط موفقیت برگزاری یک جشنواره را در تداوم آن دانست و افزود: نیاز است برنامه‌ریزی حداقل ده ساله برای آینده صورت بگیرد. بخش جدیدی در سازمان دامپزشکی باید راه اندازی شود که صرفاً به امور حمایت



از تولید و جشنواره و فعالیت‌های فرهنگی پیردازد. رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری با بیان اینکه بخشی از کارکرد جشنواره شناسایی استعدادهاست خاطر نشان ساخت: جایزه، درخشش و جشنواره برای فیلمسازان همچون طعمه است که می‌توان استعدادها را جذب کرد و با آنها ارتباط برقرار نموده و از آنها در جهت رشد فرهنگ عمومی بیشتر استفاده کرد.

حمزه زاده معتقد است: بخش قابل اعتنایی از محتوای جشنواره را طبیعتا سازمان حمایت کننده باید تامین نماید و لازم است برای فرهنگ سازی و گسترش اطلاع رسانی فیلم های کوتاه، مستند و تلویزیونی ساخته شود و به صورت مکرر از تلویزیون پخش شود. ما هم تلاش خودمان را می کنیم تا به ظرفیت های اجتماعی جشنواره کمک کنیم.

وی گفت: جشنواره برای برگزار کنندگان آن نقطه و ایستگاه آغازین است اما مهمترین اشکال این است که مثل جشنواره های خارجی در فاصله برگزاری دو جشنواره کار اساسی صورت نمی گیرد؛ در حالی که جشنواره های معتبر خارجی که از آنها به عنوان شوالیه نام برده می شود همواره با فیلمسازان مختلف مورد هدف شان در ایران مشغول مذاکره هستند تا به نفع خود بر فیلم های ایرانی تاثیر بگذارند. ما هم باید



از امکانات جشنواره در جهت جذب نیروهای مستعد بهره ببریم.

حمزه زاده با اشاره به اهمیت بحث اقتصاد مقاومتی و امنیت غذایی گفت: فیلم های مهمی چون «قحطی بزرگ» و «یتیم خانه ایران» هم به این موضوعات و بحران ها پرداخته اند و قابل توجه هستند.

در این نشست ناصر باکیده دبیر جشنواره فیلم بیطار گفت: سالانه بیش از پنج یا شش هزار فیلم کوتاه تولید می شود که ۶۰ درصد آن را تولیدات مستقل تشکیل می دهند و بخش دیگر آن را مراکزی چون صدا و سیما، انجمن سینمای جوان یا حوزه هنری بر عهده می گیرند.

وی ادامه داد: به این فکر کردیم که اندیشه ساخت فیلم هایی با موضوعات پیرامون دامپزشکی و غذای سالم را در ذهن قشر جوان بوجود بیاوریم. در نظر داریم این اتصال را بین هنرمندان و سازمان دامپزشکی برقرار کنیم تا جوانان فیلمساز در این مقوله سوژه یابی کنند.

وی با اشاره به اینکه سوژه های حوزه دامپزشکی به شدت جذاب هستند خاطر نشان ساخت: در هفته اخیر تورهایی که با فیلمسازان برگزار کردیم آنها را سرشار از سوژه های گوناگون در این زمینه دیدیم.

دبیر جشنواره بیطار با بیان اینکه هنر باید در خدمت مردم باشد نه آنچه خودمان آن را انتخاب می کنیم اضافه کرد: برگزاری جشنواره بهانه ای است تا جوانان سینماگر را به منابع دامپزشکی وصل کنیم؛ به همین جهت در تنظیم آیین نامه و مقررات جشنواره تلاش کردیم موضوعات تخصصی، نگرش فرهنگی آنها و سلايق هنرمندان با هم گره بخورد و زبان مشترک بین آنها بوجود بیاید ضمن اینکه تلاشمان این بوده که از فضای جشنواره زدگی دور شویم و به افق های بالاتری فکر کنیم.

وی افزود: با توجه به گستردگی فعالیت حوزه هنری امیدواریم این نهاد در برگزاری این جشنواره و این جریان از طریق معرفی این جشنواره در بین مردم ما را حمایت کند، چون معتقدیم بحث امنیت غذایی برای مردم از اهمیت زیادی برخوردار است.

دکتر خداوردی معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی سازمان دامپزشکی نیز با اشاره به این نکته که مردم با فعالیت های حوزه دامپزشکی آشنا نیستند و با این نشست ها و همفکری ها می توان زمینه و ظرفیت های خوبی را برای معرفی دامپزشکی در کشور فراهم سازیم. گفت: سازمان دامپزشکی بخش ها و فعالیت های فراگیر و بزرگی دارد و امیدواریم به دلیل موضوعات گسترده این حوزه جشنواره پرباری پیش رو داشته باشیم.

وی بیان کرد: تصور قاطبه مردم از حوزه دامپزشکی فقط به انجام اموری چون واکسن، گاو و گوسفند است و با عملکرد این حوزه آشنایی ندارند. معتقدیم صدای عملکردمان از فریادمان بلندتر است و در این مدت بیشتر به دنبال مباحث فنی بودیم.

معاون توسعه مدیریت و منابع انسانی سازمان دامپزشکی گفت: ما با جامعه شهری، روستایی و عشایر به فراخور کار و حرفه ای که بر عهده دارند ارتباط تنگاتنگ داریم. مردم باید از غذایی که مصرف می کنند اطمینان داشته باشند و از این جهت مسئولیت ما سنگین است. امیدواریم مجموع تلاش و کوشش دست اندرکاران و برگزار کنندگان این جشنواره باعث شود تا با رویدادی خوب و با کیفیت مواجه باشیم.

دکتر خداوردی با بیان اینکه معرفی عملکرد سازمان دامپزشکی کمک به بهداشت و سلامت جامعه است گفت: در دیداری که با مقام معظم رهبری داشتیم ایشان تاکید داشتند که از صدا و سیما و جامعه هنری برای تبلیغات و معرفی بیشتر خود به جامعه استفاده کنید. ایشان راهنمایی کردند که از طریق ساخت فیلم های انیمیشن و پویانمایی مردم را با وظایف این حوزه بیشتر آشنا کنید.

دکتر زارعان مدیر کل روابط عمومی سازمان دامپزشکی و عضو شورای سیاست گذاری جشنواره بیطار هم با اشاره به گستردگی وظایف حوزه

دامپزشکی گفت: در دیداری که با مقام معظم رهبری داشتیم ایشان فرمودند که گستردگی و خطیر بودن کار شما و نقش حساسی که در سلامت افراد دارید لازم است که حوزه کاری خود را به مردم معرفی کنید تا مردم بدانند که چقدر زحمت می کشید تا غذای آنها سالم باشد و این کار از طریق مجموعه های پویانمایی صورت می گیرد.

وی ادامه داد: به دنبال فرمایش مقام معظم رهبری با صدا و سیما نشست هایی در جهت تولید پویانمایی برگزار کردیم اما در نهایت به این نتیجه رسیدیم که نیازمند حمایت مالی هستیم اما در این مسیر ساخته های کوچکی هم داشتیم همچون مجموعه ۳۰ قسمتی دو دقیقه ای به اسم مجله دامپزشکی که قبل از خبر بیست و یک پخش می شود؛ همچنین مجموعه بیست و شش قسمتی مستند که از شبکه چهار پخش می شود.

دکتر زارعان در بخش دیگری از صحبت خود گفت: هدف از جشنواره فیلم و عکس بیطار این است که افکار مخاطبان و خصوصا هنرمندان را با فعالیت های حوزه دامپزشکی بیشتر آشنا کنیم مردم در جریان برگزاری این جشنواره به سلامت خود فکر کرده و مراقب خود باشند. سبب غذایی که آنها مصرف می کنند از فرآورده های لبنی تشکیل می شود لذا لازم است که با حوزه فعالیت دامپزشکی بیشتر آشنا شوند.

وی گفت: در این زمینه، جلسات و تورهایی گسترده ای در سطح کشور برگزار کردیم تا افکار عمومی به سمت فعالیت های حوزه دامپزشکی گرایش پیدا کنند و بتوانیم فضای مجازی را در اختیار بگیریم و از این طریق اذهان عمومی را با مقوله دامپزشکی بیشتر آشنا کنیم و در این مسیر خواستیم تا از پتانسیل مجموعه شما هم بهره ببریم.

سبطی عضو شورای سیاست گذاری جشنواره گفت: از سال ۱۳۰۳ تا به امروز یعنی نود و سه سال از زمان تاسیس سازمان دامپزشکی می گذرد و این اولین فستیوال فیلم است که در این سازمان برگزار می شود و هدف از برگزاری آن آشتی با مدیوم سینماست.

وی ادامه داد: این سازمان کارکرد سینمایی ندارد اما بنا دارد حرفش را با زبان هنر به مردم بگوید به همین جهت بعد از گذشت این سالها دیدار با مسئولان حوزه هنری را به فال نیک می گیریم. اما باید بدانیم که دو نکته در برگزاری این جشنواره مستور است اول بخش اقتصاد مقاومتی و دوم امنیت غذایی. مفهوم امنیت در این سالها دچار تحول شده به همین جهت امنیت تنها به مباحث انتظامی مربوط نمی شود امنیت غذایی هم اهمیت و نقش بالایی دارد.

دکتر ناصر رسولی بیرامی معاون دفتر سازمان های تخصصی، روابط عمومی و امور بین الملل سازمان دامپزشکی کشور با اشاره به جایگاه بین المللی سازمان دامپزشکی یادآور شد: نیاز است خدمات و فعالیت های سازمان دامپزشکی هم در عرصه ملی و هم در حوزه بین الملل نیازمند کار هنری و اطلاع رسانی جدی تر است و جشنواره سینمایی این کارکرد را دارد. ●



«بیست و یک روز بعد» فیلمی علیه گداگرافی رایج در سینما

ایمان هادی

فقر، بدون قهرمانی که برای دفع کاستی‌ها تلاش نمی‌کند و هیچ انگیزش فردی، عاطفی و اجتماعی برای رهایی از فقر و معضلات وابسته به فقر ندارد، مصداق گداگرافی است؛ مشابه آثار سینمایی کودک و نوجوان محوری که به بخشی از آنان اشاره شد. قهرمانی که انگیزش قهرمانی داستانی‌اش آنقدر پتانسیل مقبولی دارد که مخاطب تصور می‌کند مرتضی سعدی (مهدی قربانی) به جای نگاه داشتن قطار می‌تواند کوه را جابجا کند.

فیلم «بیست و یک روز بعد» تجلی دردهای بزرگ یک جامعه است که توسط سیاستمداران اجرایی کشور نادیده گرفته می‌شود. به یقین با همین پارامترهای رایج و جستجو در مکتوبات برخی منتقدان سینمایی، فیلم بیست و یک روز بعد، فیلم سیاهی است. اما فیلم به شکل اصیلی با اتکا به انگیزش‌های قهرمانی سیاهی از خود بر جای نمی‌گذارد. عمده فیلم‌های قهرمان کودک و نوجوانان که در این مقال مثال زدیم توسط کانون پرورش فکری در سال‌های گذشته ساخته شده‌اند که اغلب این آثار به شکل اگزوتیکی اصرار به انفعال در مواجهه با کاستی‌های اجتماعی دارند، اما تم فیلم محمدرضا خرمندان

طبقه را شناسایی نکند. چرا نمایش دقیقه طبقه متوسط ضرورت دارد و در این متن بدان تاکید داریم؟ یکی از مشکلات عدیده سینمای ایران در دو دهه گذشته این است که به دلیل عدم شناسایی طبقات اجتماعی، فیلمسازان برج عاج نشین سینمای ایران مبتلا به بیمار رایج سینمایی گداگرافی شده‌اند. مسافر (عباس کیارستمی)، دونده (امیر نادری)، خمره (ابراهیم فروزش)، بادکنک سفید (جعفر پناهی)، سازدهنی (امیر نادری) خانه دوست کجاست (عباس کیارستمی) و...، آثاری شبیه بیست و یک روز بعد، مبتلا به همان بیماری رایج گداگرافی هستند.

به دام گداگرافی افتادن آثار سینمایی ریشه در عدم شناخت طبقات دارد، نه نشان دادن مشکلات معیشتی مردم. نخستین موضوعی که فیلم «بیست و یک روز بعد» را از گداگرافی رایج دور و به سینمای واقعی نزدیک می‌کند، ترسیم دقیق از شخصیت‌های وابسته به این طبقه، موقعیت‌ها، فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی آنان است. بیست و یک روز بعد، عباری افزون‌تر از آثار مشابهنش با تم گداگرافی دارد، قهرمانی پر انگیزه‌ای برای بدست آوردن. نمایش

در سینمای ایران طی دو دهه گذشته اغلب آثاری که ساخته شده‌اند به دنبال تعریف تازه‌ای از طبقه متوسط و مطالبات آنهاست و طبقه فرودست اجتماعی هیچ جایگاه مشخص و تعریف معینی در میان آثار سینمایی ندارد. در واقع نوعی اعوجاج و نوعی التقاط معرفتی - اجتماعی از طبقات در سینمای ایران رایج است و همین امر موجب می‌شود باورپذیری آثار سینمایی ضریب مقبولیت در میان مخاطبان نداشته باشد.

وقتی در حوزه فیلمسازی به دام واقع‌گرایی می‌افتادیم، ترسیم نقش و نگار طبقاتی و جزئیات از ضرورت‌های نمایشی محسوب می‌شود. فیلم «بیست و یک روز بعد» از آن دسته آثاری است که تصویر دقیقی از طبقه فرودست اجتماعی ارائه می‌کند. شاید نخستین دلیل تمایز فیلم «بیست و یک روز بعد» از سایر آثار سینمایی رایج، توجه مولف به نمایش کاملاً واقع‌گرا از طبقه فرودست اجتماعی است. اغلب آثار ساخته شده درباره طبقه فرو دست به نوعی التقاط اجتماعی دچارند. عدم تشخیص نشانه‌های طبقه متوسط سبب می‌شود که فیلمساز اوج و فرود نمایشی و دراماتیک این



مولد حرکت طبقات فرودست است. ویژگی خاص مرتضی سعدی در روایت محمدرضا خردمندان دست به «عمل بزرگ» زدن است. ما خانواده مرتضی را می‌بینیم که مادرش هیچ اصراری به کار کردن مرتضی ندارد و مادر (ساره بیات) با کار کردن در خانه، خرج خانواده، یعنی مرتضی و برادرش را تامین می‌کند و مرتضی غرق در رویای فیلمسازی خویش است. ناگهان وضعیت بغرنج و ناهنجار مادر مرتضی را از خواب بیدار می‌کند و مرتضی طی یک جهش معقولانه دراماتیک و به صورت تدریجی در آزمون «عمل بزرگ» می‌افتد. به این مفهوم «عمل بزرگ» باید بسیار دقت کرد. هالیوود با اتکا به همین مفهوم هالیوود شد. هالیوود قهرمانانی ساخت و پرورش داد که در بزنگاه‌های نمایشی دست به عمل بزرگ می‌زنند. ژانر و نوع اثر چندان اهمیتی ندارد، حتی در فیلم‌های اجتماعی هالیوود مثل فیلم تغییر مسیر (راجر میشل) که یک فیلم اجتماعی ساده است، قهرمان در یک مهلکه زمانی دست به یک عمل بزرگ می‌زند، عمل بزرگ، الزاما نجات افراد از یک برج چند طبقه حین آتش سوزی نیست، عمل بزرگ در فیلم‌های مختلف تعاریف متفاوت دارد و به کنشی که اطلاق می‌شود که موجب بهبود زندگی دیگران می‌شود و تفاوتی نمی‌کند این کار را بروس ویلیس عضلانی

در فیلم پلیسی □ قهرمانی جان سخت انجام دهد یا بن افلک با یک انتخاب انسانی در فیلم اجتماعی تغییر مسیر.

عمل بزرگ مرتضی در ایستگاه پایانی فیلم مبهم است و این بهترین «پایان بازی» است که در سینمای ایران تا کنون طراحی شده است. این «پایان باز» جدا از پایان بازهای رایج به جای کرختی و استیصال مسلکی، به تماشاگر انگیزش حرکتی اهدا می‌کند.

قطار سمبل واقعیت است و مرتضی سمبل خواستن و این جدال در صورت شکست مرتضی، یک پیروزی بزرگ محسوب می‌شود. پایان فیلم را باید با مفهوم «عمل بزرگ» در نظر بگیریم. مرتضی به هر قیمت نمی‌خواهد در وضعیت الوده به استیصال زیست کند و رویکرد قهرمانی‌اش تغییر را مطالبه می‌کند تا مرزی که مرتضی دست به یک عمل بزرگ بزند، مشخص نیست که منجر به رهایی شود یا تراژدی. اما نقصان بزرگ در فیلمنامه وجود دارد که موجب نوسان روایی عجیبی و بی‌پاسخی در فیلمنامه می‌شود. تغییر موقعیت داستانی از بخش اول در مورد رویای فیلمساز مرتضی سعدی، با فصل دوم که فصل آگاهی بیماری مادر در تغییر موقعیت داستانی، بدون هیچ باز اشاره‌ای رها می‌شود. در صورتیکه دست یافتن به رویا و انجام «عمل بزرگ»

از خصیصه‌های مرتضی محسوب می‌شود. چطور از انجام عمل بزرگ یعنی فیلمسازی و جایزه گرفتن به سادگی عبور می‌کند و دیگر سراغش نمی‌رود؟ حتی به آن رویا فکر هم نمی‌کند. این مسئله مشکل اساسی فیلم «بیست و یک روز بعد» در فیلمنامه است، رها کردن موقعیت‌های قبلی با یک جامپ روایی جدید.

مسئله تعقیب توسط خلافکاران قمارباز در فیلم به صورت ناگهانی رها می‌شود، این تغییر موقعیت‌های بدون سرانجام، به عیب بزرگ فیلمنامه بدل می‌شود. همانطور که موقعیت پدر خانواده، داشتن و نداشتن توانایی فرانسائی‌اش، به صورت بسیار مبهمی رها شده است.

رها شدگی از موقعیت‌ها، صدمه بسیار زیادی به ریتم فیلم می‌زند. نوعی عجله برای اهداف قهرمانی شخصیت محوری وجود دارد که با توجه به تعریف کاملی که فیلم از مرتضی ارائه می‌دهد در تضاد فراوان است. با این حال در سینمای ایران پس از ماجرای نیمروز، ویلای‌ها، ساعت ۵ عصر، «بیست و یک روز بعد»، چهارمین فیلم بلند سینمایی است که میان حجم انبوهی از تله فیلم‌های سینمایی نما اکرانش شد و این فیلم را باید در سالن سینما تماشا کرد. ●

منبع: تسنیم

جشنواره مسیر عشق؛ پاسخ به یک نیاز



حماسه راهپیمایی اربعین حسینی برغم ظرفیت‌های پیدا و پنهانی که در فلسفه و در مقیاس جهانی اش دارد، متأسفانه، از سوی تحلیل‌گران، اندیشمندان و بویژه هنرمندان جهان اسلام و کشورمان به صورت جدی و مستمر، مورد مذاقه و بررسی قرار نگرفته است.

حماسه راهپیمایی اربعین حسینی برغم عظمت و ظرفیت‌های پیدا و پنهانی که در فلسفه اش و در مقیاس منطقه ای و جهانی اش دارد، متأسفانه، از سوی تحلیل‌گران، اندیشمندان و بویژه هنرمندان جهان اسلام و کشورمان به صورت جدی و مستمر، مورد مذاقه و بررسی قرار نگرفته و احساس می‌شود این مهم در کنار بسیاری از رویدادهای روزمرگی دچار مهجوریت و فراموشی شده است.

با همه سیطره رسانه‌های امپریالیستی و صهیونیستی و تعدد آشکار آن‌ها در اتخاذ سیاست سکوت خبری در برابر بزرگ‌ترین راهپیمایی انسانی و اعتقادی و سیاسی «حماسه اربعین» باز هم می‌بینیم که برای این اجتماع عظیم بشری تعبیری بکار می‌برند که عمق اهمیت و گستردگی آن را به نمایش می‌گذارد و به مثابه بزرگ‌ترین اعتراض سیاسی و تجلی اقتدار اعتقادی و شیعی قلمداد می‌شود. جنبشی که فارغ از وجوه اعتقادی و دینی آن به مانوری سیاسی و انقلابی بر ضد جهان استکباری و نظام سلطه است.

اینکه چرا تاکنون از سوی هنرمندان و سینماگران ما به صورت هدفمند و سازمان یافته اقدامی برای ثبت، روایت و پردازش هنری این جلوه گاه انسانی و دینی شکل نگرفته بسی جای تامل دارد. هر چند ممکن است رفتاری آگاهانه‌ای صورت نگرفته باشد ولی گویی این غفلت و بی‌تفاوتی هنرمندان در قبال این رویداد تاریخی که در چند ساله اخیر بویژه با توجه به التهابات و شرایط منطقه و جهان اسلام مزیت‌های مضاعفی را در بر گرفته است سوال برانگیز است و نشان می‌دهد استراتژی رسانه‌های غرب در پیش گرفتن رویه بایکوت تاجه اندازه توانسته است در اعمال سیاست و رویه حتی در جهان اسلام و کشورما در این عرصه موفق عمل نماید. البته، نمی‌توان از اقدامات خودجوش تعدادی از هنرمندان و مستندسازان و عکاسان را نادیده گرفت.

در این میان، شکل‌گیری جشنواره بین‌المللی فیلم و عکس مسیر عشق اگرچه اقدامی دیر هنگام است ولی پاسخ به نیاز و ضرورتی است که در این حوزه احساس می‌شده و باید آن را به فال نیک گرفت و تقویت و حمایتش کرد. این جشنواره از زوایای مختلف دارای اهمیت است و هیچ‌گاه نمی‌توان آن را با بسیاری از رویدادهای سینمایی یا هنری که در کشور برگزار می‌شود مقایسه کرد.

نخست اینکه محرم و عاشورا تنیده شده در خون و وجود همه ماست. این آمیختگی و عشق فراتر از همه تعلقات سیاسی، جناحی، قومی، ملی است. ویژگی

جامعیت طیف‌ها و قشرهای مختلف موضوع این اتفاق مه است. اربعین، نقطه تألیف قلوب و پیوند همه گروه‌ها و ذائقه‌ها و تفکرات سیاسی زیر چتر و بیرق نام متعالی امام حسین (ع) است و به تبع آن، جشنواره مسیر عشق هم جلوه متمایزی می‌یابد. شاید خیلی از جشنواره‌ها می‌آیند و می‌روند ولی این مسیر عشق و مشارکت و حمایت از فرهنگ عاشورا و اربعین نوعی ذخیره معنوی، و باقیات و صالحات است.

دیگر اینکه این رویداد فرهنگی و سینمایی برخلاف خیلی از جشنواره‌ها که گرفتار فرم و تکنیک و ... ظواهر هستند جشنواره دل‌ها و قلب‌هاست. عمق و ریشه در متن و بطن تاریخ این سرزمین و منطقه دارد. همینطور، ریشه در یک یک‌ماها از طفولیت تا عنفوان جوانی و تا همیشه عمرمان - مسیر عشق به تعبیری مسیر زندگی و شیدایی ما به ائمه (ع) و امام حسین (ع) هم هست. به تعبیری استعاری می‌توان از آن به سفر انفسی و آفاقی اشاره داشت. هم سفری در مسیر درون ماست و هم راهپیمایی در تازمان نور. مضافاً، اینکه بر خورداری از وجوه انقلابی و اعتراضی که در درون حماسه اربعین و جلوه عینی آن در راهپیمایی‌های خاطره‌انگیز و وصف‌ناپذیر چند ساله اخیر بروز و ظهور یافته است می‌تواند که گوشه‌هایی از این عظمت و اقتدار در قامت و قواره هنر متجلی شود و این جشنواره بستر چنین ظهوری است.

ویژگی‌های دیگری که برای ساختار بندی و کیفیت برگزاری این رویداد فرهنگی و سینمایی طراحی شده هم آن را متفاوت با جشنواره‌های دیگر می‌سازد. گستردگی و فراگیری جغرافیایی و فراملی و بین‌المللی بودن این جشنواره و لوکیشن جشنواره و برگزاری همزمان آن در ایران و عراق و شهرهای مقدس مشهد و کربلا از جمله آن است.

تاریخ بزنگاه‌های مهم دارد. تاریخ را با بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز آن می‌شناسند. عاشورای سال ۶۱ هجری، یکی از آن بزنگاه‌ها است که مسیر تاریخ و سرنوشت جامعه اسلامی را تغییر داد. همچنین، انقلاب اسلامی ایران هم یکی از آن بزنگاه‌های سرنوشت‌ساز است که کل حوادث و رخدادها را چهار دهه‌ای اخیر را

تحت تأثیر خود قرار داده است. و امروز، «پیاده‌روی اربعین» هم یکی دیگر از آن بزنگاه‌های تاریخ در عصر حاضر است.

وقتی حتی رسانه‌های غربی برغم سیاست چراغ خاموش و بایکوت خبری بناگزی در برابر عظمت جلوه عینی حماسه اربعین مجبور به اعتراف می‌شوند چرا هنرمندان و سینماگران، مستندسازان و عکاسان جهان اسلام و کشور ما بی تفاوت از کنار این حماسه بگذرند؟

اینترنشنال بیزنس تایمز درباره‌ی این رخداد نوشت:

«بیش از ۲۲ میلیون زائر به کربلا رفته‌اند که این یک رکورد محسوب می‌شود. اربعین بزرگ‌ترین گردهمایی سالانه در دنیاست که شمار زائران آن خیلی فراتر از دو میلیون نفری است که هر ساله به حج در مکه می‌روند.»

بی.بی.سی نیز در گزارش خود با اذعان به جمعیت شگفت‌انگیز این مراسم گفت: «چه برای یک باور مذهبی و چه برای اعلام یک پیام سیاسی، حضور میلیونی عزاداران در کربلا همه‌ی نگاه‌ها را به خود جلب کرده است؛ ناظرانی که ممکن است سؤال کنند پیام عاشورا که گفته شده تن ندادن به ذلت است، در زندگی امروز این عزاداران چه تأثیری گذاشته است.»

هافینگتون پست می‌نویسد: اربعین بزرگ‌ترین گردهمایی جهان است و با این وجود، احتمالاً شما تاکنون چیزی در مورد آن نشنیده‌اید. اربعین هر تجمع دیگری را در نظر کوچک می‌کند و در سال گذشته جمعیت آن به مرز ۲۰ میلیون رسید. به نوشته هافینگتون پست: در واقع نام شیعیان باید در چند زمینه در کتاب ثبت رکوردهای جهانی گینس ذکر شود: بزرگ‌ترین گردهمایی سالانه، طولانی‌ترین میز غذاخوری مستمر، بالاترین میزان غذای رایگان به مردم، بیشترین و بالاترین میزان افراد داوطلب برای خدمت در یک واقعه منحصر که تمام آن‌ها تحت خطر قریب‌الوقوع بمب‌گذاری‌های انتحاری اتفاق می‌افتد.

شکی نیست جهان از این اجتماع عظیم و خیزش آسمانی شگفت زده شده است. در طول مسیر کربلا میلیون‌ها انسان با قصه‌ها و خاطره‌های گوناگون راهی می‌شوند، شیفنگان شوریده دل و عاشق. در دنیای لبریز از مادیت و لذت و زیاده‌خواهی و بی‌عدالتی هزاران کاروان و هیات فارغ از تعلقات و تمنیات مادی و دنیوی سراسیمه به سوی نور در حرکتند. فرد فردشان رویاها، آرزوها، قصه‌ها، حدیث نفس و چشم‌اندازهای درونی و معنوی خودشان را دارند. در متن این گستره از شکوه، زیبایی، عظمت، انقلابی‌گری، عشق‌ورزی و شور حسینی بی‌گمان، هنر آفریده می‌شود. ☞

«ساعت ۵ عصر»، سینما یا برنامه‌ای آیتمی؟

علی ابراهیم پور



هر چند «ساعت ۵ عصر» به عنوان کار اول مدیری توانست رکوردهایی بشکند و احتمالاً به فروش نسبی خوبی دست پیدا کند، اما حتماً آینده سینمایی مدیری با این دست فرمان با چالش‌هایی جدی روبروست..

متفاوت از مدیری در مدیوم سینما باشد؛ فیلمی که هم مخاطب پُر شمار این سالیان او را راضی کند و هم لذت نگاهی جدید به کمدی را به مخاطبین تخصصی و منتقدین و هنرمندان بچشد. اما «شبه چشمت فریب جنگ داشت؛ ما غلط کردیم و صلح انگاشتیم!» ساعت ۵ عصر، روایت گر داستان یک روز زمستانی از ساعت ۷ صبح تا ساعت ۵ عصر یک شهروند نسبتاً مرفه تهرانی به نام «مهرداد پرهام» (سیامک انصاری) است. همسرش مهناز (آزاده صمدی) برای تحصیل به فرانسه رفته، اما با فاصله‌های زمانی بسیار کوتاه جویای وضعیت مهرداد می‌شود و جابه‌جا از او تقاضا می‌کند از خود و محیط فیلم بگیرد. اول صبح از بانک با او تماس می‌گیرند که آخرین فرصت برای پرداخت آخرین قسط از وامش است و اصرار او برای یک روز فرصت، بی‌فایده است. (گره اصلی) برای دوش گرفتن به حمام می‌رود ولی آب قطع می‌شود. (فراز اول) بین همسایگان بر سر شارژ ساختمان دعواست و مهرداد شارژ همه ساختمان را می‌دهد تا دعوا تمام شود، اما مورد ضرب و جرح واقع می‌شود. (فراز دوم) با تاکسی به سمت بیمارستان می‌رود اما بین راه به خاطر کل کل راننده با یک زن، اسپری فلفل در چشمش می‌زنند. (فراز سوم) به بیمارستان شلوغ می‌رود تا زخمش را پانسمان کند (فراز چهارم)، به مادر پیری کمک می‌کند تا جسد شوهرش را ترخیص کند. (فراز

خشایار لوند از درج نام مدیری به عنوان نویسنده فیلم، تنها تعدادی از حواشی ساعت ۵ عصر بود تا در نهایت، فیلم به اکران پُرسرو صدا رسید. مدیری و تیم پخش فیلم برای شکستن رکوردها و برگزاری بزرگترین افتتاحیه فیلم کشور، برنامه‌ای حساب شده چیدند. این برنامه‌ها گرچه اتفاقاتی مهم برای جذب مخاطب بودند، اما هیچ کدام به اندازه‌ی جایگاه شخص مهران مدیری به عنوان بزرگترین کارگردان کمدی و طنزپرداز پُرسابقه‌ی تلویزیون بعد از انقلاب، در جذب مخاطب برای این فیلم مؤثر نبوده و نیست. پرونده‌ی پُرسابقه‌ی او در صداوسیما و ساخت برنامه‌های متعدد ۹۰ قسمتی و کشف و معرفی استعدادهای شاخص طنز و کمدی در طول این سالیان دراز، از او اسطوره‌ای مردمی و بی‌همتا ساخت؛ تا حدی که چند سال گذشته نام او را در لیست بیست فرد پرنفوذ و قدرتمند ایران قرار دادند! (سایت خبری عصر ایران، کد خبر ۷۳۱۸۷) این جایگاه بی‌بدیل مردمی با مواجهه و گفت‌وگوی مستقیمش با مخاطب، در دوره‌ی بازخوانی و تقویت شد.

صحبت‌های او در هفت، حواشی متفاوت و جایگاه ویژه‌ی مدیری، توقع از ساعت ۵ عصر را در حد یک فیلم عادی نگه نمی‌دارد! ساعت ۵ عصر قرار است -بنابه گفته‌ی خودش و تیم همکارانش- فیلمی

جمعه، ۱ مرداد ۹۵، مهران مدیری پس از مدت‌ها دوری از گفتگوهای تلویزیونی، مهمان برنامه‌ی هفت شد. رفت و برگشت زبانی میان او و مسعود فراسی از چندماه پیش بر سر برنامه دورهمی، تماشای این قسمت از هفت را جذاب‌تر کرد و مدیری در بدو ورود، گفت تا مسعود نباشد، صحبتی نمی‌کند! صحبت او که قرار بود درباره «کارگردانی و نویسندگی سینمای کمدی» باشد به چندسوال روتین، چندشوخی و ابراز خستگی از سریال‌سازی گذشت و البته خبر ورودش به سینما. مدیری با بیان اینکه ورود دیر هنگامش به سینما برای کسب تجربه‌ی بیشتر بوده تا شخصی حرفه‌ای باشد، نام «ساعت ۵ عصر» و ایده‌ی داستانی فیلم جدیدش را گفت. چنان‌که مدیری در همان زمان خبرش را داد «ساعت ۵ عصر» فیلمی شلوغ و خیابانی با سکانس‌هایی ۶۰۰-۷۰۰ نفره و روایت گر ماجرای یک روز زندگی فردی است که برای انجام کاری، فقط همان روز را فرصت دارد. به گفته‌ی مدیری، فیلم قرار است مثل گلوله‌برفی باشد که هر چه جلوتر می‌رود بزرگ‌تر می‌شود و ریتم مدام تندتر، دیوانه‌وار بودن ماجرا بزرگ‌تر و موضوع عظیم‌تر می‌شود.

روال غیرمتعارف اعطای مجوز تهیه‌کنندگی به کارگردان فیلم‌اولی، حرکت متفاوت و تعجب‌برانگیز سیگار کشیدن مدیری در نشست خبری و تعجب



پنجم) برای کمک به پیرزن به بهشت زهرا می‌رود و همه‌ی کارهای قبر و مراسم را انجام می‌دهد. (فراز ششم) برای رفتن به بانک تاکسی می‌گیرد اما راننده، معتادی مگ (امیر جعفری) است و او را به ناکجا آباد می‌برد. (فراز هفتم) خودش را خلاص می‌کند اما در یک کوچه با تجمع اعتراض صنفی روبه‌رو می‌شود. (فراز هشتم) او را دستگیر می‌کنند و مأمور اطلاعاتی از او سوالاتی می‌پرسد و در نهایت او را آزاد می‌کند. (فراز نهم) او با عجله خودش را به بانک می‌رساند ولی بانک تعطیل شده و تنها می‌تواند برگاهش را مهر کند. (فراز دهم) مهرداد به خانه‌اش باز می‌گردد. (پایان)

اما فیلم‌نامه با خلاءهایی جدی روبروست. این خلاءها هم در جهان‌بینی نامنسجم (مفهومی) و هم در ساختار داستانی (فرمی) فیلم‌نامه دیده می‌شود. مشکلات داستانی آنقدر زیاد است که فرصتی برای مشکلات محتوایی‌اش باقی نمی‌گذارد. بین وقایع روابط علی‌معلولی برقرار نیست و رابطه عمودی بین اتفاقات دیده نمی‌شود. برای مثال:

۱. در ابتدای داستان و قبل از تماس بانک، مهرداد از جلسه‌ای کاری صحبت می‌کند، اما مشخص نمی‌شود جلسه به چه سرانجامی رسید و بدون پیگیری رها می‌شود!

۲. مهرداد حقوق خوانده و از جایگاه خوب مادی و رفاهی و شأن بالای اجتماعی برخوردار است. برای چنین شخصیتی، «آخرین قسط وام» گره‌ای قوی نیست: اولاً چرا او پول قسطش را از طریق اینترنت پرداخت نمی‌کند؟ چه ضرورتی برای پرداخت حضوری است؟ خصوصاً اینکه با مسئول بانک آشنایی و رفاقت دارد. ثانیاً او که جزو سه نفری است که در آن ساختمان بزرگ و بالای شهر، شارژ واحدش را به صورت منظم پرداخت کرده، چه‌طور قسط ماهانه خانه‌اش را فراموش کرده و فکر می‌کند که آخرین قسطش برای ماه بعدی است؟ مگر او در ماه اخیر قسط را پرداخت کرده؟ ثالثاً در روزگار فعلی، چه‌طور ممکن است به خاطر فقط یک روز تأخیر، خانه را دست وام‌گیرنده در بیاورند؟ دقیقاً به این نکته خانم مسئول یکی از باجه‌های بانک -در پایان فیلم- اشاره می‌کند.

۳. چرا مهرداد پول شارژ تمام واحدهای ساختمان را حساب می‌کند؟ در حالی که به راحتی می‌تواند آژانس بگیرد و بیخیال ماشین شخصی‌اش شود! او حقوق خوانده و به‌نیکی می‌داند راه برخورد با شهروندان بی‌منطق این نیست.

۴. او -حتی بعد از برخوردش با شیشه اتوموبیل- زخم کوچکی روی پیشانی‌اش دارد و خونی از زخم نمی‌آید. با این حال چرا -برخلاف صحبت خودش که نیازی به بیمارستان ندارد- باز هم به بیمارستان می‌رود؟

۵. پرستار فرشته‌گونه و نورانی (نگین معتمدی) در بیمارستان شلوغ، چرا فقط سراغ او می‌آید؟ او چرا نورانی است؟

۶. او اشتباهاً هزینه بیمارستان شوهر مرده‌ی پیرزن تنها را هم پرداخت می‌کند؛ هرچند عمدی نیست، ولی بیخیال پس گرفتن پولش می‌شود. اگر بپذیریم فرم پر کردن و پرداخت هزینه از روی محبت و مهربانی است؛ تحویل گرفتن میت در حالی که او اصلاً چهره‌اش را نمی‌شناسد، چه توجیحی دارد و اصلاً چگونه می‌تواند اتفاق بیافتد؟

۷. او چرا قدرت گفتن «نه» ندارد؟ آیا از یک وکیل، چنین شخصیت منفعلی قابل قبول است؟ مسعود شصت‌جی مرد هزار و دوهزارچهره که در زیرزمین ثبت احوال و در میان قفسه‌های تاریک و تنهایی بایگانی کار می‌کند، می‌تواند منفعل باشد و قدرت «نه گفتن» نداشته باشد، اما وکیل مرفه نمی‌تواند. موفقیت یک وکیل بیش از هر چیز در گروی فن بیان و فعال بودن اوست.

۸. حتی اگر رساندن پیرزن به بهشت زهرا باز هم از روی محبت باشد، قطعاً ماندن او در کنار پیرزن هیچ دلیلی ندارد و ماندن او -حتی در فیلم- بی‌دلیل و ناموجه است!

۹. چرا مهرداد تلقین میت را انجام می‌دهد؟! چرا تمام جمعیت دو اتوبوس فامیل پیرزن، برای این کار به مهرداد خیره می‌شوند؟ مهرداد برای آن‌ها غریبه است، پس چرا از او چنین توقعی دارند؟! چرا او زیر

بار این کار می‌رود؟ این صحنه‌ی کمیک -که بیشتر مناسب آیت‌م طنزی برای مجموعه‌ای مثل «عطسه» است- چه نسبتی با داستان رئال فیلم دارد؟ بعد از دفن میت، چرا مهرداد صحنه را ترک نمی‌کند و باز هم کنار پیرزن می‌نشیند؟ چرا پیرزن توقع دارد که مهرداد مراسم ناهار را هم برگزار کند؟ چرا مهرداد زیر هزینه‌ی چنین کاری می‌رود؟!

۱۰. چرا مهرداد وارد جریان اعتراض صنفی می‌شود؟ او که آرام در حال عبور از پیاده‌رو بود، چرا مسیرش را عوض می‌کند؟

۱۱. پلک‌زدن مکرر و زیاد مأمور اطلاعاتی (مهران مدیری) به خاطر لنز است یا دلیل دیگری دارد؟ اگر او مأموری احمق و زبان‌فهم است که سؤالات بی‌معنا می‌پرسد، چه‌طور اطلاعات طبقه‌بندی دقیقی از فیلم‌های ضبط‌شده‌ی گوشی مهرداد در اختیار دارد؟ و اگر او مأموری باهوش است،

در حال تماشای آن‌ها هستند! این پایان می‌خواهد خصوصی نبودن فضای مجازی را برساند یا چه؟!

فیلم‌نامه‌ای با چنین مشکلاتی می‌تواند قسمتی از سریالی ۹۰ قسمتی مثل پاورچین باشد، اما برای فیلم سینمایی، اتودی بیش نیست! آیا این فیلم‌نامه، واقعاً نوشته‌ی خود مدیری است یا فیلم‌نامه‌ی تغییر یافته‌ی خشایار الوند؟ بهتر نبود از مشورت چند نویسنده‌ی باتجربه استفاده می‌شد؟

جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی مدیری در «ساعت ۵ عصر» نیز - برخلاف آثار قبلی مدیری - خصوصاً دورهمی - بسیار سیاه و کدر است! هیچ کدام از طبقات اجتماعی موجود در رویدادهای فیلم، نرمال و مورد تأیید نیستند. برای مثال در سکانس بهشت زهرا، با سه نوع مردم مواجه هستیم: هنرمندانی که فهمی از مجلس عزادارند؛ مردمی که همچون بربرها به دنبال سلبریتی‌ها هستند و اقوام پیرمرد فوت‌شده که احمق‌وار به هم‌نگاه می‌کنند و وظیفه‌شان را انجام نمی‌دهند! همسر خارج‌رفته، جاسوس است؛ مأمور اطلاعاتی، گیج است؛ مسئول بانک، دروغگو است؛ ساکنین متمول ساختمان غیرمنطقی‌اند و... و حتی یگانه عاقله‌انسان فیلم‌های مدیری - یعنی سیامک انصاری - هم در این فیلم عاقل نیست و چنان که گفته شد، منفعل و گیج است! در چنین ملغمه‌ای که هیچ روزه‌ای از شعور - جز در مثنی فرسوده و از کار افتاده (= ساکنین خانه‌ی معتاد منگ) - یافت نمی‌شود، پس چه امیدی به رشد و تغییر است؟ و اساساً با چنین نگاهی به مردم، مخاطب اصلاح‌گری باقی می‌ماند که فیلم بخواهد نقد اجتماعی را برای او روایت کند؟ آیا به‌راستی نویسنده و کارگردان «ساعت ۵ عصر» همان مدیری دغدغه‌مندی است که در هر هفته دو شب تلاش می‌کند با مواجهه و گفت‌وگوی مستقیم با مردم، کاری کند که - به قول خودش - اتفاقات خوب برای مردم بیافتد؟!

غیر از فیلم‌نامه، کارگردانی نیز با مشکل روبروست. کارگردان نتوانسته سینما بیافریند. به نظر می‌رسد تجربه‌ی بلندمدت سالیان دراز مدیری در برنامه‌سازی در فضای بسته، قدرت کار در فضای باز را از او گرفته است. همکاری با یکی از بهترین تصویربردار سینمای ایران (محمود کلاری) نیز نتوانسته در این زمینه توفیقی برای او به ارمغان بیاورد. کارگردان اصرار دارد از نماهای باز فرار کند؛ حتی در صحنه‌های پرجمعیت هم نماهای باز مشاهده نمی‌کنیم؛ لذا سکانس‌های پرجمعیت نیز بی‌فروغ و کم‌مایه برداشت شده‌اند.

«ساعت ۵ عصر» در قدوقاره‌ی اثر سینمایی نیست. مدیری می‌توانست با پلاتوهای چند دقیقه‌ای‌اش در وسط فرازهای داستان این فیلم، یک قسمت کامل از برنامه‌ای آیمیتی مثل «شوخی کردم» بسازد. «ساعت ۵ عصر» تمام هنر مدیری در سینماست یا شوخی او با مخاطب است؟ مفاهیم انتقادی فیلم، در نهایت خلاصه‌ای از چند قسمت از استندآپ‌های دورهمی اوست؛ هر چند ساعت ۵ عصر به‌عنوان کار اول مدیری توانست رکوردهایی بشکند و احتمالاً به فروش نسبی خوبی دست پیدا کند، اما حتماً آینده‌ی سینمایی مدیری با این دست‌فرمان با چالش‌هایی جدی روبروست. ●



تنها با یک «مهر زدن» و بدون دریافت پول، کار او را راه می‌اندازد؟ این چه مهری است که مسئول باجه - و نه رئیس شعبه - می‌تواند بزند و کار او را بدون دریافت پول حل کند؟ مشکل او اساساً برای آمدن به بانک مهر زدن بود یا پرداخت قسط؟ چطور مسئول باجه می‌داند که بابت یک روز تأخیر در پرداخت قسط، اتفاقی نمی‌افتد، ولی رئیس شعبه نمی‌داند؟

۱۴. نریشین کلیپ‌هایی که مأمور اطلاعاتی به مهرداد نشان می‌دهد، صدای همسر او (مهناز) است. پس می‌توان نتیجه گرفت که همسر او جاسوس است؛ با این حال چرا مهرداد در پایان فیلم بر خوردی نمی‌کند و انگار اتفاقی نیفتاده و بی‌خیال جواب تلفن او را می‌دهد.

۱۵. پایان‌بندی فیلم بسیار مبهم و بی‌معناست! دوربین روی چهره مهناز در موبایل مهرداد زوم می‌شود و صدای هم‌همه می‌آید؛ انگار که جمعیتی

پس معنای سؤالات ابلهانه‌ی او از مهرداد چیست؟ مهم‌تر از همه چرا و چه‌طور او به صداقت مهرداد پی می‌برد و او را آزاد می‌کند در حالی که سندهای مهمی (فیلم‌برداری از بیمارستان و بهشت زهرا) در اختیار دارد؟ چه‌طور ممکن است کل مدت زمان دستگیری و بازجویی اطلاعاتی در دو-سه ساعت انجام شود؟!

۱۳. در یکی از فیلم‌های جاسوسی شده، صحنه‌ی بی‌فروغ دفن شوهر پیرزن را به‌عنوان دفن هنرمند معروف معرفی می‌کند. در چنین روزگاری که کوچکترین خبرها از روش‌های مختلف و توسط افراد مختلف در فضای مجازی مخابره می‌شود، چنین کلیپی چقدر ارزش خبری دارد و چه کسی آن را باور می‌کند؟ این نگاه نادرست به دلیل دوری مدیری از فضای مجازی و مناسبات حاکم بر آن نیست؟

۱۳. خانمی که مسئول یکی از باجه‌های بانک است،

معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی در برنامه «شهر فرنگ»: حوزه هنری فیلمی را تحریم نکرده است



روانشناسی دانشگاه تهران صحبت کردیم و با مطالعه سیستم رده‌بندی که در تمام جهان وجود دارد، قرار است یک نظام رده‌بندی طراحی شود که تا هفته آینده این نظام رده‌بندی سنی مدون خواهد شد.

داروغه‌زاده که به تازگی به عنوان دبیر جشنواره فیلم فجر معرفی شده است، درباره تغییرات جشنواره امسال گفت: دبیر جشنواره زیر نظر شورای سیاست‌گذاری جشنواره کار خواهد کرد و احتمالاً تا اوایل هفته آینده احکام شورای سیاست‌گذاری آماده می‌شود. چه بهتر که به این سمت برویم که جشنواره‌ها دچار تغییر نشوند و این یک نقطه ضعف است که هر سال بپرسیم جشنواره امسال نسبت به سال گذشته چه تغییری دارد. باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که ثباتی در برگزاری جشنواره ایجاد شود تا مخاطبان تکلیف‌شان با جشنواره مشخص باشد.

او ادامه داد: زمزمه‌ها و پیشنهادهایی شده که جوایز فنی حذف شوند و ما به این منظور با نمایندگان هر صنف جلسه خواهیم داشت و نظرشان را مبنی بر حذف یا ادامه آن جویا می‌شویم. هدف ما کمک به سینمای ایران است.

معاون ارزشیابی سازمان سینمایی همچنین درباره تغییرات احتمالی مدیران سینمایی با روی کار آمدن وزیر جدید فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: آن چیزی که من می‌دانم این است که هیچ تغییری در سازمان سینمایی انجام نمی‌شود اما برای شخص خودم باید بگویم که عادت کرده‌ام در فضای بی‌ثباتی کار بکنم و حتی اگر یک روز هم در سمتی هستم، برای آن برنامه داشته باشم. ■

نگرفته‌اند، توضیح داد: این کمیته قرار بود با همفکری کارگردان، تهیه‌کننده و مشورت اعضا، اصلاحات لازم را اعمال کنند و فیلم اصلاحی را در اختیار شورای پروانه نمایش قرار بدهند.

او ادامه داد: ۱۲ فیلم در این کمیته بررسی شد که پنج فیلم اصلاحاتش انجام شد و در اختیار شورای پروانه نمایش قرار گرفت. در نهایت این پنج فیلم توانستند مجوز بگیرند که اجازه دهید برای پرهیز از حاشیه‌سازی، نام‌شان را نگویم تا در آرامش روی پرده بروند. من از کارگردانان و تهیه‌کنندگان این فیلم‌ها به خاطر همراهی‌شان تشکر می‌کنم.

در ادامه برنامه، داروغه‌زاده درباره صحت گفته سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس که بیان کرده بود اکران فیلم‌های توقیفی در گرو موافقت مجلس است، گفت: این صحبت اصلاً نبوده است. این کمیته فقط مشورتی است و شورای پروانه نمایش است که طبق قانون می‌تواند مجوز را صادر کند. آنها نگرانی‌شان فقط این بوده که نکنند آن کمیته فرا قانونی است و همان می‌خواهد مجوزها را هم بدهد. پرسش بعدی مطرح شده در این برنامه، درباره تحریم تعدادی از فیلم‌ها توسط حوزه هنری بود که معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی پاسخ داد: طبق قانون، سینماها مختارند که فیلم‌های مورد نظر خود را انتخاب کنند و اگر حوزه هنری برخی فیلم‌ها را نمایش ندهد، نام تحریم نمی‌گیرد. بر اساس قوانین شورای صنفی، سینماها می‌توانند انتخاب کنند که چه فیلم‌هایی را اکران کنند.

او درباره رده‌بندی سنی فیلم‌ها در سینماها نیز گفت: این بحث جسته و گریخته وجود داشته است، اما برای مدون شدن این نظام با دو تن از استادان

ابراهیم داروغه‌زاده، معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی گفت: طبق قانون، سینماها مختارند که فیلم‌های مورد نظر خود را انتخاب کنند و اگر حوزه هنری برخی فیلم‌ها را نمایش ندهد، نام تحریم نمی‌گیرد.

به گزارش سوره سینما، ابراهیم داروغه‌زاده، معاون نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی و دبیر سی و ششمین جشنواره ملی فیلم فجر، با حضور در برنامه «شهر فرنگ» شبکه خبر سیما، در باره سرنوشت فیلم‌های توقیفی، عدم نمایش برخی آثار توسط حوزه هنری، روند صدور پروانه ساخت، تعامل با کمیسیون فرهنگی مجلس و ... سخن گفت.

داروغه‌زاده درباره صدور پروانه ساخت به آثار سینمایی توضیح داد: سیاست اصلی سازمان سینمایی و شورای پروانه ساخت این است که فیلم‌هایی که برای ساخت مجوز می‌گیرند، تنوع ژانر داشته باشند. در این میان فیلم‌های سرگرم‌کننده و کمدی بخش قابل توجهی از امکان نمایش را به دست خواهند آورد. فیلم‌های اجتماعی و دفاع مقدس و هم چنین ژانر کودک هم سهمی در نمایش دارند.

او با رد این ادعا که بسیاری از فیلم‌هایی که به مسائل روز جامعه می‌پردازند، برای پرهیز از مشکلات بعدی، پروانه ساخت نمی‌گیرند، پاسخ داد: ما در شورا این دستورالعمل را نداریم که مثلاً فیلم‌های اجتماعی را کمتر پروانه بدهیم، همان طور که گفتیم سعی می‌کنیم تنوع ژانری را داشته باشیم.

داروغه‌زاده با اشاره به تشکیل کمیته‌ای برای بازبینی مجدد فیلم‌هایی که مجوز نمایش

نگاهی به زندگی و آثار مجید انتظامی

ملودی‌های فراموش نشدنی

الناز نعمتی

در میان فیلم‌هایی که مجید انتظامی برای آنها موسیقی ساخته است، آثار دفاع مقدس و مذهبی جایگاه ویژه‌ای دارند. از میان این فیلم‌ها می‌توان به از کرخه تا راین، بوی پیراهن یوسف، روز واقعه و آژانس شیشه‌ای اشاره کرد که بارها در قالب یک اثر ارکسترال و با عنوان «این فصل را با من بخوان» از سوی ارکستر سمفونیک تهران با رهبری خود انتظامی اجرا شده است.

این آهنگساز همچنین با ساخت دو سمفونی حماسه خرمشهر و ایثار در حوزه موسیقی دفاع مقدس کار و آنها را ضبط و اجرا کرده است. سمفونی ایثار شامل چهار قطعه فراق، پرواز، حیات و ایثار است که قسمت چهارم آن بیش از دیگر بخش‌ها فرصت اجرای زنده پیدا کرده است. همراهی گروه کر و تک‌خوانی مرد (تنور) از ویژگی‌هایی است که این اثر از آن بهره می‌برد. همچنین در تصنیف سمفونی ایثار، همراهی پیانو، گیتار، گیتار باس، درام و دف با ارکستر سمفونیک بسیار دیدنی و شنیدنی است.

در سالهای اخیر انتظامی در حوزه ساخت موسیقی فیلم کم کار شده و بیشتر به سمت ساخت آثار مستقل و سمفونیک روی آورده است. این هنرمند در این رویه نیز مخاطب محور بودن را سرلوحه کار خود قرار داده و با ساخت آثار ملودیک مخاطبان را به سمت موسیقی دلنشین‌تر جذب کرده است. وی همواره کوشیده تا موسیقی که ارائه می‌دهد به گونه‌ای باشد که تازگی خود را برای شنونده حفظ کند و با یکی دوبار شنیدن بتوان آنها را به خاطر سپرد. شاید برای همین هم باشد که بسیاری از آثارش نزد مخاطبان صوت و ملودی خاطره انگیز دارد. انتظامی درباره ماندگار شدن ملودی‌های خاطره انگیزش گفته است: ماندگاری یک اثر هنری منوط به حس درونی خالق آن است که پشت آن اثر نهفته است که می‌تواند اثری را ماندگار کند. به عقیده من راز ماندگاری یک اثر هنری تکنیک صرف نیست و هنرمند است که با بیان احساسش از راه هنر، حسی را در مخاطبش ایجاد می‌کند که رمز ماندگاری آن اثر می‌شود. فراموش نکنیم که تکنیک آهنگسازی را می‌شود یاد داد اما احساس را، ابتدا. تکنیک نوازندگی هم یاد دادنی است اما ذوق آن چیزی است که باید در درون فرد وجود داشته باشد. هر آدمی حس و نگاه ویژه خود را به زندگی دارد و حس من نیز آن موقع مرا به این سمت می‌کشاند که برای فیلم‌های آن روز موسیقی ای بسازم که ماندگار شدند. ●

مجید انتظامی فرزند بازیگر بزرگ

سینمای ایران عزت الله انتظامی،

متولد ۱۸ اسفند ۱۳۲۶ در تهران آهنگساز

موسیقی فیلم، نوازنده ابوا و مدرس موسیقی

است. این هنرمند در دوره ابتدائی شروع به

فراگیری موسیقی کرد و یکسال پس از گرفتن دیپلم

هنرستان وارد ارکستر سمفونیک شد و زیر نظر «آنتوان

کاتلوس» ابوا آموخت. او سلفژ، تئوری و هارمونی را نزد «ثمین

باغچه بان» و «مصطفی کمال پورتراب» آموزش دید و نخستین

نت موسیقی را به کمک پورتراب نوشت. وی فارغ التحصیل کنسرواتوار

برلین است. اولین تجربه موسیقی تصویری اش با ساخت موسیقی فیلم

کوتاه «زال و سیمرغ» در سال ۱۳۵۶ بود و با فیلم «سفر سنگ» بطور حرفه

ای کار ساخت موسیقی فیلم را آغاز کرد. او نزدیک به ۱۰۰ موسیقی فیلم

و حدود ۱۰ موسیقی صحنه‌ای نوشته است و یکی از فعالترین آهنگسازان

موسیقی فیلم در پس از انقلاب می‌باشد.

انتظامی با کسب ۴ سیمرغ بلورین برای فیلم‌های «بای سیکل ران»، «روز

واقعه»، «آژانس شیشه‌ای» و «دیوانه‌ای از قفس پرید»، مشترکاً به همراه

حسین علیزاده برنده بیشترین سیمرغ بلورین در بخش بهترین موسیقی متن

از جشنواره فیلم فجر می‌باشد. وی همچنین از برگزیدگان هشتمین همایش

چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۹ است.

مخاطبان عام سینما شاید چندان در قید و بند شناخت عوامل فنی و پشت

صحنه آثار سینمایی و تلویزیونی نباشند اما بعید است کسی مجید انتظامی را

نشناسد و با شنیدن نام او به یاد ملودی‌های خاطره انگیز فیلم‌هایی مانند از

کرخه تا راین، بوی پیراهن یوسف و نیفتد. موسیقی فیلم «از کرخه تا راین» با

ملودی زیبا و آسمانی اش شاید جزو اولین موسیقی‌های فیلم بود که کاست

اش در ایران به فروش بسیار بالایی دست یافت و مخاطبان عام سینما هم به

خرید آن اقبال نشان دادند. موسیقی این فیلم تا مدتها در تاکسی‌ها، منازل

و برنامه‌های مختلف شنیده میشد و هنوز هم پس از گذشت سالها برای مردم

خاطره انگیز و به یاد ماندنی است.

مجید انتظامی افتخار موسیقی ایران

مجید انتظامی یکی از تاثیرگذارترین آهنگسازان حال حاضر کشور است که نزدیک به ۱۰۰ موسیقی فیلم و حدود ۱۰ موسیقی صحنه‌ای نوشته است، موسیقی فیلم‌های آژانس شیشه‌ای، روز واقعه، از کرخه تار این، ترن، دوئل، سردار جنگل، عقاب‌ها، مریم مقدس، کانی مانگا، بوی پیراهن یوسف و ده‌ها فیلم سینمایی دیگر، یا موسیقی سریال‌هایی مانند تنها ترین سردار، مردان آنجلس، شیخ بهایی و کلاه پهلوی، از جمله آثار اوست.

سازمان سینمایی حوزه هنری، به منظور پاسداشت کارنامه درخشان و غنی استاد انتظامی و حضور و جایگاه تاثیرگذار ایشان در عرصه موسیقی سینما بویژه، سینمای انقلاب و دفاع مقدس، مراسم بزرگداشتی برای استاد انتظامی طراحی کرد و این مراسم با حضور هنرمندان، سینماگران، مدیران فرهنگی و اهالی رسانه روز سه شنبه ۲۴ مرداد از سوی سازمان سینمایی حوزه هنری در تالار سوره برگزار شد.

در آستانه برگزاری این مراسم، سوره سینما نظرات چند تن از اساتید و هنرمندان صاحب‌نام حوزه موسیقی را در خصوص استاد انتظامی جویا شد که در ادامه می‌خوانید:

لوریس چکناواریان: مجید انتظامی از مفاخر موسیقی ایران است



لوریس چکناواریان گفت: مجید انتظامی از مفاخر موسیقی ایران است. لوریس چکناواریان با بیان این مطلب افزود: بی‌شک مجید انتظامی خدمات بزرگ و ارزنده‌ای برای سینمای ایران و حوزه موسیقی داشتند. وی ادامه داد: ایشان آهنگ‌های خوبی برای دفاع مقدس کار کردند که آهنگ‌های ماندگاری است. من ارادت دارم خدمت ایشان و چند بار هم در کنسرت‌های ایشان شرکت کردم. چکناواریان همچنین از برگزاری بزرگداشت برای این استاد موسیقی ابراز خوشحالی کرد.

کامبیز روشن‌روان: ملت ایران با آهنگ‌های مجید انتظامی خاطره دارند

آهنگساز برجسته سینمای ایران معتقد است: مجید انتظامی ساخته‌های بسیار ارزشمندی در زمینه دفاع مقدس دارد و به طور قطع ایشان یکی از چهره‌های اساسی و ماندگار موسیقی فیلم‌های سینمای ایران به حساب می‌آید. کامبیز روشن‌روان آهنگساز برجسته سینمای ایران در خصوص نقش و اهمیت مجید انتظامی و

ساخته‌هایش در سینمای ایران گفت: مجید انتظامی بیشترین آثار ماندگار را در زمینه موسیق فیلم برای سینمای ایران ساخت و یکی از چهره‌های برجسته کشور ماست و همه به وجودش می‌بالیم.



عضو هیات علمی دانشکده صداوسیما در ادامه گفت: جدای از اینکه مجید انتظامی آهنگساز پرکار و خوش سلیقه و تاثیرگذار هستند، ساخته‌های بسیار ارزشمندی در زمینه دفاع مقدس دارد و به طور قطع ایشان یکی از چهره‌های اساسی و ماندگار موسیقی فیلم‌های سینمای ایران به حساب می‌آید و همچنین آثار دراماتیکی هم خلق کردند. روشن‌روان ادامه داد: آهنگ‌هایی که مجید انتظامی برای فیلم‌ها و سریال‌ها ساخته بیشتر جذاب و در خاطره ملت ایران خواهد ماند و به این راحتی پاک نمی‌شود.

سید محسن هاشمی: موسیقی مجید انتظامی به جاودانه شدن تصاویر فیلم‌ها کمک کرده است

استاد دانشکده سینما و تئاتر و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر تهران معتقد است: بیش از آن که تصویر فیلم‌هایی نظیر «از کرخه تار این» به ماندگاری موسیقی‌های ساخته شده توسط مجید انتظامی کمک کرده باشد، موسیقی مجید انتظامی به جاودانه شدن تصاویر این فیلم‌ها یاری رسانده است. محسن هاشمی استاد دانشکده سینما و تئاتر

و عضو هیئت علمی دانشگاه هنر تهران در مورد اهمیت جایگاه مجید انتظامی بیان کرد: برای توصیف آدم‌ها لازم است که با آنها چند صبحی زندگی کرد؛ اما در مورد مجید انتظامی بحث کاملاً



متفاوت است. جروم دیوید سالینجر یا جی. دی. سالینجر نویسنده‌ای است که تاثیر عمیقی بر زندگی من داشته است، او در کتاب «نااتور دشت» می‌نویسد بعضی هنرمندان هستند که ما باید به آنها زنگ بزنیم. زنگ زدن نه به این معنا که حالشان را جویا شویم، بلکه به این معنی که در محضرشان باشیم. این استاد دانشگاه ادامه داد: من تاکنون با مجید انتظامی هیچ برخوردی نداشته‌ام اما همواره مخاطب موسیقی‌هایی که ساخته بوده هستم و بسیار تمایل دارم در محضرش باشم. این در حالی است که معتقدم به یکسری از هنرمندان نباید نزدیک شد؛ بلکه تنها باید از هنرشان بهره برد اما مجید انتظامی از آن دست هنرمندانی است که باید در محضرش بود.

وی گفت: به اعتقاد من موسیقی‌های مجید انتظامی به جاودانه شدن تصویر فیلم‌هایی نظیر «از کرخه تار این» کمک می‌کند تا اینکه تصاویر این فیلم‌ها به ماندگاری موسیقی کمک کند.

هاشمی همچنین به مستند ساخته شده در مورد مجید انتظامی توسط امیر صادق محمدی اشاره کرد و گفت: دیدن این فیلم یک جور حس دوستی، مهر و محبت نسبت به آقای انتظامی در من بوجود

آورد. راستش را بخواهید از دیدن فیلم سر ذوق آدم و تماشای آن تا به انتها برابم دوست داشتی بود. مجید انتظامی از آن دست هنرمندانی است که نه ادای اضافی دارد و نه ریاکاری در کارهایش دیده می‌شود، انتظامی هر آنچه که هست هست؛ به همین دلیل کارگردان هم صادقانه درباره او فیلم می‌سازد. وی با اشاره به اینکه ساختن چنین فیلم مستندی ساده نیست گفت: ما در دورانی هستیم که به جای تقدیر از بزرگان معمولاً به آنها توهین می‌شود اما این فیلم به خوبی ارادت خود را به این استاد موسیقی ثابت می‌کند. آن دست بوسی که مجید انتظامی نسبت به پدرش دارد در فیلم نیز دیده می‌شود و اینکه این ارادت به فرزندانش، گزنوش و سروش منتقل شده است. فیلم به روابط عاشقانه میان مجید انتظامی و همسرش نیز می‌پردازد. به هر جهت «آبویست» یک فیلم انسانی است و جامعه به فیلم‌های انسانی نیاز دارد.

محمدرضا شرف‌الدین : مجید انتظامی

به موسیقی با تفکر دینی مشروعت بخشید
شرف‌الدین معتقد است: مجید انتظامی در فراگیر شدن موسیقی مباح بسیار موثر بود و توانست راهی

توانست راهی را در انقلاب اسلامی برای موسیقی باز کند و موسیقی مباح را به عرصه اجتماعی بیاورد و این خدمت بزرگی بود؛ والا موسیقی به عنوان یک هنر تاثیر گذار در تفکر دینی همچنان مهجور واقع می‌شد به خصوص با آثاری که برای فیلم‌های ماندگار سینما و مناسبت‌های ملی ساخت.

این تهیه‌کننده به صحبت‌هایش افزود: سمفونی ماندگار «خرمشهر» وی نه تنها به لحاظ اینکه خرمشهر نماد مقاومت ملی ما برای همیشه در تاریخ جاودانه خواهد بود بلکه به لحاظ هارمونی و تاثیرات مستقیم روحی موسیقی که موجب غرور ملی خواهد شد از ماندگارترین آثار موسیقایی ایران خواهد بود. شرف‌الدین گفت: با افتخار بر دستان این هنرمند ارزشمند بوسه می‌زنم که در تمام آثارش به غرور ملی، هیجانات سالم و تاثیرات مثبت بر مخاطب خود می‌اندیشد و ما تفاوت موسیقی‌های مبتذل و غیر شرعی را با آثار فاخر و سالم و مخصوصاً شرعی در آثار این هنرمند برجسته کشف کرده‌ایم؛ از خداوند متعال برایش عزت و طول عمر و سلامتی خواستارم.

کیوان کیارس:

مجید انتظامی ما به فخر سینمای ایران است
کیوان کیارس آهنگساز و نوازنده معتقد است:



مجید انتظامی شخصیت والایی دارد و باعث افتخار سینمای ایران است.

کیوان کیارس آهنگساز و نوازنده در مورد اهمیت جایگاه ساخته‌های مجید انتظامی گفت: طی این سالها شانس همکاری با مجید انتظامی را نداشتم اما بی‌شک ایشان یکی از بهترین آهنگسازهای سینمای ایران و باعث افتخار همه اهالی سینما هستند.

وی با اشاره به آهنگ‌های ساخته شده توسط این هنرمند گفت: اوائل دهه هشتاد برای افتتاحیه جشنواره فیلم فجر کلیپی توسط مرحوم رسام و بیژن بیرنگ ساخته شد با قطعه‌ای توسط من و آقای عصار به عنوان خواننده با ما همکاری داشت. نکته مهم تصاویر این کلیپ بود که برگرفته از تصاویر فیلم «روز واقعه» بود و تنها نقطه مشترک همکاری من با آقای انتظامی این کلیپ بود که برایم ارزشمند است. کیارس به صحبت‌هایش افزود: بی‌شک آقای مجید انتظامی ما به فخر سینمای ایران هستند، خانواده هنرمند و شریف وی همینطور خودشان که انسان بسیار والایی هستند به هر صورت ایشان را تحسین می‌کنم. ۱۵



را در انقلاب اسلامی برای موسیقی باز کند و موسیقی مباح را به عرصه اجتماعی بیاورد.

محمدرضا شرف‌الدین رئیس سابق انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس در مورد نقش و اهمیت جایگاه مجید انتظامی در حوزه موسیقی و سینمای ایران گفت: مجید انتظامی بزرگتر و خیلی بیشتر از یک موسیقیدان یا موزیسین در فرهنگ و هنر و موسیقی ملی ما نقش داشته و دارد و مهتر از همه شخصیت برجسته ایشان است که نمونه ایشان را ما در عرصه موسیقی کم داریم.

وی ادامه داد: از نظر جایگاه خانوادگی و شخصیت فردی بی‌تردید هم خودشان و هم پدر بزرگوارشان در تاریخ فرهنگ و هنر این کشور ماندگار خواهند بود و دوبار تاکید می‌کنم خصوصاً اینکه در حوزه موسیقی ما چنین شخصیتی کم داریم.

شرف‌الدین ادامه داد: مجید انتظامی یکی از کسانی است که در مشروعت بخشیدن و در واقع مقبولیت بخشیدن موسیقی در ایران موثر بود و توانست تفکیک درست و صحیح حتی شرعی بین موسیقی سالم و مباح با انواع گونه‌های دیگر موسیقی شکل غنایی و حرام ایجاد کند؛ همینطور شخصیت ایشان در فراگیر شدن موسیقی مباح بسیار موثر بود و



به بهانه بزرگداشت استاد مجید انتظامی؛

حافظه شنیداری ایران مدیون موسیقی‌های انتظامی است



بودند و دیگری اثری بود به نام «آرام‌تر از دریا» که یک اثر موسیقی بی کلام بود و بسیار شنیدنی. این دو اثر به تنهایی از جمله آثاری بودند که در دهه هفتاد توانستند در کنار آثار خارجی در حوزه موسیقی کلاسیک و تلفیقی، خلاء نبود آثار فاخر بی کلام را در روزگاری که شنیدن موسیقی همچون امروز امری راحت و در دسترس نبود، کمرنگ کنند. ممکن است عامه مردم و شنوندگان آثار مجید انتظامی او را تنها به واسطه موسیقی‌های ماندگاری که برای سینما نوشته است به یاد بیاورند، اما حقیقت امر این است که او لطفی به مراتب بالاتر از این حرف‌ها به نسل من کرده است. او ما را به رشته گمشده موسیقی کلاسیک بالحنی ایرانی وصل کرد. وصل ما با او درست است که از طریق موسیقی فیلم‌هایش اتفاق افتاد اما هرگز محدود به این نشد. او طفل گریز پای گوش‌های ما را با خود به سرزمین آواهای کلاسیک برد و آنچه که در چننه داشت را به ما آموخت.

برای این نوازنده و آهنگساز قدر که به گردن نسل ما و نسل‌های بعد از ما حق دارد، باید نه تنها آرزوی سلامتی که آرزوی ساخت آثار جدید و کارهای بیشتر کرد. ❀

آثار شنیدنی‌ای چون سمفونی «ایثار» و سمفونی «خرم‌شهر» از جمله این‌ها هستند. علاوه بر این آنهایی که او را تخصصی‌تر دنبال کرده اند می‌دانند که او به واسطه نوازندگی ساز «ابوا» با موسیقی عجیب شده است. او سالها در آلمان به تحصیل این ساز دشوار موسیقی کلاسیک پرداخته و در شرایطی سخت آن را فرا گرفته است. خود و همسرش آذر نوش صدرسالك نوازنده توانای چنگ از نوازندگان خوب ارکستر سمفونیک تهران بوده اند، ارکستری که بارها انتظامی چوب رهبری را برای آن بالا گرفته است و سمفونی‌هایش را با آن اجرا کرده است.

خاطر من هست وقتی نوجوان بودم و همه موسیقی‌ها روی نوارهای کاست منتشر می‌شد و خوشبختانه نشر موسیقی‌ای بود به نام «نی داوود» که ارادات ویژه داشت به آثار آقای انتظامی، لحظه شماری می‌کردم که «روز واقعه»، «بوی پیراهن یوسف» و خیلی کارهای دیگر منتشر شود. اتفاقاً در همان سال‌ها و روزها، دو آلبوم منتشر شد یکی با نام «قطعاتی برای پیانو و ارکستر» که مرحوم آرزومانیان در آن پیانوی بسیار شیرینی نواخته بودند و خود آقای انتظامی هم در آن ابوا زده

او مجید انتظامی است؛ خالق موسیقی‌هایی چون «از کرخه تا راین» و «آژانس شیشه‌ای» که در حافظه شنیداری ملتی ماندگار شده و تنها با شنیدن یک نت، می‌توان تشخیص داد که هویت این موسیقی چیست. سمیه قاضی زاده: آنهایی که دلشان برای موسیقی به خصوص موسیقی فیلم تپیده باشد، محال ممکن است که با موسیقی‌های مجید انتظامی زندگی نکرده باشند، از آنها خاطره نداشته باشند و بارها و بارها آنها را با سوت زمزمه نکرده باشند. مجید انتظامی و رای تمامی جوایزی که گرفته، و رای نام خانوادگی و شهرت پدرش، با قطعات ماندگاری که طی سال‌های فعالیتش در حوزه موسیقی ساخته برای خودش شخصیت مستقل و مقتدری ساخته که نمی‌توان به چیزی جز آنچه که او برایش سال‌ها زحمت کشیده اشاره کرد. او مجید انتظامی است؛ خالق موسیقی‌هایی چون «از کرخه تا راین» و «آژانس شیشه‌ای» که در حافظه شنیداری ملتی ماندگار شده و تنها با شنیدن یک نت، می‌توان تشخیص داد که هویت این موسیقی چیست. به جز موسیقی فیلم که شهرت مجید انتظامی بابت آن است، او سال‌هاست که سمفونی می‌نویسد و

خالق سمفونی‌های حماسی سرزمین مادری

روزنامه «صبح نو» گفت و گو اختصاصی خود با استاد مجید انتظامی را به بهانه برگزاری مراسم تجلیل این استاد در روز برگزاری مراسم منتشر کرد که در زیر می‌خوانید:

با بیان اینکه موسیقی یکی از اصلی‌ترین کارهای زندگی من است ادامه می‌دهد: وقتی کارگردانی با این هزینه‌های سنگین فیلمی می‌سازد و به مجید انتظامی اطمینان می‌کند من هم سعی می‌کنم که مجید انتظامی روسفید از این کار بیرون بیاید. گاهی فیلم کمی ضعیف بوده و حسی را که باید می‌گرفتم نگرفتم اما من همان فیلم را در تخیل خودم به نحوی که دوست دارم می‌بینم و تم‌هایی را که می‌خواهم از آن بیرون می‌کشم.

وی درباره راز ماندگاری آثارش می‌گوید: موسیقی را الحظه‌ای نمی‌بینم که مخاطب بخواهد یک یا دوبار گوش کند و بعد به کناری بگذارد و سراغ موسیقی دیگری برود. موسیقی خوب، آن است که سال‌ها گوش کنی و از آن سیر نشوی مثلاً موسیقی از کرخه تا راین و بایسکل‌ران متعلق به دو یا سه دهه قبل است و زنده هستند برای اینکه گذار به این موسیقی‌ها نگاه کردم و جوان‌تر هم بودم. جسارت بیشتری داشتم. الان با ملاحظه بیشتری کار می‌کنم و ترسم بیشتر شده است. تلاش زیادی کردم که موسیقی‌ها یک‌بار مصرف نباشد. موسیقی‌های بزرگ دنیا هستند که برخی فیلم‌های بزرگ را زنده نگه داشته‌اند. در گوشی پمردم، موسیقی فیلم‌ها وجود دارد و شنیده می‌شود نه خود فیلم‌ها.

انتظامی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه کدام یک از آثار خودتان را بیشتر گوش می‌دهید گفت: بستگی به حالت روحی خودم دارد زیرا موسیقی‌ها هر کدام حال و هوای خاص خودش را دارد. اگر افسرده باشم موسیقی‌های غمگین و غیر ریتمیک می‌شنوم و اگر شاد باشم موسیقی‌های ریتمیک گوش می‌دهم و در مجموع کمتر موسیقی به جز کارهای خودم را می‌شنوم نه به خاطر اینکه بگویم خیلی مهم هستند زیرا در دل هستند و بیشتر از آنها لذت می‌برم.

در پایان درباره انتخاب موسیقی متن فیلمی در سال‌های اخیر که مورد توجهش قرار گرفته است گفت: موسیقی متن فیلم‌هایی که در داخل ایران ساخته می‌شود به دلیل اینکه نوع فیلم‌ها عوض شده است و تهیه‌کننده سعی می‌کند کم هزینه آن را جمع کند و زمانی سراغ موسیقی می‌آیند که پول‌ها تمام شده و سراغ کسانی می‌روند که با دستگاه کار می‌کنند. فیلم‌ها در سال‌های اخیر عمق کمتری دارند و عوامل آن مثل موسیقی نیز سطحی شده‌اند.

«عروس افغان» و «من ترانه ۱۵ سال دارم» نامزد دریافت تندیس زرین شده است.

انتظامی همچنین سمفونی‌های «ایثار»، «انقلاب اسلامی»، «خرمشهر»، «صلح» و «مقاومت» را نیز ساخته است و سوئیت سمفونی «این فصل را با من بخوان» را در تالار وحدت اجرا کرد.

کم حرف و دقیق

استاد مجید انتظامی در گفت و گو با «صبح نو» با تشکر از هنرمندانی که در روزهای اخیر از وی و آثارش تعریف و تمجید کرده‌اند درباره راز ماندگاری آثارش در ۴۰ سال اخیر گفت: آهنگ‌هایم را بیشتر برای خودم می‌سازم و آدمی هستم که کم حرف می‌زنم و حتی در تلویزیون و رادیو هم حضوری نداشتم. چیزی برای گفتن ندارم زیرا حرف‌هایم را در موسیقی‌هایم می‌زنم. بعضی اوقات درد دل‌های من یا درد دل‌های مردم یکسان و هماهنگ می‌شود و مردم درد دل‌های خودشان را در آهنگ‌های من پیدا می‌کنند و به آنها گوش می‌دهند و دوستان دارند. تمام تلاش من این است که کاری که انجام می‌دهم درست باشد.

وی در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه چقدر از دنیای موسیقی ساخته شده، متأثر از فیلم است و چقدر متأثر از دنیای آهنگساز؟ گفت: تم‌ها از داخل فیلم بیرون می‌آید اما اینکه از چه سازهایی استفاده شود یا چه هارمونی استفاده کنیم جایی است که من می‌گویم برای دلم موسیقی می‌سازم. موسیقی از فیلم بیرون می‌آید و من آن‌قدر روی آن کار می‌کنم که خودم را تحت تأثیر قرار دهد. موسیقی که خود مرا تحت تأثیر قرار ندهد موسیقی موفق نخواهد شد. کارهای زیادی روی اثر صورت می‌گیرد آدم‌های مختلفی این موسیقی را می‌شنوند و عکس‌العمل و نوع اثرگذاری آن را ارزیابی می‌کنم و کار مدام تغییر می‌کند تا به دیدگاه خودم نزدیک شود و زمانی که آن را می‌شنوم لذت ببرم و مرا به پرواز وادار و به آرامش دعوت کند. زمانی که موسیقی می‌شنوم کار دیگری انجام دهم. انتظا می

مجید انتظامی متولد اسفند ۱۳۲۶ تهران و نوازنده «ابوا» و مدرس موسیقی است. وی به توصیه پدرش استاد عزت الله انتظامی وارد حوزه موسیقی می‌شود. در آلمان از اساتیدی مانند «کارل اشتاین» موسیقی را یاد می‌گیرد و با ارکسترهای زیادی همچون ارکستر سمفونیک برلین و ارکستر فیلارمونیک آلمان همکاری می‌کند. انتظامی از برگزیدگان هشتمین همایش چهره‌های ماندگار در سال ۱۳۸۹ است و در سال ۱۳۹۳ به عنوان جهادگر عرصه فرهنگ و هنر نشان افتخار دریافت کرده است.

افتخارات استاد

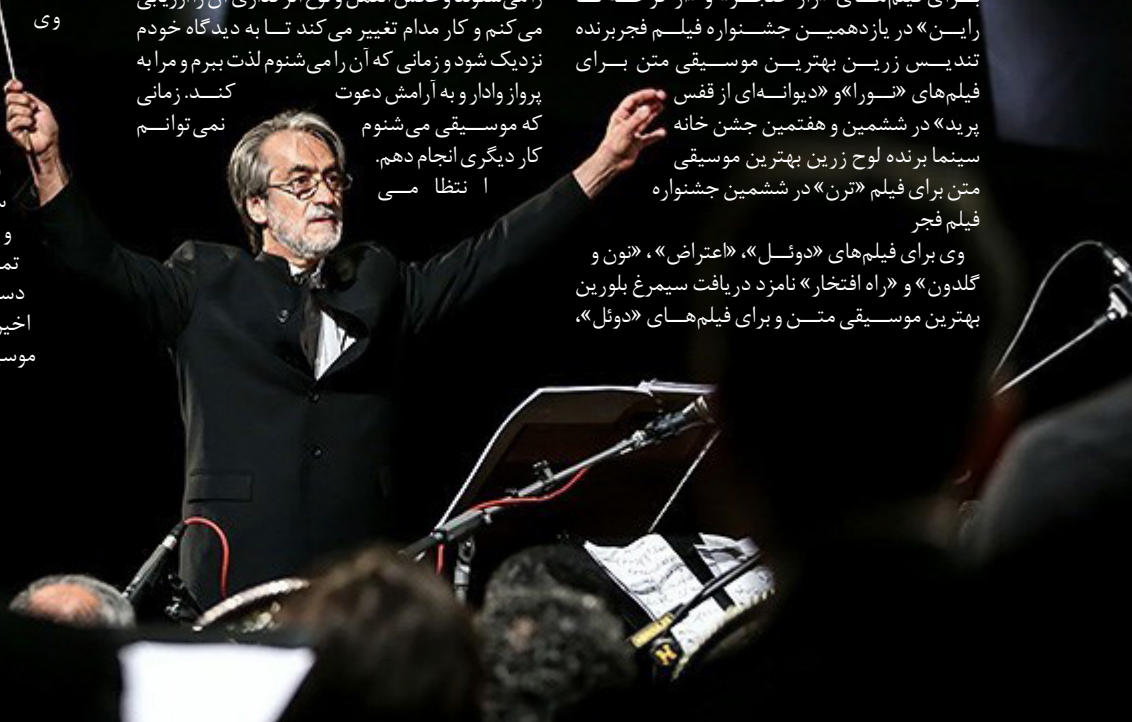
نخستین تجربه موسیقی استاد انتظامی موسیقی فیلم کوتاه «زال و سیمرغ» در سال ۱۳۵۶ بوده و با ساخت موسیقی فیلم «سفر سنگ» به‌طور حرفه‌ای کار ساخت موسیقی فیلم را آغاز کرده است. وی نزدیک به ۱۰۰ موسیقی فیلم و سریال و حدود ۱۰ موسیقی صحنه‌ای نوشته است.

استاد مجید انتظامی با دریافت ۴ سیمرغ بلورین برای فیلم‌های «بای سیکل ران»، «روز واقعه»، «آژانس شیشه‌ای» و «دیوانه‌ای از قفس پرید» مشترکاً به همراه استاد حسین علیزاده و آقای محمدرضا علیقلی برنده بیشترین سیمرغ بلورین در بخش بهترین موسیقی متن جشنواره فیلم فجر است. نکته جالب در کارنامه هنری وی، عدم اهدای سیمرغ به موسیقی فیلم‌های «ترن» و «از کرخه تا راین» از طرف هیأت داوران بوده است.

افتخارات دیگر

برنده دیپلم افتخار بهترین موسیقی متن برای فیلم‌های «راز خنجر» و «از کرخه تا راین» در یازدهمین جشنواره فیلم فجر برنده تندیس زرین بهترین موسیقی متن برای فیلم‌های «تورا» و «دیوانه‌ای از قفس پرید» در ششمین و هفتمین جشن خانه سینما برنده لوح زرین بهترین موسیقی متن برای فیلم «ترن» در ششمین جشنواره فیلم فجر

وی برای فیلم‌های «دوئل»، «اعتراض»، «تون و گلدون» و «راه افتخار» نامزد دریافت سیمرغ بلورین بهترین موسیقی متن و برای فیلم‌های «دوئل»،





استادی که آقازادگی نکرد

در این صفحه گفت‌وگوی «وطن امروز» با امیر صادق محمدی، کارگردان مستند استاد مجید انتظامی را می‌خوانید که در روز برگزاری مراسم بزرگداشت این استاد منتشر شد



فارغ‌التحصیل کنسرواتوار برلین است. انتظامی در آلمان نزد اساتیدی چون «کارل اشتاین» تحصیل موسیقی را ادامه می‌دهد و با ارکسترهای زیادی همچون ارکستر سمفونیک برلین و ارکستر فیلارمونیک آلمان همکاری می‌کند. سال ۱۳۵۳ پس از بازگشت به ایران در ارکستر سمفونیک تهران استخدام شده و تدریس در دانشگاه تهران و هنرستان عالی موسیقی را از همین سال آغاز می‌کند و قطعاتی را نیز برای کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌سازد. نخستین تجربه موسیقی تصویری‌اش با ساخت موسیقی فیلم کوتاه «زال و سیمرغ» در سال ۱۳۵۶ بود و با ساخت موسیقی فیلم «سفر سنگ» به‌طور حرفه‌ای کار ساخت موسیقی فیلم را آغاز کرد. او تاکنون بیش از ۸۰ موسیقی فیلم نوشته است و از پرکارترین آهنگسازان سینمای ایران به شمار می‌آید. از آثار دیگرش حدود ۱۰ موسیقی صحنه‌ای است که در اجرای بعضی از آنها به عنوان نوازنده حضور داشته است. او در دانشکده موسیقی دانشگاه هنر نیز به تدریس پرداخته و داوری بیست و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر را نیز عهده‌دار بوده است. همسر وی، آذرنوش صدر سالک نوازنده چنگ، پیانو و مدرس موسیقی است. امروز اهالی هنر و سینما برای استاد انتظامی آیین بزرگداشتی برگزار می‌کنند که در آن از مستند «ابوابست» ساخته امیر صادق محمدی نیز رونمایی می‌شود. این مستند پرتره، به زندگی و فعالیت‌های استاد انتظامی می‌پردازد به همین مناسبت گفت‌وگویی با امیر صادق محمدی، کارگردان این مستند داشته‌ایم که در ادامه می‌خوانید:

محسن شه میرزادی: «اژانس شیشه‌ای»، «روز واقعه»، «از کرخه تا راین»، «ترن»، «دوئل»، «سردار جنگل»، «عقاب‌ها»، «مریم مقدس»، «کانی مانگا»، «بوی پیراهن یوسف»، «حمله به آچ ۳»، «تنهاترین سردار»، «مردان آنجلس»، «شیخ بهایی»، «کلاه پهلوی» و...؛ ممکن است که قصه برخی از این فیلم‌ها در خاطر تان نمانده باشد و شاید شخصیت‌های‌شان در ذهن تان کمرنگ و بعضاً محو شده باشند اما بی‌شک موسیقی متن عمده‌ای از این آثار خاطره مشترک اکثر ایرانی‌هاست. آثاری که موسیقی متن‌شان همگی مخلوق استاد مجید انتظامی هستند. استاد مجید انتظامی تحول‌آفرین موسیقی متن سینما در ایران، از جمله هنرمندان و هنرانداستانی است که برای بر جسته کردن خود نیازی به دست‌اندازی ارزش‌ها و هنجارها نداشت و برعکس، آثارش نسبت مستقیمی با ارزش‌های ایرانی و اسلامی دارد به گونه‌ای که بخش زیادی از جامعه با مردان آنجلس به اعجاز خدا در دل تاریخ سفر می‌کنند و با حمله به آچ ۳ دفاع مقدس را در برابر خود می‌بینند و بوی پیراهن یوسفش آزادگان را به میهن بازمی‌گرداند و اژانس شیشه‌ای، خبر از غربت حاج کاظم‌ها می‌دهد. وی همچنین سمفونی‌های «ایشیار»، «انقلاب اسلامی»، «مقاومت»، «خرمشهر»، «این فصل را با من بخوان» و «صلح» را نیز روی صحنه برده است. استاد مجید انتظامی متولد ۱۸ اسفند ۱۳۲۶ در تهران است. وی با راهنمایی‌های پدرش، عزت‌الله انتظامی همراه با ۲ برادر خود به تحصیل موسیقی پرداخت. انتظامی تحصیلات موسیقی را در کنسرواتوار تهران آغاز و سپس برای معالجه بیماری کلیه و ادامه تحصیل به آلمان سفر می‌کند. وی

«ابوایست» نام میهمی برای مخاطبان است، درباره اسم مستند توضیح می‌دهید؟

نام مستند ابوایست به خاطر ساز «ابوا» انتخاب شد. ابوا ساز اختصاصی استاد مجید انتظامی است و مانند نوازنده پیانو که به آن پیانیست می‌گویند، به نوازنده ابوا هم ابوایست گفته می‌شود. ابوا یک ساز بادی است که چند ویژگی منحصر به فرد دارد. اول اینکه در نواختن بسیار دشوار است و ریشه آن در ساز سرنای ایرانی است. نکته دیگر آنکه چون نوازنده این ساز در مرکز ارکستر نشسته و سایر نوازندگان سازشان را به کمک صدای آن کوک می‌کنند، به همین جهت ساز بسیار مهمی محسوب می‌شود. ما از این ویژگی‌ها در نوشتن فیلمنامه استفاده کردیم و در نهایت نام مستند نیز «ابوایست» انتخاب شد.

چه شد که سراغ پرتره استاد انتظامی رفتید؟

مدتی پیش دوره آموزشی موسیقی متن فیلم را با استاد انتظامی گذراندم. در همان جلسات دیدم ما با دریایی از آثار فاخر و ماندگار مواجهیم که ایشان خالقشان بوده‌اند. همچنین این نکته توجهم را جلب کرد که آثار استاد انتظامی همواره در ذهن و یاد مخاطبان است در حالی که کمتر از خود استاد یاد می‌کنیم. از سوی دیگر ایشان شخصیت بسیار جالبی دارند که در همان جلسات اول من را درگیر خود کرد. اگر چه ما به واسطه حضور در فضای سینما و مستند با استاد انتظامی آشنایی داشتیم اما وقتی این آشنایی نزدیک‌تر شد، فهمیدم ابعاد بسیار زیادی از شخصیت این استاد مغفول واقع شده است. این شخصیت و آثارشان آنچنان وسیع هستند که بخش بزرگی از آن همواره از توجه اهالی هنر و عامه مردم به دور بوده است. من به جد اعتقاد دارم استاد انتظامی در حوزه موسیقی دین بزرگی به گردن سینمای پس از انقلاب دارد.

یکی از دشواری‌های بزرگ مستندسازان، مقاومت سوژه‌ها برای پرداختن به آنهاست. مستند ساختن از شخصیتی مثل استاد انتظامی سخت نبود؟

سخت کلمه بسیار آسانی برای دشواری‌هایی است که در این راه کشیدم. نمی‌گویم آدم صبوری هستم ولی استاد برای تولید مستندی پیرامون خودش به شدت مقاومت می‌ورزیدند. همین الان هم به نظرم نقص‌هایی در کار هست و خیلی دوست دارم بیشتر وارد زندگی استاد انتظامی شوم، اما خب نتوانستم. هر چند شاید این مستند مورد قبول بسیاری از عزیزان قرار گرفته باشد، ولی خود بنده دوست داشتم این کار خیلی جلوتر برود. اما مقاومت ایشان در اینکه بخواهیم وارد زندگی ایشان شویم بسیار شدید بود. من از سال ۹۱ کار را شروع کردم و یکی از دلایلی که تولید این اثر بسیار طول کشید مقاومت شدید ایشان بود. اگر نبود همکاری و لطف دختر استاد، خام‌گلویش انتظامی که در جاهایی استاد و همسرشان را راضی به ادامه تولید مستند می‌کردند، بدون شک این اتفاق نمی‌افتاد.

فیلمنامه مستندهای پرتره دارای سیر روایی هست ولی قصه برای رسیدن به یک جمله یا یک هدف است، شما چه چیزی را می‌خواستید نشان دهید؟

نکته اساسی که در مستند مطرح شده؛ نخست معرفی ایشان و آثارشان است. نکته بعدی آنکه ما دشواری‌های ابتدای زندگی ایشان را نشان می‌دهیم که چگونه توانست به آلمان برود و در حالی که هر کسی در جایگاه ایشان می‌توانست زندگی مرفه و قابل قبولی در کشورهای خارجی داشته باشد و موفقیت‌های بسیاری در عرصه موسیقی جهانی رقم بزند اما ایشان به تهران بازگشتند. استاد زندگی آقازادگی نداشتند و من یک جاهایی اجازه ورود و پرداختن به برخی مسائل را نداشتم اما بدانید که ایشان با تحمل سختی بسیار رشد کردند و به موفقیت رسیدند. همین بازگشت ایشان به ایران نیز مساله بسیار مهمی است. استاد ذاتا انسان وطن‌دوستی هستند و این موضوع باعث شد به ایران بازگردند و کار کنند. ایشان جایگاه بزرگی در عرصه موسیقی جهان داشتند و دارند و به آسانی می‌توانستند فعالیت‌شان را معطوف به خارج از ایران کنند که در این صورت بدون شک از شهرت و سرمایه چندبرابری برخوردار می‌شدند و در آلمان یا ترییش زندگی مرفهی برای خود رقم می‌زدند، اما به رغم برخی بدرفتاری‌ها و بدقولی‌های نهادها و سازمان‌های مربوط و کم‌لطفی برخی مسؤولان و رسانه‌ها، ایشان هنوز در ایران هستند و کار می‌کنند.

طبیعتا شما در طول ساخت مستند آشنایی بیشتری نسبت به استاد پیدا کرده‌اید، برای تان کدام بعد از شخصیت ایشان جذاب‌تر است؟

به نظر من درونگرایی استاد انتظامی یکی از جذاب‌ترین ویژگی‌های ایشان است. ویژگی‌ای که شاید در این مستند از آن استفاده چندانی نکردم، اما به نظر من استاد انتظامی فردی درونگراست و مسائل بسیاری را درون خودش می‌ریزد. نوازندگان بین خودش یک قانون نانوشته دارند و مشهور است که هر نوازنده‌ای شبیه ساز خودش می‌شود و خصوصیات آن را به خود می‌گیرد. گاهی با هم شوخی می‌کنند که مثلا کسی که ساز «ترومپت» می‌زند تپل می‌شود و... من رسوم استاد ابوایست‌ها آدم‌های درونگرایی هستند که با غصه و غم عجین شده‌اند.

از ویژگی‌های بارز استاد انتظامی این است که طیف‌های فرهنگی مختلف، همواره نگاه مثبتی به ایشان داشتند، این علاقه فراگیر از کجانشات می‌گیرد؟

البته به نظرم متخصصان امر باید پاسخگوی این مساله باشند، اما آن چیزی که من استنباط می‌کنم این است که موسیقی ایرانی در سال‌های اخیر تضعیف شده است و گمان می‌کنم در این میان برخی افراد سدشکنی کرده و شروع به تولید موسیقی صحیح و ارزشی می‌کنند. استاد انتظامی از جمله برجسته‌ترین آنهاست. موسیقی صحیح و ارزشی که می‌گویم نه فقط به معنای ارجاع به یک مفهوم ارزشی است بلکه به معنای واقعی کلمه فاخر است. یعنی هم از لحاظ فنی در حد اعلا و هم متناسب با فرهنگ ایرانی ما و ارزش‌هایی است که برای ما تقدس دارند. این باعث شد که این موسیقی جان بگیرد و به فضای هنری غنا ببخشد؛ چیزی که دوباره در حال از دست دادن آن هستیم و می‌بینید افرادی در حال برجسته شدن هستند که از لحاظ موسیقایی و محتوا

و مفهوم در رده‌های بسیار پایینی قرار دارند. این هم از کم‌لطفی مسؤولان است که از موسیقی فاخر غافل شده‌اند و موسیقی‌های مبتذل هر روز فراگیرتر می‌شوند. گمان می‌کنم پیشتازی استاد انتظامی در سینما، باعث شد ایشان قوت بسیاری در این حیطه پیدا کنند و افراد بسیار زیادی خواستار کار با ایشان باشند. شما ببینید از موسیقی «از کرخه تا راین» و «ژانس شیشه‌ای» و «حمله به آچ ۳» تا موسیقی فیلم «اعتراض» مسعود کیمیایی همگی آثار استاد انتظامی هستند که عمدتا هم ماندگار شده‌اند. حضور ابراهیم حاتمی‌کیا، شهریار بحرانی و ابوالقاسم طالبی تا مسعود کیمیایی نشان می‌دهد که استاد آنچنان جانی به تن موسیقی سینمای ایران داده‌اند که طیف‌های گوناگون خواستار همکاری با ایشان هستند.

آیا این فیلم جز جشنواره حقیقت، در جشنواره دیگری نیز به نمایش در می‌آید؟

این فیلم با هزینه و دغدغه شخصی شروع شد و خیلی از ارگان‌ها هم با وعده‌های دروغ ما را اذیت کردند. در واقع دلیل دیگری که موجب توقف تولید این کار در طول این ۵ سال شد، همین مشکل بودجه بود که متأسفانه به هیچ وجه همکاری درستی با ما انجام نشد. در نهایت نیز مرکز مستند سوره پای کار آمد و اگر بنا باشد فیلم را به جشنواره‌ای بفرستیم با همکاری دوستان است. نخستین رونمایی فیلم نیز در همایش تجلیل از استاد انتظامی است. ②





پاسداشت باشکوه استاد مجید انتظامی در حوزه هنری؛

اجتماع بزرگ خانواده سینما و موسیقی

تشکر کنیم. از تواضع استاد انتظامی نیز باید تشکر کنیم. وی افزود: برای صحبت کردن درباره استاد انتظامی همین بس که هنرمندانی از بخش‌ها و طیف‌های مختلف را با هنرش دور هم جمع می‌کند.

چکناواریان:

انتظامی به موسیقی و سینمای ایران خدمت بزرگی کرده است

در ادامه لوریس چکناواریان درباره انتظامی بیان کرد: مجید دوست و آهنگساز خیلی خوبی است. خدمت بزرگی به موسیقی و سینمای ایران کرده است. خانواده

حامی خواننده پاپ کشورمان ترانه‌هایی از سمفونی ایثار را خواند.

کارگردان «ابوایست»:

از تواضع استاد انتظامی تشکر می‌کنم

امیر صادق محمدی کارگردان مستند «ابوایست» درباره مجید انتظامی توضیح داد: چند سال پیش به ذهنم رسید درباره استاد انتظامی مستندی بسازم. یکی از بزرگترین مشکلات در این مسیر مخالفت خود استاد با ساخته شدن این اثر بود. جا دارد از گلنوش انتظامی (دختر استاد) برای همکاری‌اشان در ساخت این اثر

کارنامه ۴۰ ساله و درخشان و حرفه‌ای مجید انتظامی استاد موسیقی ایران با حضور هنرمندان و مدیران سینما در تالار سوره حوزه هنری پاس داشته شد.

به گزارش سوره سینما، آیین پاسداشت بیش از چهار سال تلاش مجید انتظامی در اعتلای موسیقی ایران زمین عصر امروز سه شنبه ۲۴ مرداد در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد. در ابتدای این مراسم که اجرای آن را رسالت بودری برعهده داشت، سکانس‌هایی از آثار سینمایی که آهنگسازی آن را مجید انتظامی بر عهده داشته است، نمایش داده شد. در ادامه حمید

موسیقی می نوشت و برای موسیقی زحمت می کشید. جعفری جوزانی: مانیفست احساس در موسیقی انتظامی تجلی می یابد مسعود جعفری جوزانی نویسنده و کارگردان سینما نیز درباره فعالیت های انتظامی بیان کرد: مانیفست احساس یک فیلم در موسیقی مجید انتظامی تجلی می یابد. آهنگسازی برای یک فیلم بسیار سخت است و او این کار را به بهترین نحو انجام می دهد. سراج: اهمیت مجید انتظامی به مثابه ستون فقرات موسیقی و سینما است

حسام الدین سراج نیز در این آیین پادداشت گفت: از مجید انتظامی اخلاق مداری، صبر، متانت و مهربانی آموختم. بزرگترین ویژگی یک هنرمند هوشمندی اوست و مجید انتخاب های دقیقی در حرفه اش داشته است. او ستون فقرات موسیقی و سینما است. برای او و هنرش آرزوی طول عمر دارم.

در این مراسم همچنین از درگذشتگان هنر به ویژه حمید فرهودی یاد شد. در ادامه پیام ضیا الدین دری که در ایران حضور ندارد درباره هنر انتظامی خوانده شد.

اهدای لوح تقدیر بیش از چهل سال تلاش مجید انتظامی

در ادامه محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری و محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری، هوشنگ کامکار، مسعود جعفری جوزانی، رضا میرکریمی به روی سن رفتند و لوح تقدیر مجید انتظامی را اهدا کردند.

وی با حضور روی سن گفت: متأسفانه عزیزان زیادی را در موسیقی از دست دادیم و باید از آن ها یاد کنیم. یاد استاد صدا ناصر فرهودی و آندره آرزومانیان را گرامی می دارم. این بهایی است که موسیقی به آن نیاز دارد و هنوز پرداخته نشده است.

وی در ادامه با تقدیر از همسرش گفت: او تمام این سال ها کنار من بود و در استودیو می ماند تا من تنها نباشم.

در پایان حاضران به تماشای مستند «ابوایست» به کارگردانی امیر صادق محمدی محصول «مرکز مستند سوره» حوزه هنری نشستند.

گفتنی است در این مراسم هنرمندان و مدیرانی همچون محسن مومنی شریف رئیس حوزه هنری، محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی، آذر نوش صدرسالك همسر مجید انتظامی، استاد برجسته چنگ ایران لوریس چکناواریان، مسعود جعفری جوزانی، دکتر محمد سریر، هوشنگ کامکار، حسام الدین سراج، جمال شورجه، پوران درخشنده، رضا میرکریمی، سید محمود رضوی، احمد میرعلایی، علیرضا رئیسین، گوهر خیراندیش، محمدحسین مهدویان، حسین زندیاف، غلامرضا فرجی، یزدان عشیری، محمود کاظمی، محمدرضا شرف الدین، مهدی کریمی، محسن علی اکبری، محمدعلی باشه آهنگر، علی روپین تن، سیمون سیمونیان، ناصر باکیده، سعید الهی، دکتر سید نظام موسوی، سید مجتبی علوی، کامران ملکی، حمید قره داغی، محمدرضا شرفاء، محسن یزدی، محمد فروود، سیاوش حقیقی، حبیب اسماعیلی، اکرم محمدی، محمدرضا عرب، احمد عبداللہیان، محمد عبدی زاده، حسن امجدی مقدم و ... حضور داشتند. (۴)

نمی دانند اما موسیقی شما را در ذهن دارند. وی ادامه داد: برای سلامتی استاد عزت الله انتظامی و حضور سایه شان بر سر سینما دعا می کنم و به شما نیز افتخار.

سریر:

امیدوارم موسیقی انتظامی برای آیندگان تداوم داشته باشد

محمد سریر نیز درباره انتظامی و کارنامه درخشان فعالیت های او گفت: مجید انتظامی دوست قدیمی من است. او بزرگترین و شناخته شده ترین فیلم ها را آهنگسازی کرده است. پدر گرامی او سایه بلندی دارد و سخت است فرزندی بتواند از سایه چینی، هنر خود را به رخ بکشد. او از درون چنین سایه ای برخاسته است و با آثار خود وجهه مستقلی را در حوزه موسیقی متن فیلم بروز داده است.

وی افزود: موسیقی او در زندگی ما حضور و جریان دارد. در سینما، رادیو و تلویزیون و داخل و خارج از کشور آوازه و نفوذ دارد. به او تبریک می گویم و امیدوارم آثار بیشتری از خود برای آیندگان به یادگار بگذارد.

میرکریمی:

مجید انتظامی هنرمندی چندوجهی و عمیق است

سیدرضا میرکریمی کارگردان سینمای ایران نیز درباره فعالیت های مجید انتظامی گفت: مجید انتظامی هنرمندی چندوجهی و عمیق است. در هر وجهی سرشار از خلاقیت، عمق، تجربه و نگاه است. تعهد اجتماعی بالایی دارد و نسبت به هم صنف های خود دغدغه مند است. با موسیقی او خاطرات بسیار دارم و امیدوارم افتخاری باشد تا با او همکاری و برای ماندگاری اثرم از تجربه او در موسیقی کمک بگیرم.

کامکار: موسیقی انتظامی هویت ایرانی و ملی دارد هوشنگ کامکار نیز در این مراسم عنوان کرد: مجید انتظامی از نوازندگان برجسته ابوا در ارکستر سمفونیک ایران بود. شیوه کار او با ایده های من مطابقت زیادی دارد و کارش را بسیار می پسندم. زیرا معتقدم موسیقی ایرانی باید هویت ایرانی و ملی داشته باشد.

ملکی: آقازاده های هنر به هنر تجلی می بخشند کامران ملکی هم با حضور روی سن درباره آثار انتظامی بیان کرد: من به نمایندگی از منوچهر شاهسواری مدیرعامل خانه سینما در این مراسم حضور دارم که به دلیل مشکل جسمانی نمی توانست حضور داشته باشد. آقازاده های سیاست خود را به سینما می چسبانند، اما آقازاده های هنر، به هنر تجلی می بخشند. بسیاری از سینماگران با آثار انتظامی الهام گرفتند و در دکوپاژ از موسیقی او بهره بردند.

خیراندیش:

موسیقی انتظامی یک کاراکتر فاخر در فیلمها است

گوهر خیراندیش بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون نیز با بیان این که موسیقی انتظامی همچون یک کاراکتر پرسوনাژ دارد، گفت: حرف زدن درباره مجید انتظامی برای من آسان نیست. فاخر بودن موسیقی او همچون یک شخصیت در فیلم های خود را ثابت می کند. اگرچه من دانش موسیقی ندارم، اما من هنر درخشان او را درک می کنم. همچنین افتخار بازی در فیلم کوتاهی به کارگردانی دخترشان را داشتم و می دیدم که مجید انتظامی همزمان با فیلمبرداری در خانه شان نت



بزرگ انتظامی میوه بزرگی را که استاد انتظامی هستند، به هنر تقدیم کرده است.

باشه آهنگر:

به مجید انتظامی افتخار می کنم

محمدعلی باشه آهنگر نیز درباره این استاد مسلم موسیقی عنوان کرد: افتخار می کنم که عکسی به یادگار در این مراسم داشته باشم. وقتی در دانشکده سینما و تئاتر درس می خواندم موسیقی و احساس ناشی از آن در آثار موسیقی من را به سینما علاقه مندتر می کرد. استقلالاً شخصیتی شما از پدرتان تاریخ سینمای شریف و نجیبی آن را ثابت می کند. موسیقی آقای انتظامی باعث شده است به سراغ هنر و نبوغ شما برویم. این خدمت باعث شده سینما و موسیقی رابطه نزدیکی با یکدیگر داشته باشند. بسیاری از سینمادوستان نام فیلم ها را







در نشست پژوهشی «سینما؛ خانواده و آسیب‌های اجتماعی» عنوان شد:

روح حاکم در سینمای ایران ارزشی نیست

نشست پژوهشی تحلیلی «سینما، خانواده و آسیب‌های اجتماعی» با هدف بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نقطه نظرات کارشناسان و اساتید دانشگاه در راستای ترویج فرهنگ خانواده در سینما به همت سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، نشست پژوهشی تحلیلی «سینما، خانواده و آسیب‌های اجتماعی» با هدف بهره‌گیری از دیدگاه‌ها و نقطه نظرات کارشناسان و اساتید دانشگاه در راستای ترویج فرهنگ خانواده در سینما (با همکاری مدیر واحد خواران سازمان بسیج اساتید کشور) در سالن کنفرانس سازمان سینمایی حوزه هنری برگزار شد. دکتر لاله افتخاری عضو سابق کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی و استاد دانشگاه شاهد، دکتر مینو اصلانی رئیس بسیج جامعه زنان کشور، خانم بیابانی جانشین جامعه بسیج زنان کشور، دکتر عصمت سوادری دکترای فقه و حقوق اسلامی و استاد دانشگاه و هیات علمی دانشگاه آزاد تهران غرب و دکتر طاهره همیز استاد دانشگاه فرهنگیان و مشاور خانواده و ازدواج، دکتر دیندار استاد دانشگاه فرهنگیان کرج، خانم علیمحمدی از بسیج هنرمندان، خانم میرشفیعیان مدیر خواران سازمان بسیج اساتید کشور، یزدان عشیری و سیدمحمد حسینی از مدیران سازمان سینمایی حوزه هنری در این نشست حضور داشتند.

در این برنامه پژوهشی و تحلیلی پیرامون موضوعاتی چون: ظرفیت‌شناسی، آسیب‌شناسی و چالش‌های سینمای خانواده، تجزیه و تحلیل بازنمایی نقش خانواده و پدران و مادران و فرزندان در فیلم‌های سینمایی، لزوم ایجاد تشکلهای دانش بنیان برای تمرکز مطالعاتی و پژوهشی عمیق‌تر و علمی‌تر پیرامون موضوعات و مفاهیم خانواده در سینمای ایران و غرب، نقش خانواده در کاهش آسیب‌های اجتماعی و روایت‌های مخدوش سینمای ایران در این زمینه و ... بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

سینما؛ آسیب یا وسیله‌ای برای کاهش آسیب‌های اجتماعی؟

یزدان عشیری مدیر روابط عمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری طی سخنانی مقدماتی ضمن خوشامدگویی به کارشناسان و حاضران در نشست گفت: سینما وسیله‌ای است برای کاهش آسیب‌های اجتماعی که از آن بهره می‌برند اما امروز شاهد آن هستیم که بخشی از سینما خود به نوعی آسیب اجتماعی تبدیل شده و در جامعه تاثیر معکوس دارد.

وی ادامه داد: با توجه به جمعیت ۸۰ میلیونی کشور که ۴۰ میلیون آن‌ها شرایط حضور در فعالیتهای اجتماعی دارند چرا پرفروش‌ترین فیلم‌های سینمایی ۲ میلیون مخاطب داشته‌اند؟ باید آسیب‌شناسی صورت گیرد که مشکل سینما کجاست؟ باید دلیل قهر و فاصله‌ای که بین مخاطب (مخصوصاً خانواده) و سینما افتاده را پیدا کرد.

چرا از فقه سینما غافل هستیم؟
میرشفیعیان مدیر واحد خواران

سازمان بسیج اساتید کشور معتقد است در فضای فرهنگی کمبود محتوایی وجود ندارد بلکه ما در تبدیل این محتوا به محصول فرهنگی ابزار نداریم. در حوزه اقتصادی شرکت‌هایی به عنوان دانش بنیان برای تبدیل ایده به تکنولوژی به وجود آمدند؛ در حوزه فرهنگ نیز به شرکت‌های دانش بنیانی نیازمندیم که محتوای سبک زندگی ایرانی اسلامی را به محصول تبدیل کنند.

وی ادامه داد: یکی از وظایف سینما ذهنیت‌سازی است و روش و تاثیرگذاری آن بسیار مهم است که متأسفانه در این سال‌ها این کار کم انجام شده است. ما در فیلم‌ها یا روش داشتیم و تاثیرگذاری نداشتیم و یا بالعکس. این مشکل شاید به دلیل جزیره‌ای کار کردن مسئولان و هنرمندان متعهد باشد.

مدیر واحد خواران سازمان بسیج اساتید کشور یادآور شد: خاطر است امام (ره) در یک سخنرانی صداوسیما را یک دانشگاه معرفی کرد و حال با دیدن نسل جدید و خلاءهایی که در آنها است



و نه زن غربی که بی هویت و ابزار گونه در جامعه است و هیچ تلاشی برای تغییر این وضعیت نداشته است، نمی توانند الگو باشند. زن مسلمان، انقلابی و مجاهد و تاثیر گذاری که نه تنها خود در میدان است و به شهادت می رسد بلکه انقدر اثر گذار است که مردانی را تربیت می کند که دنیا را تغییر می دهند؛ این الگوی سوم است، زن نه شرقی نه غربی. اتفاقا رهبری در پیامشان به در حوزه زن و خانواده در تمام ابعادش است.



دیده نمی شود. کارگردان این فیلم یک پوسته ظاهری را از حکم فقهی گرفته و لایه های بعدی را یا سهوا یا عمدا نمی شناسند و لذا چیزی که تولید می شود اثری است که فقط تحریک احساسات عمومی را به دنبال دارد و باعث شکل گیری یک شکاف میان احکام و مسائل نظام حقوق زن در اسلام و کارگردان و فیلمنامه و بقیه موارد که حال شاهد آن هستیم، می شود.

وی اضافه کرد: ما باید جایگاه واقعی زن در اسلام و الگوی زن نه شرقی و نه غربی را به عنوان یکسری سرفصل های درسی تبیین کنیم. زن نه شرقی و نه غربی که مقام معظم رهبری در پیامشان به کنگره ۷ هزار زن شهید ارائه می فرمایند، چگونه زنی است؟ امروزه نه زن شرقی که فردی خنثی و بدون اثر گذاری در تاریخ است

هنرمندان و رسانه ها می فرمایند که شما وظیفه دارید که زن نه شرقی و نه غربی؛ الگوی زن در جهان را به واسطه هنر به دنیا بشناسانید.

اصلانی یادآور شد: امروزه، در غرب انجمن هایی تشکیل شده برای احیای شایسته مادری چرا که جایگاه مادری در غرب منکوب و از بین رفته است. لذا برخی از آزاد اندیشان با پیام انقلاب اسلامی به دنبال احیای هویت و جایگاه مادری هستند. جایگاه مادری در فیلم ها یکی دیگر از موضوعاتی است که باید به آن توجه ویژه داشت. متاسفانه برخی فیلم های تولیدی نه تنها برای تغییر ذائقه بلکه صرفا برای گیشه ساخته می شوند. این دسته فیلم ها از نظر موضوع و محتوا بسیار سطحی و سخیف بوده و سلیقه مخاطب را پایین می آورند و بعضا

به این موضوع پی می بریم، ما روی موضوع تاثیر و تداعی معنای یک فیلم در فرد و جامعه کار نکردیم. آیا نویسندگان و کارگردان قبل از تولید فیلم به دنبال تاثیر و خروجی آن اثر در ذهن سازی روی فرد و جامعه می اندیشند؟ در دنیا قدرتی است به نام قدرت هوشمند، ما چقدر در تولید محتوا و محصول فرهنگی هنری به قدرت هوشمند فکر کردیم. قدرت هوشمند یکی از راهکارهایی است که اگر از آن غافل شویم هیچ امیدی به نسل ۱۴۰۰ نیست و دیگر از سینمای جمهوری اسلامی چیزی نخواهد ماند.

دنیا تشنه پیام رهایی بخشی انقلاب اسلامی است

مینو اصلانی رئیس بسیج جامعه زنان کشور در این نشست به جایگاه گفتمان انقلاب اسلامی پرداخت و عنوان کرد: گفتمان انقلاب اسلامی به خاطر پیام رهایی بخش و فطرت محور، گفتمان برتر و پیش برنده ای در جهان است که توانسته روح پرتلاطم بشر را به یک سر منزل آرامش برساند. آنچه که در دنیا اتفاق می افتد این است که سالهاست انسانها در پس مدرنیته دچار عذاب های مختلف جسمی و روحی اند و یک بی انگیزگی و بی هویتی در جهان حاکم است که ره آورد این پیام الهی می تواند آرامشی برای انسانها باشد و انقلاب اسلامی است که آنها را به ساحل آرامش سوق می دهد. در پیچ تاریخی بشر گفتمان انقلاب اسلامی را می پذیرد که نمونه های آن در جهان دیده می شود؛ حتی در قلب فرهنگ منحن غربی شاهد اتفاقاتی هستیم که حاکی از انتقال این پیام ارزشمند به جهان است. وی افزود: طبیعی است که این مسیر به تنهایی قابل گفتمان شدن نیست و نمی تواند به سرعت پیام خود را منتقل کند و هنر قطعاً، باید به کمک این پیام ارزشمند بیاید. هنر با مخاطب محوری و لحاظ شرایط و موقعیت ها می تواند پیام را به دنیا منتقل کند؛ دنیایی که تشنه پیام رهایی بخش انقلاب اسلامی است.

مینو اصلانی با بیان اینکه در این راه به یک سازمان سینمایی قدرتمند و بسیار فراگیر که دائماً در حال نوآوری و تولید اثر است، نیازمندیم. ادامه داد: در مجموعه بسیج دوستان لایت وود را به عنوان یک مسیر روشن برای این مجموعه عظیم ارائه می کنند که می تواند مسیر روشنی را برای هنر هفتم پیشنهاد کند. این یک آرمان است و طرح آرمان می تواند برای هنرمندان و تصمیم گیرندگان مسیر را باز و تصویر سازی کند برای ایجاد یک قطب سنگین، وزین و فراگیر سینمایی. برای رسیدن به چنین مرکز قدرتمند سینمایی راه طولانی در پیش است و یکی از اقداماتی که باید صورت گیرد تربیت تهیه کنندگان، نویسندگان و کارگردانان هم تراز با محتوای غنی موجود است.

وی با یادآوری از شادروان فرح الله سلحشور خاطر نشان ساخت: در زمان حیات زنده یاد سلحشور، بسیج توانست کارهای خوبی را در عرصه هنر کشور شکل بدهند، متاسفانه تاکنون کادر سازی قوی در زمینه کارهای هنری بخصوص سینما نداشتیم؛ که بسیج وارد کار شده و در حال کادر سازی در مسیر تقویت و تربیت کارگردانان تراز انقلاب اسلامی است و به زودی این کارگردانان به عرصه فیلم سازی خواهند آمد.

به اعتقاد وی، یکی دیگر از خلاءهای موجود در حوزه سینما، نبود فیلم نامه با موضوع گفتمان انقلاب اسلامی



توضیح داد: راه حل اصلی این مشکل، سازمان سینمایی است. تا ساختار در سینما معیوب است و تا سینما پراکنده کار می‌کند و باری به هر جهت است مشکل سینما درست نمی‌شود. وقتی یک نهادی، هنرمند یا هنر مشکل‌دار را دفع کند شخص دیگری آغوشش را باز می‌کند که کار مقابل را خنثی کند. ساختار حاکمیتی باید درست شود. سازمان سینمایی باید چتر خود را روی همه بگیرد.

وی اضافه کرد: در این زمینه نیاز به کار جمعی است. هم بخش خصوصی باید آنجا باشد و هم دولتی؛ در یک خلاء نباید مسئولین برایش تصمیم بگیرند، باید خودش نماینده داشته باشد در حوزه‌های مختلف و از این طرف در دولت باید سیاستگذار، مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی و دیگران باشند و دور یک میز بنشینند و نسخه‌ای نییچند که بیمار پشت در است یا مخاطب پشت در است. همه باید به یک حرکت جمعی و تفاهمی برسند و تعهد نسبت به هم داشته باشند. آسیب‌شناسی، برنامه‌ریزی، بودجه‌گذاری، نظارت، ارزیابی، مخاطب شناسی و... از جمله مراحل مورد نیاز است. باید یک مطالبه باشد، حوزه هنری کارهای خوبی انجام داده در همه زمینه‌های فرهنگی و هنری اما یا همیشه هدفمند بوده، آیا شکرستان نمیتوانسته در سطح بزرگسال هم ساخته شود؟ افق نگاه حوزه هنری درست است و باید قوی‌تر و گسترده‌تر عمل کند.

باید با زبان هنر با نسل جوان سخن گفت

عصمت سوادی عضو هیات علمی دانشگاه آزاد تهران غرب در این زمینه عنوان کرد: امروزه اگر بخواهیم دین در جامعه بویژه، برای نسل جوان جاذبه پیدا کند باید با زبان هنر با آنها سخن گفت اما در حال حاضر، در عرصه هنر برخی از مسائل نه تنها در راستای ارزش‌های دینی نیست بلکه در مقابل ارزش‌ها قرار دارد.

وی با تأکید بر لزوم هماهنگی و شناسایی افراد متخصص و متعهد در این زمینه گفت: اگر ما بتوانیم تیمی از افراد دغدغه‌دار تشکیل دهیم و حمایت کنیم و جایگاهشان را در جامعه تثبیت کنیم تا بتوانند فرهنگ را در بین مردم ایجاد کنند موفق شدیم. هم افراد و هم محتوا داریم فقط باید یک شرکت دانش بنیان یا

اختیار هنرمندان دغدغه‌مند قرار دهیم.

عضو سابق کمیسیون فرهنگی مجلس ادامه داد: متأسفانه روح حاکم در سینیمای ایران ارزشی نیست و جبهه فرهنگی برای مقابله با نفوذ دشمن و تغذیه دوستان وجود ندارد. برخلاف دشمنان که اگر از درون باهم مخالف باشند اما در ظاهر با هم متحد و یکدیگر را تقویت می‌کنند؛ ما در درون همدل اما در ظاهر یکصدا نیستیم و به همین دلیل است که تابحال این جبهه فرهنگی شکل نگرفته است.

وی گفت: تاکنون از الهام بخشی، تأثیر گذاری و ظرفیت‌های بالای سینما برای مقابله با هجمه دشمن و راهبرد اهداف خود استفاده نکرده‌ایم و سینیمای ایران بی‌برنامه و بی‌هدف و باری به هر جهت است در حالی که دشمنان از هالیوود برای پیشبرد اهداف خود استفاده و در فرهنگ سازی از خرد تا کلان مسائل فرهنگی، همه در یک راستا حرکت می‌کنند.

افتخاری با بیان اینکه امروزه نیازمند یک برنامه‌ریزی جدی در عرصه فرهنگ و هنر هستیم، افزود: باید با هدف گذاری و الویت‌بندی طی یک برنامه زمان‌بندی شده با اهداف خرد و میانی به هدف کلان فرهنگی دست پیدا کنیم. در این راه همه نهادهای فرهنگی و ارزشی اعم از حوزه هنری، بسیج و شورای فرهنگی اجتماعی زنان و حتی بخش‌های مردمی می‌توانند تأثیر گذار باشند.

به اعتقاد وی، تربیت نیروی متخصص یکی دیگر از مسائل پیش روی ماست، در این حوزه کمبود نیروی متخصص وجود دارد و می‌توان با استفاده از همه ظرفیت‌های نظام نیروهای متعدد پرورش داد.

ایجاد جبهه انقلابی در حوزه سینما ضروری است عضو سابق کمیسیون فرهنگی مجلس رصد سینمای بیگانه به صورت ۲۴ ساعته را یک الزام دانست و خاطر نشان ساخت: البته برخی تشکلهای مردم نهاد بخشی از این رسالت را خودجوش و آتش به اختیار انجام میدهند اما باید دید آیا حرفشان خریدار دارد و ویرینی در اختیار دارند. وقتی فیلمسازی با هزینه شخصی فیلم دفاع مقدس یا ارزشی می‌سازد، آیا در اکران و نمایش خانگی حمایت می‌شود؟ آیا سینمادار خصوصی فیلمش را اکران می‌کند؟ باید جایگاهی تعریف شود که هنرمند بدون ترس وارد عرصه شود.

وی معتقد است: ایجاد جبهه انقلابی در حوزه سینما متشکل از هنرمندان، صاحب نظران، دانشجویان، اساتید متعهد رشته هنر و رشته‌های مرتبط ضروری است که جوابگوی بخشی از این نگرانی‌هاست. همچنین، با تشکیل این جبهه می‌توانیم مشکلات اجتماعی را به طریق هنر بیان و حل کنیم. فرمایشات و انتظارات مقام معظم رهبری و انقلاب از هنر ما این است که مخاطبان در دنیا را شناخته و با ساخت آثار هنری الهام بخش آنها باشیم. در سفرهایم به کشورهای مسلمان و غیر مسلمان شاهد تمجید فیلم‌های دینی و ارزشی کشور چون سویف پیامبر، مریم مقدس و غیره بودم.

افتخاری در پاسخ به این پرسش مبنی بر اینکه چرا در هالیوود کارگردانی چون استیون اسپلبرگ توانسته‌اند بر اساس اعتقادات خود یهودیان را یک قوم مظلوم نشان دهند و همچنان، بر همان عقیده پیش می‌روند ولی فیلمسازان ما در این زمینه موفق نبودند؟

به شعور مخاطب توهین می‌کنند.

اصلانی در پاسخ به این سوال که به نظر شما سینما به عنوان یکی از ارکان مهم هنر در جهت دهی افکار و دادن فاکتور به خانواده، چقدر توانسته اثر مثبت داشته باشد؟ گفت: این اتفاق در حد مطلوب نبوده است. سینما در دهه‌های گذشته به لحاظ تأثیرات عمیق حضور مردم در دفاع مقدس و نقش خانواده‌ها در پیروزی پی در پی که در انقلاب اسلامی داشتیم پر رنگ بود و این را هنرمندان ما در آثار خود منعکس کردند اما در دهه‌های اخیر یک تغییر ذائقه‌ای اتفاق افتاده است.

وی معتقد است جهت دهی در تولید محتوای سینمایی مطلوب نبوده است، اگر همه با هم خوب کار کنند و سینما هم خوب کار کند ما نباید آمار طلاقمان انقدر بالا باشد. الان فیلم‌ها به سمتی رفته که به جای استفاده از بازیگران پیشکسوت به دنبال چهره‌های بدون هنر هستند.

این استاد دانشگاه خاطر نشان ساخت: فیلم جدایی نادر از سیمین در مضمون خانواده‌ای را به تصویر می‌کشید که گفتمان صحیحی نتوانستند برقرار کنند، در مهمترین مسائل خانواده با یکدیگر مشکل داشتند و خیلی از فیلم‌ها به این صورت است و این خانواده ناتوان را القا می‌کنند. سینما به سمتی رفته که خانواده فیلم‌هایی با این مضمون را می‌پسندند و این نشانه آن است که سینماگران مردم و ذائقه مردم را خوب نشناختند. نشناختن ذائقه مخاطب یعنی خیانت؛ زیرا با این عدم شناخت منجر به تغییر ذائقه مخاطب می‌شود. سینیمای ما خیلی در بحث خانواده موفق نبوده است. در سینما به مسئله طلاق اساسی پرداخته نشده، نقش خانواده‌ها در زندگی جوانان و نسل امروز به طور صحیح دیده نشده به خصوص دو دهه اخیر خیلی رو به افول بوده است.

مدیر واحد خواهران سازمان بسیج اساتید کشور عنوان کرد: در زمینه کودک به لحاظ مطالعاتی و تعریف جایگاه فرزند در خانواده و همچنین وظایف و مسئولیت‌هایی که خانواده در قبال فرزند دارند کارهایی انجام دادیم که انشالله بتوانیم خانواده‌ای که همه مسئولست پذیرند و به دنبال انجام وظایف در برابر یکدیگر و ایثار و فداکاری که در خانواده مورد نیاز است را الگوسازی کرده و این فرهنگ را پررنگ‌تر کنیم.

حوزه هنری در حوزه سینما و هنر جایگاه واقعی خود را پیدا کرده است

دکتر لاله افتخاری عضو سابق کمیسیون فرهنگی مجلس در این نشست گفت: خوشبختانه، حوزه هنری در حوزه سینما و هنر جایگاه واقعی خود را پیدا کرده است. این سازمان باید ارزشی کار کند و به هر قیمت و هزینه‌ای که داشته باشد در مقابل ضد ارزش‌های ایستادگی کند.

وی ادامه داد: بنده در یک ملاقات نیمه خصوصی پیرامون یک فیلم دفاع مقدسی در خدمت رهبر بودم، آقا فرمودند که ما هنرمندان و توان هنری داریم ولی محتوای خوب نداریم و این جهت باید تقویت شود. خدمت مقام معظم رهبری عرض کردم که ما در دانشگاه شاهد بخشی از این محتوا را می‌توانیم تأمین کنیم و این دانشگاه در بحث ایثار و شهادت کارهای زیادی انجام داده و به صورت مکتوب در آورده است که می‌توانیم در

نبود اعتقاد کاری و در برخی موارد زیر کانه، محتوای ارزشی را به سمتی ببرند که نتیجه کار برعکس محتوا جلوه کند.

وی ادامه داد: اغلب فیلم‌های در حال اکران بخصوص آنهایی که به موضوع زن و خانواده پرداخته‌اند را می‌بینم و اخیراً فیلم‌های واکنش پنجم، اکسیدان و رگ خواب را تماشا کردم و متاثر شدم چرا فیلمی که با موضوع زن و خانواده و حتی موضوع اقلیت‌های مذهبی است چرا به صورتی به تصویر کشیده شود که محتوای خوب نهایتاً خروجی دیگری دهد و بعضاً به تفرقه افکنی منجر شود.

متاسفانه سینما در پیچ‌های شده برای رواج ناهنجارها و خشونت در جامعه

دکتر دیندار نیز، رمز موفقیت در عرصه‌های هنری را نشأت گرفته میراث فرهنگی و تاریخی عنوان کرد و گفت: اگر این فرهنگ در قالب آثار هنری در معرض دید جوامع دیگر قرار گیرد حتماً با استقبال روبرو می‌شود. اما چرا در شرایط کنونی فرهنگ‌های پیرو جای فرهنگ پیش رو را گرفتند؟ باید آسیب‌شناسی جدی و دقیقی صورت گیرد. دو دلیلی که می‌توان در جواب این سوال داد: یکی اینکه مدیریت توانمند و علمی نداشته‌ایم که با توجه به تغییر ذائقه دیداری و شنیداری نسل امروز مسیر را هدایت و پیش ببرند و دوم اینکه سینما در این زمینه آنطور که باید درست عمل نکرده است.

وی افزود: در حوزه مدیریتی به تأثیرات مثبت محصولات فرهنگی هنری مانند سینما، نمایش و دیگر حوزه‌ها توجه کردیم اما از تأثیرات منفی آن غافل ماندیم. متاسفانه سینما در پیچ‌های شده برای رواج ناهنجارها و خشونت در جامعه.

این مدرس دانشگاه معتقد است باید ظرفیت‌هایی که در استانهای کشور وجود دارد شناسایی کنیم و از این ظرفیت‌ها بهره لازم را ببریم. بسیج اساتید در بحث تولید محتوا و شناسایی اولویت‌ها در مسائل خانواده، کارهای ارزشمندی از سوی اساتید و هیات علمی صورت گرفته که متاسفانه در آرشو مقالات، خاک می‌خورند. همانطور که در قرآن و احادیث دینی ما آمده نشان دادن

دینی قرآنی و از این طریق به مخاطب فاکتور ارائه کنیم. این کارشناس خانواده تأکید کرد: باید مانیفست برای خانواده و سینمای خانواده را طراحی کنیم که با جزئی نگری بتوانند لایه‌های پنهان خانواده را کشف و به بالندگی برسانند. ما تولیداتمان باید جهانی باشد و حتماً هم این محقق می‌شود. باید دو طرح بلند مدت و کوتاه مدت را در نظر بگیریم. در طرح بلندمدت، برنامه‌ریزی کلان را برای آینده انجام دهیم و در طرح کوتاه مدت بحران‌های خانواده را حل کنیم. حل بحرانهای خانواده با ساخت فیلم‌های کوتاه، بلند و سریال؛ باید فیلمی بسازیم که مخاطب بعد از تماشای فیلم اراده‌اش به سوی اراده خدا باشد و حتماً هم می‌توانیم این کار را انجام دهیم. یکی از تأثیرات فیلم، ایجاد تصمیم‌گیری در مخاطب است.

فضای امن برای جذب هنرمندان متعهد ایجاد شود علیمحمدی از دیگر اساتید دانشگاه در این نشست تحلیلی عنوان کرد: سینمای ایران در دو مبحث محتوا و تکنیک کمبودی ندارد. سینما در زمینه موضوعاتی چون خانواده، زن و منزلت اجتماعی زن و مواردی از این



دست کاملاً احصا شده است. همچنین، در بحث تکنیک سینمای کشور غنی است و هستند افرادی که کارهای حرفه‌ای در این بخش انجام می‌دهند.

وی گفت: نبود برنامه‌ریزی برای تربیت هنرمندان ارزشی یکی از معضلات سینما است. در سینما باید فضای امنی برای جذب هنرمندان متعهد ایجاد شود؛ متاسفانه اکنون فضای امن برای هنرمندان متعهد وجود ندارد و یا اگر هم هست در برخی موارد، حمایت ویژه نمی‌شود. در فضای کار هنری بحث تعهدگرایی باید در اولویت قرار گیرد و هنرمندان متعهد به کار گرفته شوند. این استاد دانشگاه تصریح کرد: اشتباهی که امروز در جامعه هنری ما صورت می‌گیرد، قرار گرفتن هنرمند متعهد در سایه و حاشیه است و این موضوع باعث ایجاد فضایی شده که در آن هنرمندان بعضاً با تکنیک و غیرمتعهد کارها را درست گرفته و محتوای ارزشی موجود را حتی در زمینه دفاع مقدس و زنان را به جهت



موسسه‌ای ایجاد کنیم که این افراد را شناسایی و حمایت نمائیم.

مانیفست اسلامی نداریم

طاهره همیز استاد دانشگاه فرهنگیان و مشاور خانواده و ازدواج، گفت: ما با دو مسئله مواجه هستیم یکی تولیدکنندگان هنر که آنها قدرت هنری دارند ولی مرعوب هستند و در ساخت یک اثر ترس از اقبال عمومی دارند و همین دلیل می‌شود که در محتوا نظر ندهند و بناگزیر، به دنبال ذائقه جامعه حرکت می‌کنند. مثلاً فیلم گاو در سال‌های اول اکران مورد بی‌مهری مخاطب قرار گرفت اما با گذشت زمان پی به ارزش هنری این اثر بردند و حالا بعد از سالها همچنان، مورد تحسین حتی، رهبری قرار می‌گیرد. دوم اینکه ما یک مانیفست اسلامی نداریم که در اختیار هنرمندان قرار دهیم.

وی معتقد است فیلم‌هایی تاکنون به بحث خانواده، به صورت پراکنده پرداخته‌اند هیچ تأثیری در جامعه نداشتند. متاسفانه حتی، خود هنرمندان ارزشی هم به صورت جامع به بحث مردم و هنر نگاه نمی‌کنند. ما باید مخاطب شناسی را به هنرمند آموزش دهیم. مانیفستی با موضوع خانواده نداریم در اختیار هنرمند قرار دهیم. در جامعه اسلامی دارند مردان را سر می‌برند این استاد دانشگاه خاطر نشان ساخت: ما باید هنرمند را قانع کنیم که اگر کار فاخر ساخته شود حتماً مورد اقبال مخاطب قرار می‌گیرد. همچنین یک نگاه نو به خانواده داشته باشیم. چرا باید در فیلم‌ها مرد ضعیف نشان داده شود. مرد را تحقیر می‌کنند. الان تمام مسئولیت‌های اساسی در فیلم دست زن‌هاست. به اعتقاد من در جامعه اسلامی دارند مردان را سر می‌برند.

وی معتقد است اگر بخواهیم در عرصه هنر موفق باشیم باید مسائل عاطفی باطن جامعه را در اثر آسیب شناسی کرده و راه حل ارائه دهیم. خانواده در فیلم‌ها در پرده‌ای از غبار دیده می‌شود و نقش اصلی خانواده ارائه نمی‌شود، یا به صورت جیغ و داد و فریاد و یا شکست عشقی و مسائل سطحی پرداخت می‌شود. ما می‌توانیم یک سریال ساخته و تمام مراحل رشد یک انسان و به کمال رسیدن در تمامی عرصه‌ها با استفاده از آموزه‌های



خیلی کارآمدتر و موثرتر شد و هر روز تحولات بی نظیری را نسبت به گذشته دارد. وی افزود: یکی از مسائلی که در سالهای اخیر بسیار مورد توجه واقع شده، تکنولوژی است بنام واقعیت مجازی. این یک زنگ خطر برای خانواده‌ها بخصوص مسئولین است. اگر از این تکنولوژی و امثال آن سوء استفاده شود زنان، دختران و حتی پسران ما در مخاطره هستند. ما این سالها از مقوله تکنولوژی در سینما غافل مانده‌ایم. ابزاری که با بهره برداری از آن در هنر سینما می‌توانیم در ترویج و تربیت خانواده متعالی در جامعه بهره ببریم.

به گفته وی، یکی از ضعف‌های ما در عرصه هنر بخصوص هنر دیداری و شنیداری این است که به نقش اعضای خانواده به طور مجزا کمتر پرداخته‌ایم. اگر به دقت و درستی نقش هر یک از اعضای خانواده را در آثار هنری به تصویر بکشیم و آموزش دهیم و از کارکرد سینما استفاده شود می‌توانیم با برنامه‌ریزی صحیح و هم افزایی بین تمامی نهادها ذیربط معضلات جامعه و خانواده را رفع کنیم. ▣



سینما ابزاری برای ترویج و تربیت خانواده متعالی در جامعه

بیابانی جانشین جامعه بسیج زنان کشور هم در ادامه گفت: هنر یکی از موثرترین ابزاری است که می‌توانیم با آن مفاهیم و پیامها را به جامعه منتقل کنیم. تکنولوژی به کمک هنر آمده تا تاثیر گذاری آن را چند برابر کند؛ این هنر با تکنولوژی روز دنیا

و ترویج فحشا و گناه، جزء گناهان بزرگ است و افراد مرتکب آن باید مجازات شوند. این مهم باید در زمینه آثار هنری مورد توجه قرار گیرد و اجازه داده نشود در فیلم‌ها مسائل فحشا و گناه طوری به تصویر کشیده شود که باعث ترویج آن شود.

وی اضافه کرد: به عنوان استاد دانشگاه شاهد این امر هستم که چه میزان کاراکتر و تیپ ظاهری و رفتاری شخصیت‌های آثار هنری بر روی جوانان و اقشار جامعه تاثیر گذار هستند و این مسئله مهم باید مورد توجه قرار گیرد و مانع ترویج رفتار ناهنجار از فیلم‌ها به جوانان و جامعه شویم و از این ظرفیت سینما باید در راه مثبت استفاده شود.



نشست هفتگی باشگاه فیلم‌سازان حوزه هنری چهارمحال و بختیاری در شهرکرد



نشست‌های هفتگی فیلم‌سازی حوزه هنری انقلاب اسلامی چهارمحال و بختیاری یکشنبه هر هفته از سوی واحد هنرهای تصویری برگزار می‌شود. به گزارش سوره سینما، مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری گفت: این نشست‌های هفتگی با هدف تمرکز بر سوژه‌یابی و نگارش فیلم‌نامه و سپس تولید اثر برگزار می‌شود.

محسن باقری در خصوص نحوه‌ی برگزاری این برنامه افزود: در این جلسات در ابتدا یک فیلم کوتاه اکران خواهد شد و سپس هنرمندان شرکت‌کننده در باره این اثر و شکل ایده‌یابی آن به بحث و گفتگو خواهند نشست تا اثر از نظر هدف، موضوع و ضرورت ارزیابی شود. به گفته‌ی وی در بخش دیگری از این نشست‌ها هنرمندان حاضر ایده‌های خود را مطرح خواهند کرد و چنانچه ایده از سوی اعضا مورد پذیرش قرار گرفت، فیلم‌نامه آن به صورت کارگاهی تولید خواهد شد.

مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری افزود: بازنویسی و بررسی فیلم‌نامه و طرح‌های هنرمندان در این جلسات تا آنجا پیش خواهد رفت که نتیجه مطلوب حاصل شده و ضمن بررسی و اقدامات پیش تولید در نهایت مراحل تولید اثر آغاز شود.

فیلم کوتاه «نفرین مورچه» در حوزه هنری خوزستان تولید شد



فیلم کوتاه «نفرین مورچه» توسط دفتر هنرهای تصویری حوزه هنری استان خوزستان تولید و ساخته شد. به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری خوزستان، فیلم کوتاه داستانی «نفرین مورچه» به کارگردانی روح‌الله سخاوت‌زاده به همت واحد هنرهای تصویری حوزه هنری خوزستان تولید شده است. بنابر این گزارش، عوامل این فیلم عبارتند از: نویسنده و کارگردان - روح‌الله سخاوت‌زاده و مشاور کارگردان - آن سید وحید طباطبائی، بازیگر - امیر جوشقانی، نور و تصویر - نادر آلبوعلی، تدوین و جلوه‌های بصری - کریم شینی پور، عکاس - محمود پوربجاری، مدیر تدارکات - سید فواد ابراهیمیان و مدیر تولید - عادل نیک‌میرام هستند.

گفتنی است، فیلم «نفرین مورچه» موضوعی اجتماعی دارد و توسط واحد هنرهای تصویری حوزه هنری انقلاب اسلامی خوزستان تولید شده و روایتی است از انسان و رفتارش در هستی آنگونه که هر جور بیندیشی و رفتار کنی در باره‌ات اندیشیده و رفتار می‌شود.

بازتاب برگزاری نمایشگاه عکس رنجها و گنجهای کهگیلویه و بویراحمد در صفحات اینستاگرام نمایندگان مجلس



Like by sharif.eslami, eshagh_aghavi and 4,167 others
tazgardenon
ایروز نمایشگاه عکس استان کهگیلویه و بویراحمد از راندهای استان را نشان میدهد در مجلس با حضور دکتر افتخار جند



Like by sharif.eslami, yasin.akhash and 7,896 others
alimotaharijr
نمایشگاه عکس "رنج و گنج" که موسسه ای از عکس های استان کهگیلویه و بویراحمد با هدف آشنایی نمایندگان با



Like by sharif.eslami, yasin.akhash and 8,638 others
alimotaharijr
نمایشگاه عکس "رنج و گنج" که موسسه ای از عکس های استان کهگیلویه و بویراحمد با هدف آشنایی نمایندگان با



Like by sharif.eslami, yasin.akhash and 8,638 others
mohammadvakil
انار که پسندیدند ۴۷۷ و یاسین هایداری پناه و یاسین هایداری پناه و یاسین هایداری پناه و یاسین هایداری پناه

سه فیلم حوزه هنری استان کردستان در بخش مسابقه
جشنواره منطقه‌ای انجمن سینمایی جوانان ایران / شب‌دیز
(کرمانشاه)
مردی که یادش میرفت نفس بکشد -
شمع سرد - خانه سفید

۱	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۲۰	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۲۱	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۳	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۲۲	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۴	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۲۳	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۵	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۲۴	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۶	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۲۵	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۷	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۲۶	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۸	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۲۷	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۹	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۲۸	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۱۰	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۲۹	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۱۱	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۳۰	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۱۲	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۳۱	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۱۳	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۳۲	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۱۴	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۳۳	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۱۵	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۳۴	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۱۶	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۳۵	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۱۷	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۳۶	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۱۸	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۳۷	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۱۹	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۳۸	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲۰	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۳۹	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲۱	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۴۰	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲۲	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۴۱	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲۳	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۴۲	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲۴	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۴۳	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲۵	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۴۴	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲۶	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۴۵	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲۷	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۴۶	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲۸	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۴۷	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۲۹	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۴۸	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۳۰	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۴۹	مردی که یادش میرفت نفس بکشد
۳۱	مردی که یادش میرفت نفس بکشد	۵۰	مردی که یادش میرفت نفس بکشد

سه حضور جهانی دیگر برای انیمیشن تماشاچی ساخته محسن باقری دستگردی



انیمیشن کوتاه «تماشاچی» ساخته محسن باقری دستگردی به بخش مسابقه سه جشنواره جهانی در کشورهای عراق، بلاروس و آمریکا راه یافت.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری چهارمحال و بختیاری دومین جشنواره Slemani International Film Festival از ۱ تا ۱۷ اکتبر در شهر سلیمانیه عراق برگزار می‌شود. بیش از ۹۰۰۰ فیلم از ۱۲۶ کشور جهان برای این جشنواره ارسال شده است که تعداد ۱۵۰ فیلم در پنج بخش فیلم سینمایی، فیلم کوتاه داستانی، انیمیشن، مستند و تجربی به جشنواره راه یافته است.

بلاروس دیگر میزبان فیلم تماشاچی است. این کشور میزبان جشنواره‌ی هوای آزاد است.

ششمین جشنواره Wasteland Film Festival در کالیفرنیا آمریکا که از ۲۸ تا ۳۰ سپتامبر برگزار می‌شود نیز پذیرای انیمیشن تماشاچی است موضوع اصلی این جشنواره به فیلم‌های آخرالزمانی و پس از مرگ معطوف است.

«تماشاچی» جهانی را به تصویر می‌کشد که تفاوت‌ها را نمی‌پذیرد و به دنبال نابودی آنهاست.

به گزارش روابط عمومی حوزه هنری، طراحی شخصیت این فیلم بر عهده فاطمه باقری هفشجانی، انیمیت: سینا کوهی فایق دهکردی، اکرم قائد امینی و مهسا اسدی، اسکن آن بر عهده خدیجه قنبری شیخ شبانی، رنگ: احمد رضا باقری هارونی، صدا: حسین قورچیان و تدوین: مهدخت اصغریان بوده است. مدیر تولید را سجاد شیرازی چالشتری، طراحی تیتراژ آن را امین حکمت پناه و پوستر فیلم را معین ریسی به عهده داشته‌اند. سحر قانع پور، میلاد غلامی، مهسا دهقان قهفرخی و سمیه محمدیان نیز در تولید این اثر همکاری داشته‌اند.

لقمان قاسمی، محسن باقری دستگردی و شرکت VEST PRODUKTION دانمارک از تهیه‌کنندگان این انیمیشن هستند.

نگاهی به انیمیشن «تماشاچی»

انیمیشن تماشاچی ساخته محسن باقری دستگردی هنرمند چهارمحال و بختیاری است. این فیلم تا کنون در بیش از ۲۰ جشنواره ملی و بین‌المللی حضور داشته و سه جایزه از کشورهای انگلیس و ونزوئلا دریافت کرده است. این اثر همچنین چهار بار نامزد دریافت جایزه از جشنواره‌های خارجی شده است. یادداشت زیر به این بهانه نگارش شده است.

انیمیشن کوتاه تماشاچی، نگاه‌یست عمیق به یکی از بزرگترین مولفه‌های جوامع مدرن یعنی یکسان‌سازی. سال‌ها قبل مفهوم دهکده جهانی توسط مارشال مک لوهان مطرح گردید. اندیشه‌ای که تقلیل اندازه جهان را به دلایل تکنولوژیک، امری اجتناب‌ناپذیر قلمداد می‌کرد. توسعه روز افزون تکنولوژی در کنار تمام نقایص مثبت‌اش همواره آستان رویدادهای نگران‌کننده‌ای بوده است که یکی از آنها می‌تواند تلاش جمعی و جهانی در راستای همسان‌سازی اندیشه‌ها و باورها تحت تاثیر ایدئولوژی‌های خاص باشد. این همان موضوع عمیقی است که محسن باقری دستگردی در تماشاچی سعی کرده در کمال سادگی‌ای که در فرم اجرای کارش دیده می‌شود به جنبه‌هایی از آن نگاهی جذاب داشته باشد. انیمیشن کوتاه تماشاچی که تاکنون موفقیت‌های بین‌المللی قابل توجه‌ای را هم بدست آورده، در جهانی انتزاعی اما کاملاً آشنا می‌گذرد. فردی متفاوت با جمعیت اطرافش پا به جهانی می‌گذارد که در آن تفاوت‌ها به عنوان یک امر نکوهیده مورد انتقاد جمعی می‌باشد. تفاوت و تنوع به عنوان امری پیش‌برنده و کمک‌کننده در توسعه‌ی روز افزون جوامع گوناگون، چیز یست که در جهان تصویر شده در تماشاچی به عنوان یک تابو غیر قابل بخشش معرفی می‌گردد. فرد متفاوت جایی در جماعت همگون شده‌ی

تماشاچی ندارد و این دقیقاً همانی است که می‌تواند به عنوان یک هشدار جدی، تصویرگر آینده جماعت بشری آن هم در عصر تسلط روز افزون رسانه‌های تکنولوژیک باشد. آدمک متفاوت در دنیای تماشاچی تنها به دلیل تفاوتش از جامعه‌ی همگون شده طرد می‌شود. جامعه‌ای که تفاوت با مولفه‌های تشکیل‌شونده‌اش را به هیچ‌وجه نمی‌پذیرد و با ترس توام با خشونت، فرد متفاوت را به عنوان یک عامل بیرونی و مخرب از چرخه‌ی سیستماتیک خود حذف می‌کند. اما این حذف به معنای از بین رفتن ابدی فرد متفاوت نیست (که ای کاش بود) بلکه در مقامی متأثرکننده‌تر با نابودی عواملی که تفاوت‌ها را شکل می‌دهند، فرد متفاوت را به مهره‌ای بدون اندیشه و هویت در راستای یکسان‌سازی مد نظرش مبدل می‌کند. مهره‌ای که با هم رنگ جماعت شدن، از یک موجود مستقل و پویا به موجودی که حالا به گونه‌ای ترسناک یاد گرفته بقایش در همگون شدن با جماعت اطرافش است مبدل می‌شود. با تبدیل تفاوت‌ها (شکل و رنگ و نژاد و اندیشه و...) به شباهت‌هایی پرتکرار، تنها با جامعه‌ای مواجه خواهیم بود که به زودی در گرداب مخرب عادت و تکرار گرفتار خواهد شد و این همان اندیشه عمیقی است که تماشاچی با زبان تصویر به مخاطب در موردش هشدار می‌دهد.

گفتم زبان و چقدر خوب که در این اثر تاثیرگذار، ما با هیچ دیالوگ و مشخصه‌ی قومی - فرهنگی که قابل منتصب به جماعتی خاص باشد مواجه نیستیم. دنیای تماشاچی با دارا بودن مولفه‌های جهانی، گویی دقیقاً انعکاسی است از آینده خوفناکی که در انتظار دهکده جهانی ما نشسته. ترس و خوفی که بی‌شک صداسازی خوب حسین قورچیان در القای موثر آن نقشی بسیار مهم ایفا می‌کند.

دکارت سال‌ها قبل با حکم معروف می‌اندیشم پس هستم، اهمیت فوق‌العاده‌ی ذهن اندیشه‌گر و از آن مهمتر پرسش‌گر را مطرح کرد. در نمایی بسیار مهم از انیمیشن تماشاچی پس از اجرای حکم اعدام فرد متفاوت، در نمایی سر پایین،

ما جسم او را می‌بینیم که پس از لحظه‌ای و در حالی که با دست دادن تفاوت‌هایش دقیقاً هم‌شکل جماعت اطرافش شده، به امید پذیرش در جمع به سمت آنها گام برمی‌دارد. نکته‌ی بسیار مهم این صحنه، طراحی چوبه‌ی دار است که دقیقاً به شکل یک علامت سوال بزرگ در آمده است. طراحی هدفمندی که می‌تواند خالق چیزی باشد که بیش از همه در یک جماعت همسان شده نکوهیده می‌شود و آن چیزی نیست جز خلق سوال توسط ذهنی پرسشگر. اما اوج استفاده در سست از عوامل فرمال برای عمق دادن به روایت توسط کارگردان را ما می‌توانیم در لحظه‌ی گام برداشتن آدمک حالا هم‌شکل با جماعت اطرافش ببینیم. جایی که من مخاطب با قرار داده شدن به جای آدمک داستان بوسیله نمای نقطه دید، با لبخندهایی مواجه می‌شوم که رضایتشان نه از سر نجات من که به خاطر از بین رفتن تفاوت‌هایم می‌باشد. از بین رفتنی که با به گوش رسیدن صدای گیوتین ماندنی که بعد از هر گام آدمک به گوش می‌رسد حاوی هشدار مهم و در عین حال تأمل برانگیز می‌باشد. این قرارگیری مخاطب به جای آدمک را می‌توانیم در حکم طرح شدن سوال‌های بزرگی برای خودمان بدانیم که خالق اثر، ما را به توجه کردن به آنها تشویق می‌کند. یکی از سوالاتی که مطرح می‌شود آن است که نقش ما این وسط چگونه تعریف می‌شود؟ به عنوان یک تماشاچی منفعل که با تن دادن به یکسان‌سازی‌های گوناگون صرفاً نظاره‌گر روی داده‌های مختلف خواهیم بود و یا اینکه در مقام یک کنشگر، نقشی موثر در خلق و هدایت رویدادهای مختلف خواهیم داشت؟

محسن باقری دستگردی در مقام کارگردانی جوان، با تماشاچی انتظارات بسیاری را خلق می‌کند که امید است در کارهای آتی‌اش حتی با قدرت بیشتری در محقق کردنشان سربلند باشد.

علی اکبر رنجبر



اکران و تحلیل فیلم مستند «علی ممد» با حضور
کارگردان فیلم «مسعود زارعیان» در برنامه
برداشت کوتاه
سه شنبه ۷ شهریور، ساعت ۱۸، در حوزه هنری
خراسان شمالی برگزار شد



اولین پاتوق تخصصی نگارش فیلمنامه
سه شنبه ۴ شهریور ساعت ۱۷ برگزار شد
حوزه هنری خراسان رضوی



پخش فیلم های کوتاه داستانی «یک روز بخصوص»
ساخته سمانه عباس پور و «نزدیک آسمان» ساخته
محمد مهدی شیروانی از آثار ۱۰۰ ثانیه ای تولید شده
در واحد تصویری حوزه هنری خراسان جنوبی از
شبکه سوم سیما

تولید فیلم کوتاه «چراغ» در حوزه هنری آبادان



به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری خوزستان، محمد شیخ زاده مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری آبادان با بیان این خبر افزود: این فیلم به تهیه‌کنندگی و کارگردانی محمود پوربچاری و به همت واحد هنرهای تصویری حوزه هنری آبادان تولید شد.

وی ادامه داد: نویسندگان فیلم «چراغ» محمود پوربچاری، مشاور کارگردان: سید وحید طباطبائی، بازیگر: مصطفی محسنی، نور و تصویر: نادر البوعلی، تدوین: مجید شتی، طراح صحنه: جلیل حاجری، عکاس: علی دریس، مدیر تدارکات: سید فواد ابراهیمیان و مدیر تولید و مجری طرح: محمد شیخ زاده هستند.

شیخ زاده بیان کرد: فیلم کوتاه داستانی «چراغ» به مدت ۷ دقیقه تولید و با موضوع اجتماعی در واحد هنرهای تصویری حوزه هنری انقلاب اسلامی آبادان تهیه شده و به بیان کشمکش چراغ با انسان در هنگام مطالعه می‌پردازد.

پایان تصویربرداری فیلم کوتاه «کارت آرزوها» در حوزه هنری چهارمحال و بختیاری



تصویربرداری فیلم داستانی «کارت آرزوها» به نویسندگی و کارگردانی مختار عبداللهی و تهیه‌کنندگی حوزه هنری چهارمحال و بختیاری پایان یافت.

به گزارش سوره سینما، مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری چهارمحال و بختیاری گفت: فیلم کوتاه داستانی «کارت آرزوها» ششمین ساخته‌ی مختار عبداللهی و اولین تولید حوزه هنری در سال ۱۳۹۶ می‌باشد.

محسن باقری دستگردی افزود: این فیلم درباره زن و شوهری است که برای انتخاب کودکی به فرزنددی، قصد دارند به شیوه‌ی خاص خود اقدام کنند، که در این روند دچار سر درگمی می‌شوند و...

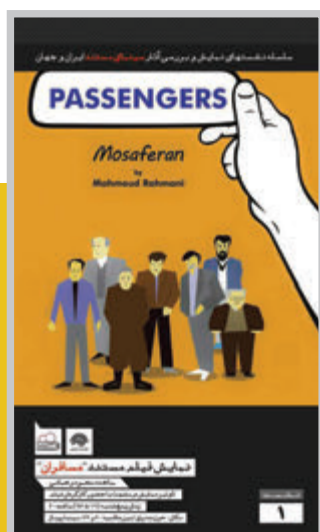
وی افزود: حمید صیادی - تصویربردار، هوشمند همای - صدابردار و مسعود اصلانی - مدیر تولید این اثر - و پونه رضایی و مهرداد داوری بازیگران این فیلم داستانی هستند.

مختار عبداللهی داستان نویس، فیلمنامه‌نویس و نمایشنامه‌نویس ساکن لردگان می‌باشد که در کارنامه هنری خود چاپ دو مجموعه داستان، تولید چهار فیلم کوتاه و یک فیلم مستند و نگارش چندین فیلمنامه و داستان را دارد.

نشست «سینمای ایران در بوته نقد منتقدان» در حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد برگزار شد

مدیر واحد هنرهای تصویری حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد گفت: سومین نشست فیلم این مرکز با حضور علاقه‌مندان به فیلم و سینما برگزار شد. به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری کهگیلویه و بویراحمد؛ اسحاق آقایی اظهار داشت: برنامه نقد و بررسی آثار سینمای ایران از جمله برنامه‌هایی است که در سال جاری توسط این واحد پیش‌بینی شده است و قرار است در این نشست‌ها فیلم‌سازان و علاقه‌مندان به نقد و بررسی سینمای ایران بپردازند.

وی افزود: تاکنون سه نشست در این حوزه برگزار شده است که در این نشست‌ها برخی از آثار فاخر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است. آقایی در ادامه گفت: در سومین نشست فیلم این مرکز چهار فیلم «با جماعت» از هادی نادری، «پنج دقیقه تا پایان» از علی رضا سلمان پور، «دور یا نزدیک» از محمد حمزه‌ای و «مدرسه و چند روایت معتبر از کلاس سوم ب» از محمد صادقی اکران و مورد نقد و بررسی قرار گرفتند. گفتنی است این نشست‌ها به صورت هفتگی و با حضور فیلم‌سازان و هنرجویان فیلم استان برگزار می‌شود.



برنامه عصر مستند، نمایش و تحلیل مستند «مسافران» با حضور کارگردان اثر «محمود رحمانی» را پنج شنبه ۱۹ مرداد در سینما روباز حوزه هنری خراسان رضوی برگزار کرد.



مروری بر آثار کریم لک زاده با حضور ایشان در برنامه برداشت کوتاه - خانه فیلم سازان خراسان شمالی سه شنبه ۱۴ مرداد ساعت ۱۸ در سالن سوره حوزه هنری برگزار شد.



فیلم کوتاه «خانه مشروط» به کارگردانی امیر محمد براتی به همت واحد تصویری حوزه هنری خراسان جنوبی تولید شد.



خانه فیلم سازان خراسان شمالی اکران و تحلیل فیلم «هول» با حضور کارگردان اثر «حمید صادق پور» سه شنبه ۱۷ مرداد ساعت ۱۸ در سالن سوره حوزه هنری خراسان شمالی برگزار شد.

فیلم کوتاه «آخرین تولد» به کارگردانی یونس محمدی و تهیه کنندگی حوزه هنری خراسان شمالی بهترین فیلم جشنواره ازلام شد.





۵ فیلم کوتاه از محمد صادقی با حضور وی در پاتوق فیلم برداشت کوتاه خراسان شمالی اکران خواهد شد. در اولین برنامه، فیلم کوتاه «پیژامه راه راه پدر را باد برد» منتخب هشتمین جشن مستقل فیلم کوتاه خانه سینما اکران و بررسی خواهد شد.



یادداشت سعید ولی زاده تهیه کننده و کارگردان، به بهانه اکران فیلم‌های وی در برنامه برداشت کوتاه - خانه فیلم سازان خراسان شمالی (بجنورد)



نمایش ۳ فیلم برگزیده سینمای کوتاه سه سال اخیر ایران همراه با گفتگو با کارگردان ها و عوامل فیلم دوشنبه ۹ مرداد ساعت ۶ عصر سالن شماره ۲ سینما بهمن شهر سنج برگزار شد.



موسسه
هنرهای
تصویری
سوره

موسسه هنرهای تصویری سوره تقدیم میکند



Mohammad Rouholamin

ابوالقاسم طالبی

نویسنده و کارگردان

علیرام نورایی / جعفر دهقان / قطب الدین صادقی / فرخ نعمتی / برایان طرفه / آهو خردمند / بهار محمدپور / علی شادمان

تهیه کننده: محمدرضا تخت کشیان / مدیر فیلمبرداری: اصغر رفیعی جم / تدوین: حسین زندباف / طراح صحنه و لباس و دکور: عباس بلوندی / موسیقی: سرگئی کروتسنگو / صدابردار همزمان: بهمن حیدری / طراح گریم: داریوش صالحیان / مدیر تولید: داوود معدنی

Twenty-one Days Later

